



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تاریخ علم طب در ایران

بررسی استعاده و اوهسالت و الطاب
مباحثه زهرا علیه السلام در زیارات
(تصویر با سپردن کوفه در زنگنه و قلمی از حضرت زهرا)

محمد مهدی کالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شمیم سیب بهشت

نویسنده:

محمد مهدی کافی

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	شمیم سيب بهشت
۸	مشخصات كتاب
۸	سخن مؤسسه
۱۴	پيش گفتار
۱۷	اسم، لقب، كنيه و صفت
۲۰	بخش اول: زندگانی حضرت زهرا عليها السلام
۲۰	پيش از ولادت
۲۳	دودمان حضرت فاطمه عليها السلام
۲۸	مادر فاطمه زهرا عليها السلام
۲۹	ولادت
۳۲	ازدواج
۳۶	دستور خداوند
۳۶	پرسش از فاطمه عليها السلام
۳۷	مهریه و وسائل منزل
۴۱	همسرداری
۴۲	تقسيم كار
۴۳	فرزندان
۴۸	نام فرزندان فاطمه عليها السلام
۵۰	بخش دوم: مقام بلند و سروری
۵۰	اشاره
۵۲	شخصیت فاطمه عليها السلام در پرتو اسماء اوصاف و القاب
۶۶	سروری حضرت زهرا عليها السلام
۷۷	مقام بلند فاطمه عليها السلام در پرتو القابی دیگر

۷۷	اشاره
۸۸	مسلمان شدن اهل کتاب به برکت فاطمه زهرا علیها السلام
۱۰۳	بخش سوم: پاکدامنی، دانش و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۰۳	اشاره
۱۰۵	پاکی و پاکدامنی
۱۱۳	عصمت
۱۱۹	آگاهی و دانش
۱۱۹	اشاره
۱۲۶	مصحف فاطمه علیها السلام در
۱۲۸	لوح حضرت فاطمه علیها السلام
۱۳۱	وابستگی فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۱۴۲	بخش چهارم: مسئولیت پذیری
۱۴۲	اشاره
۱۴۴	فعالیت‌های اجتماعی
۱۴۷	مبارزه با ستمگران
۱۴۷	اشاره
۱۴۸	درباره فدک
۱۵۸	بخش پنجم: آزارها و شهادت
۱۵۸	اشاره
۱۶۰	شکنجه های جسمی و روحی
۱۶۴	شهادت
۱۶۸	بخش ششم: زیارت های حضرت فاطمه علیها السلام
۱۶۸	اشاره
۱۷۰	فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام
۱۷۱	زیارات روایی
۱۷۱	زیارت نخست

۱۷۲ زیارت دوم زیارت فاطمه علیها السلام در بیستم جمادی الثانیه
۱۷۸ زیارت سوم
۱۷۹ زیارت چهارم
۱۸۰ زیارت پنجم
۱۸۱ زیارت ششم
۱۸۷ زیارت هفتم
۱۸۹ زیارت هشتم زیارت حضرت زهرا کنار خانه اش و در بقیع
۱۹۰ زیارت نهم
۱۹۲ زیارت دهم
۱۹۴ زیارت یازدهم زیارت فاطمه زهرا علیها السلام در روضه
۱۹۵ ضمائم
۱۹۵ اشاره
۱۹۷ متن لوح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۲۰۳ لیست اسامی القاب و صفات حضرت فاطمه علیها السلام در زیارات
۲۱۳ لیست اسامی القاب و صفات حضرت فاطمه علیها السلام در منابع دیگر
۲۱۶ منظومه زیر که به زبان عربی است القاب بسیاری از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گرد آورده است
۲۱۸ فهرست منابع
۲۲۴ درباره مرکز

سرشناسه: کافی، محمدمهدی، ۱۳۴۸ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: شمیم سیب بهشت : بررسی اسماء و اوصاف و القاب فاطمه زهرا علیهماالسلام در زیارات (همراه با سیری کوتاه در زندگی و فضایل آن حضرت) / به اهتمام موسسه امام هادی علیه السلام ؛ گردآوری و تنظیم محمدمهدی کافی.

مشخصات نشر: قم: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۱۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۶-۰۶؛ ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ اول)؛ ۳۵۵۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی: فایا (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۹۲.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۸] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- نام ها

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۷/۳/ن۲ک ۲۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۵۲۸۲

ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

فاطمه زهرا علیها السلام پاره تن پیامبر و اسوه و سرور زنان در دو عالم است که آیات قرآن به پاکی و اخلاص او گواهی می دهند. و روایات فراوان در کتب فریقین از عظمت مقام و موقعیت قدسی او سخن می گویند.

هیچ زنی در اسلام و پیش از آن به مقام او نرسید و تنها او مدال افتخار ام ابیها و امّ الأئمه النجباء و سیده نساء العالمین را دریافت نمود.

مؤسسه امام هادی علیه السلام پیش از این، کتابی مشتمل بر زیارتهای حضرت فاطمه علیها السلام به همراه ترجمه و توضیحات، با عنوان «در حریم یاس» منتشر کرد که با استقبال روبرو گردید.

اکنون نیز در تلاشی دیگر، با بررسی نامها، اوصاف و القاب آن حضرت در زیارات معصومین علیهم السلام که مؤید مقامات معنوی و فضائل آن حضرت می باشند، کتاب «شمیم سیب بهشت» را که در فضائل و سیری کوتاه در زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام است، به شیفتگان تقدیم می دارد.

از دانشمند محترم حضرت حجه الاسلام والمسلمین محمد مهدی کافی که به دعوت مؤسسه گردآوری و تنظیم این کتاب را به عهده گرفتند و نیز دیگر همکاران مؤسسه که در فراهم کردن این کتاب کوشیدند، تشکر می شود.

همچنین از مؤسسه فرهنگی فلاح و کمیته حمایت از فعالیتهای مؤسسات فرهنگی و هنری که در چاپ این کتاب مساعدت کردند قدردانی نموده و توفیقات همه این عزیزان را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

فهرست

ص: ۵

فهرست

ص: ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

آفرینش انسان و دیگر موجودات بیهوده نیست. قرآن کریم در آیاتی به این معنا اشاره دارد؛ ما آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است را بازیچه نیافریدیم. او در جای دیگر می‌فرماید؛ آیا پنداشته‌اید که شما را بیهوده آفریدیم. ۲ آفریننده جهان، حکیمی است که ذره‌ای در کار او بیهودگی، سستی، اختلاف و کژی راه ندارد و همو در قرآن فرموده؛ جنّ و انسان را جز برای عبادت نیافریدم. ۳ پرستش با شناخت خالق میسر است و کمال شناخت خالق و دستورات او به وسیله شناخت فرستادگان خدا و جانشینان آنها امکان‌پذیر می‌شود. امام حسین علیه السلام فرمود:

ای مردم! خدای بلند مرتبه، بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند نیافرید، وقتی او را شناختند او را می‌پرستند و وقتی او را عبادت کنند از عبادت غیر او بی‌نیاز می‌شوند. ۴ در سخن امام علیه السلام نیز هدف آفرینش انسان‌ها، شناختن و معرفت‌پروردگار بیان گردیده است.

خداوند پیامبران را مأموران هدایت بشر و برانگیختن گنجینه های عقل آنان قرار داد (۱)، و پس از پیامبران جانشینانشان همین وظیفه را به عهده دارند. در آخر الزمان نیز خداوند در میان مردم پیامبری برانگیخت که کتاب الهی را بر آنان تلاوت کند و آنها را پاک گرداند و کتاب الهی و حکمت به آنان بیاموزد، ۲ پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حلقه های سلسله طلایی، یعنی جانشینان دوازده گانه او این مسئولیت را به دوش می کشند. این گروه از هر خطا و اشتباه مصون و مظهر اتم انسان کامل و خلیفه الهی بر روی زمین اند.

قرار گرفتن در مسیر کمال، به آشنایی و نزدیک شدن به این آموزگاران بستگی دارد. ۳ در روایت پیش گفته امام حسین علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید معرفت چیست فرمودند:

معرفت یعنی مردم هر زمان امام واجب اطاعه خود را بشناسند.

سرعت حرکت در این مسیر نیز، به مقدار آشنایی و محبت به این بزرگواران بستگی دارد، شناخت و محبتی که موجب پیروی از آنان و بهره بردن از راهنمایی شان باشد. ۴ با این مقدمه کوتاه ضرورت شناخت و محبت و پیروی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای گام برداشتن در مسیری که جهان آفرینش برای آن موجود شد روشن می شود.

اما در میان این انوار مقدس، شناخت فاطمه زهرا علیها السلام به جهاتی ویژگی دارد.

او ام الائمه و مادر همه نیکبهاست و شناخت او، بنابر نقلی، حتی سبب گردش دورانهای پیشین است ۵، و این یکی از ویژگیهای ضرورت شناخت عصمت کبری فاطمه زهرا علیها السلام است.

ص: ۸

۱- (۱). نهج البلاغه، ص ۳۸، خ ۱: ویشروا لهم دفائن العقول... .

از راههای شناخت این بزرگواران علیهم السلام مراجعه به زیارات آنها است. فقرات زیارت هایی که از زبان شریف معصومین علیهم السلام صادر و به دست ما رسیده، القاب و اوصاف به کار رفته در آنها، همه و همه در شناساندن این بزرگواران و شناساندن معارف دینی به زائر، تأثیر به سزایی دارد.

هم چنین زیارتهایی که صدور آنها از معصومین به اثبات نرسیده است و احتمال می رود به زبان اولیاء الهی در زیارت این ذوات مقدس جاری شده باشد نیز، لبریز از اوصاف، القاب و فقراتی است که از احادیث و گفتار معصومین علیهم السلام درباره آن انوار پاک نشأت گرفته است.

بنابراین می توان گفت؛ در زیارات معصومین علیهم السلام تمامی واژه ها و کلمات به کار رفته یا از خود معصومین علیهم السلام و یا برگرفته از سخنان آنان می باشد و زائر در هنگام زیارت با حضور قلب و تدبیر، علاوه بر بهره های بسیار، به شناسایی برخی از زوایای وجودی این انوار مقدس نیز نائل می شود.

این اثر گامی است بسیار کوتاه در جهت معرفی گوشه هایی از زوایای وجودی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که با استفاده از القاب، اوصاف و اسامی بکار رفته در زیارات آن حضرت علیها السلام و دیگر معصومین علیهم السلام انجام گرفته است. این القاب و اوصاف و اسامی در بخشهای زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام، مقام بلند و سروری، دانش، پاکدامنی و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مسئولیت پذیری، آزارها و شهادت تنظیم شده است و شواهدی از روایات و لغت در توضیح آنها، - همراه با رعایت اختصار - گردآوری شده است، به گونه ای که خواننده علاوه بر توجه به معانی این اسامی، اوصاف و القاب، سیری اجمالی در زندگی آن بانوی بزرگوار داشته باشد. در پایان نیز بخشی به زیارتهای آن حضرت علیها السلام اختصاص یافته است.

اسم، لقب، کنیه و صفت

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، در کلام الهی و معصومین علیهم السلام، در موارد بسیار با اسامی مبارک و القاب شریفی که از شرافت و صفات ویژه ذات مقدس او حکایت می کند یاد شده است. به مناسبت موضوع این نوشتار در آغاز توضیحی کوتاه پیرامون اسم، لقب، کنیه و صفت ذکر می شود.

اسم: هر علامت و نشانه ای است که برای صاحب اسم می باشد. در دستورات دینی درباره حقوق فرزند بر پدر آمده است؛ یکی از حقوق فرزند بر پدر، انتخاب نام نیکو برای فرزند است. (۱)

کنیه: برگرفته از کنایه است و آن اسم هایی است که اول آن اب یا ام و نیز ابن یا بنت باشد. به جای اسم می آید و صاحب اسم را معرفی می کند و برای بزرگداشت استفاده می شود. (۲) یکی از افتخارات و عادات رایج در میان عرب که در میان دیگر اقوام ناشناخته بود، استفاده از کنیه برای بزرگداشت و احترام صاحب کنیه بود، که بعدها در میان غیرعرب نیز متداول شده است. در میان عرب کنیه بر لقب ترجیح داشت. (۳)

ص: ۱۰

-
- ۱- (۱). روضه الواعظین، ص ۳۶۹؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۰. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَيَّ وَالْإِمَّةِ ثَلَاثَةٌ. يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ از حقوق پدر بر فرزند نیز این است که او را به اسم صدا نزنند که این خود احترام بیشتری برای پدر است.» (کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۵).
- ۲- (۲). مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۶۰۰.
- ۳- (۳). الخصایص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۱۲.

لقب: در تعریف لقب گفته اند: آن نام که پس از نام نخستین به کسی دهند، و دربردارنده ستایش یا بدگویی از کسی باشد که برای مدح و ستایش و هم برای بد معرفی کردن شخص بکار می رود. (۱) آیه «ولا تنابزوا بالألقاب» (۲) نهی از لقبهای بدی است که برای شخص ناخوشایند است. برای بزرگداشت، به جای اسامی، از القاب نیکو استفاده می شود.

صفت: بیان حال و علامت و نشان چیزی است. (۳)

ص: ۱۱

۱- (۱). لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۴۱۷.

۲- (۲). حجرات: ۱۱.

۳- (۳). لغتنامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۳۱۹۱. صفت در ترکیب به اسم ملحق می گردد.

بخش اول: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

پیش از ولادت

ص: ۱۳

پیش از ولادت:

المُمتَحَنَةُ: (۱) آزموده

از تعبیراتی که دربارهٔ ساحت مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در زیارت به کار رفته، ممتحنه است که مربوط به پیش از پاگذاری آن حضرت به عالم خاکی می باشد.

در زیارت حضرتش می خوانیم ای کسی که خدای آفریننده ات، پیش از آفرینشت تو را آزمود و در آن آزمایش تو را شکست یافت... (۲) علامه مجلسی در توضیح می آورند: امتحان کنایه از دانش است، گرچه این احتمال هست که امتحان در عالم ارواح بوده باشد.

آن حضرت پیش از به دنیا آمدن در عالم میثاق، از علوم الهی اشباع شده و خداوند او را از هر گونه جهل و نادانی جدا نموده است و در همان زمان او را از هر گونه آلودگی دور کرده است؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد خدای عزّ و جلّ به فرشته ای وحی کرد و او زبان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به گردش در آورد و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم او را فاطمه نامید و

ص: ۱۵

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۵، ۲۸۱ و ۲۹۰. «كَانَ الْإِمْتِحَانُ كِنَايَةً عَنِ الْعِلْمِ، مَعَ أَنَّهُ يُحْتَمَلُ الْإِمْتِحَانُ فِي عَالَمِ الْأَرْوَاحِ». (ملاذ الاخيار، ج ۹، ص ۲۵).

۲- (۲). « يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فوجدك لما امتحنك صابره... »

فرمود: من تو را با علم و دانش اشباع و تو را از آلودگی جدا نمودم. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم خدای تبارک و تعالی او را هنگام میثاق [الهی] با علم و دانش او را سیراب و از آلودگی جدا نمود. (۱) در مرحله پیش از پاگذاری فاطمه زهرا علیها السلام به عالم وجود، باید به این نکته که نطفه آن حضرت با میوه بهشتی بوجود آمد اشاره شود که درباره آن سخن خواهد آمد، هم چنین آن حضرت علیها السلام هنگامی که در رحم بود با مادر خویش، خدیجه سخن می گفت که در ضمن حدیثی در کیفیت تولد حضرتش علیها السلام از امام صادق نقل شده است:

... كَانَتْ فَاطِمَةُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا... (۲)؛

فاطمه علیها السلام در رحم با او [خدیجه] سخن می گفت و او را دلداری می داد.

دودمان حضرت فاطمه علیها السلام

انتساب فاطمه زهرا علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین پاکی پدران و مادران آن حضرت علیها السلام با تعابیر مختلف در زیارتها مورد ذکر و عنایت قرار گرفته است. به ویژه از شخصیت پدر بزرگوارش با القابی والا و خاص یاد می شود و حضرت زهرا علیها السلام به عنوان دختر چنین شخصیتی مورد خطاب و زیارت قرار می گیرد؛ گویا ذکر القاب ویژه پیامبر در زیارت های حضرت زهرا علیها السلام اشاره به شخصیت حضرت زهرا علیها السلام نیز دارد که او دختر چنین شخصیت با عظمتی است و وارث فضیلت های او است.

ص: ۱۶

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۶. « لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلِكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَسَيَّمَهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ مِنَ الطَّمْثِ ». امام در ادامه می فرماید: « وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَعَنِ الطَّمْثِ فِي الْمِيثَاقِ ».

۲- (۲). امالی صدوق، ص ۴۷۵، مجلس ۸۷ ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲، ح ۱

تعبیر به کار رفته در زیارات عبارتند از:

بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: (۱) دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم

بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ: (۲) دختر محمد ارجمند

ابْنَةُ الرَّسُولِ: (۳) دختر پیامبر

بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ: (۴) دختر فرستاده خدا صلی الله علیه و آله و سلم

بِنْتُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: (۵) دختر فرستاده پروردگار جهانیان

بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ: (۶) دختر حبیب خدا

بِنْتُ خَلِيلِ اللَّهِ: (۷) دختر دوست صمیمی خدا

بِنْتُ صَفِيِّ اللَّهِ: (۸) دختر بنده خالص خدا

ص: ۱۷

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۴، ص ۳۸۰. در این سیاق دو تعبیر «ابنته» و «ابنتک» نیز در زیارات آمده است. (موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۳، ص ۳۴۰؛ ج ۴، ص ۳۷۰؛ ج ۵، ص ۷۹؛ ج ۱، ص ۱۲۹، ۱۵۶، ۱۵۷ و ۲۸۳؛ ج ۵، ص ۹۹).

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۵، ص ۶۷ و ۱۱۲.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۵۵؛ ج ۳، ص ۲۹۰.

۵- (۵). همان، ج ۳، ص ۵۰۷؛ ج ۵، ص ۱۲۵. همچنین تعبیر «ابنه رسول رب العالمین» نیز بکار رفته است. (موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۳، ص ۵۰۷؛ ج ۵، ص ۱۲۵).

۶- (۶). همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۵. علامه مجلسی رحمه الله در توضیح حبیب می آورد: «محبّه او محبوبه تعالی کما قال: یحبّهم و یحبّونّه». (روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۶؛ بحار الأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۵) پدر علامه مجلسی نیز در این باره می آورد: «محبّ خدا، یا محبوب خدا، یا محب و محبوب بر سیل مجاز شایع». (لوامع صاحبقرانی ، ج ۸، ص ۵۰۶).

۷- (۷). همان ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۵. خلیل را الصدیق المختص معنا کرده اند. (بحار الأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۵؛ روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۶).

۸- (۸). همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵. «الصفو من کل شیء، خیاره وخالصه والصفوه من کل شیء صفوه؛ الصفی:

الصدیق المختار». (المعجم الوسیط ، ج ١ ، ص ٥٢٠).

بِنْتُ أَمِينِ اللَّهِ: (۱) دختر شخص مورد اعتماد خدا

□

بِنْتُ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ: (۲) دختر بهترین آفریده خدا

بِنْتُ خَيْرِ التَّوْبَةِ (۳) وَابْنَةُ خَيْرِ التَّوْبَةِ: (۴) دختر بهترین آفریدگان

بِنْتُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ: (۵) دختر بهترین پیامبران

□

بِنْتُ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ: (۶) دختر برترین پیامبران خدا و فرشتگان و فرستادگان

بِنْتُ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ: (۷) دختر سرور پیامبران

□

بِنْتُ نَبِيِّ اللَّهِ: (۸) دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

بِنْتُ نَبِيِّكَ (۹) وَابْنَةُ نَبِيِّكَ: (۱۰) دختر پیامبرت

ابْنَةُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ: (۱۱) دختر پیامبر رحمت

ابْنَةُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى: (۱۲) دختر پیامبر برگزیده

ابْنَةُ الْمُخْتَارِ: (۱۳) دختر آن برگزیده

ص: ۱۸

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵. «الامین: الحافظ الحارس، والمأمون، ومن يتولى رقابه شیء او المحافظه عليه». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۲۸).

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۲۸۵.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵- (۵). همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۶- (۶). همان، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۷۹. همچنین تعبیر «وبنت افضل انبياء الله» در زیارتها آمده است. (موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۵).

۷- (۷). همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۸- (۸). همان، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۸۵.

۹- (۹). همان، ج ۳، ص ۲۷۹، ۳۶۰، ۵۴۰؛ ج ۴، ص ۲۵ و ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۶۰.

۱۰- (۱۰). همان، ج ۱، ص ۲۸۴؛ ج ۵، ص ۱۰۳.

۱۱- (۱۱). همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۲- (۱۲). همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۳- (۱۳). همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

إِنَّهُ مَوْلَايَ: (۱) دختر سرور من

آری زائر به قلب خویش خطور می دهد و به زبان جاری می کند که تو دختر شخصیتی هستی که برتر از او در جهان هستی نیست. تو فرزند محمد، آن گرامی، دوست صمیمی خداوند، و محبوب او می باشی و بالاخره تو دختر کسی هستی که مورد اعتماد خداوند و برترین پیامبران است.

إِنَّهُ الْأَطْهَارُ: (۲) دختر پاکیزگان

در این فراز، زائر آن حضرت علیها السلام را مورد خطاب قرار می دهد و به فضائل و پاکی پدر و مادر و دودمان او اشاره می نماید.

آری تو فرزند پاکان هستی و اجداد و پدران همگی دارای پرونده درخشانی هستند.

در کتب سیره درباره پدران پیامبر صلی الله علیه و آله و خدماتشان به طور مشروح سخن گفته شده است.

مادر فاطمه زهرا علیها السلام

مادر فاطمه علیها السلام، خدیجه است که نخستین زن ایمان آورنده به دین اسلام و ایثارگر و پایدار در راه دین الهی بود. او دختر خویلد بن اسد بن عبد العزیز بن قصی، و مادرش فاطمه بنت زائده الاصم از نسل عامر بن لؤی است.

وی اولین زنی بود که اسلام آورد و با ثروتی که داشت پیامبر را یاری کرد و با آن حضرت مواسات نمود. او زنی عاقله و ثروتمند بود که افراد با سرمایه او تجارت می کردند.

در سن چهل سالگی با پیامبر صلی الله علیه و آله که بیست و پنج سال داشت ازدواج نمود و بیست و چهار سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد و در سن شصت و پنج سالگی، سه سال پیش از هجرت وفات یافت.

ص: ۱۹

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- (۲). همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

بلاذری و ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی در کتاب شافی و شیخ طوسی در کتاب تلخیص گفته اند: خدیجه پیش از ازدواجش با پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواجی نکرده بود. (۱) در فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام، امام کاظم علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

خداوند از میان زنان چهار نفر را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. ۲ نیز در کتاب مسند احمد بن حنبل روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برترین زنان بهشتی، خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد، و آسیه دختر مزاحم - زن فرعون - و مریم دختر عمران می باشد. ۳ افزون بر روایتی که گذشت، روایات دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله در بزرگداشت شخصیت والای خدیجه علیها السلام نقل شده است، از جمله اینکه خداوند در معراج توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سلام می رساند و

از موارد دیگری که بر فضیلت این بانو اشاره دارد حاضر شدن چهار زن بهشتی برای وضع حمل اوست. هنگامی که زنان مکه در وقت تولد فاطمه علیها السلام، خدیجه را تنها گذاردند، مریم، ساره، آسیه و خواهر موسی از سوی خدا برای کمک نزد او آمدند.

ولادت

تُفَاحَهُ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ: ۴ سبب بهشتی و جاودانگی

خلقت فاطمه زهرا علیها السلام و قدم نهادن او به این دنیا و ازدواج و زندگی آن حضرت، از ویژگی ها و امتیازات فراوانی برخوردار بوده است.

ص: ۲۰

درباره پیدایش نطفه حضرت علیها السلام در روایات آمده است که، از میوه ای بهشتی (خرما یا سیب) که برای پیامبر هدیه آورده شده بود، به وجود آمد.

امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد:

ای رسول خدا! شما فاطمه را می بوسید و از او جدا نمی شوید و به خود می چسبانید و لطفی به او می کنید که به دختران دیگر خود نمی کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل سببی از سیبهای بهشت برای من آورد من آن را خوردم و سیب در صلب من به صورت آبی درآمد. با خدیجه هم بستر شدم و او به فاطمه باردار شد. من از فاطمه علیها السلام بوی بهشت استشمام می کنم. (۱) ولادت حضرت زهرا علیها السلام در مکه، پنج سال پس از بعثت و سه سال پس از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله، در بیستم جمادی الثانی ذکر شده است. (۲) برخی بیستم جمادی الثانی سال دوم بعثت را صحیح دانسته اند. (۳) در برخی کتب اهل سنت ولادت آن حضرت پیش از مبعث ذکر شده است. (۴) شیخ صدوق رحمه الله در کتاب مولد فاطمه علیها السلام روز بیستم جمادی الثانی را معین دانسته، و علمای شیعه نیز همین روز را روز تولد آن حضرت علیها السلام دانسته و بزرگ می دارند. (۵) امام صادق علیه السلام در جواب مفضل بن عمر که از چگونگی تولد فاطمه زهرا علیها السلام پرسید، فرمود: هنگامی که خدیجه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد، زنان مکه با او قطع رابطه کردند، نه از او عیادت می کردند و نه به او سلامی می گفتند و نه اجازه می دادند

ص: ۲۱

۱- (۱). علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵، ح ۴ و ۵، ص ۶، ح ۶، ص ۴، ح ۲. در این روایت بجای سیب، خرما ذکر شده است: «یا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ تَلِثُمُ فَاطِمَةَ وَ تَلْتَزِمُهَا وَ تُدْنِيهَا مِنْكَ وَ تَفْعَلُ بِهَا مَا لَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَنَاتِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي بِتَفَاحِهِ مِنْ تَفَاحِ الْجَنَّةِ، فَأَكَلْتُهَا، فَتَحَوَّلَتْ مَاءً فِي صُلْبِي، ثُمَّ وَقَعْتُ خَدِيدَةَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ، فَأَنَا أَشَمُّ مِنْهَا رَائِحَةَ الْجَنَّةِ».

۲- (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶، ح ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ص ۹، ح ۱۳، ۱۵ و ۱۶.

۳- (۳). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۲ و ص ۹، ح ۱۴ و ۱۵.

۴- (۴). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸ و ۹.

۵- (۵). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۳۹۱.

زنی بر او وارد شود، خدیجه از این کار دلتنگ شد، و غصه و بی تابی او برای مواظبت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. وقتی فاطمه علیها السلام را باردار شد، فاطمه علیها السلام از درون رحم با او سخن می گفت و به او دلداری می داد. خدیجه این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنهان می داشت، تا اینکه روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه شد و شنید که خدیجه با کسی سخن می گوید، فرمود: خدیجه! با چه کسی صحبت می کنی؟ گفت: جنینی که دارم با من سخن می گوید و با من انس می گیرد، فرمود صلی الله علیه و آله و سلم: خدیجه! این جبرئیل است، به من بشارت می دهد که او دختر و همان نسل پاک و مبارک است، و خداوند نسل من را از او قرار می دهد و به زودی از فرزندان او امامانی قرار خواهد داد که پس از پایان وحی، جانشینان او بر روی زمین باشند.

تا وقت ولادت فاطمه، این حال خدیجه بود، در هنگام وضع حمل، خدیجه به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد، بیایید و کارهایی که زنان هنگام ولادت برای زنان دیگر عهده دار می شوند، برایم انجام دهید.

آنها پاسخ دادند: تو نافرمانی کردی و سخن ما را نپذیرفتی، و با محمد صلی الله علیه و آله و سلم، یتیم ابوطالب که فقیر و نادار بود ازدواج نمودی. ما نیز نمی آئیم و کاری برای تو انجام نمی دهیم.

خدیجه از این سخن ناراحت و غصه دار شد. در همین حال چهار زن گندمگون و بلندقامت شبیه زنان بنی هاشم بر او وارد شدند، خدیجه هراسان شد. یکی از آنان گفت: خدیجه! ناراحت نباش. ما فرستادگان پروردگارت و خواهران تو هستیم. من ساره و او آسیه دختر مزاحم - که همدم تو در بهشت است - و این مریم دختر عمران و او کلثوم خواهر موسی بن عمران است، خداوند ما را به سوی تو فرستاده تا کارهایی که زنان هنگام ولادت زنها بعهده می گیرند انجام دهیم.

یکی از آنان سمت راست خدیجه و دیگری چپ، یکی در مقابل و چهارمی

در پشت سر او نشستند و خدیجه، فاطمه را در حالیکه پاک و پاکیزه بود به دنیا آورد.

وقتی فاطمه علیها السلام بر زمین آمد، نوری از او تابش نمود که به خانه های مکه داخل شد و در شرق و غرب جهان جایی نبود که این نور در آن وارد نشود. ده حورالعین که هر کدام تشت و ظرفی بهشتی از آب کوثر در دست داشتند وارد شده و آن را به زنی که در برابر خدیجه بود دادند و آن زن فاطمه علیها السلام را با آب کوثر شست و شو داد و دو پارچه سفید که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر بود بیرون آورد، در درون یکی او را پیچید و با دیگری سر او را بست. سپس از فاطمه علیها السلام خواست که سخن بگوید، فاطمه علیها السلام با گفتن شهادتین سخن را شروع کرد و فرمود: اشهد ان لا اله الا الله شهادت می دهم معبودی جز الله نیست و پدرم فرستاده خدا سرور پیامبران و شوهرم سرور جانشینان پیامبران، و فرزندانم سرور سبطهایند، سپس بر آن زنها سلام کرد، آنان نیز به او تبسم می کردند و حورالعین به یکدیگر بشارت تولد فاطمه علیها السلام را می دادند. آسمانیان نیز برخی به برخی دیگر خبر خوش تولد فاطمه علیها السلام را می دادند و در آسمان نور درخشنده ای پدید آمد که فرشتگان پیش از این ندیده بودند. آن چهار زن گفتند: ای خدیجه! او را پاک و پاکیزه، [از ما] بگیر که در او و نسلش برکت داده شده است... (۱)

ازدواج

فاطمه زهرا علیها السلام با دومین شخصیت عالم ازدواج نموده است. در زیارات از امیر مؤمنان علیه السلام با تعبیر و القابی بلند یاد شده است، که مضامین آنها از علو مرتبه بانوی دو عالم علیها السلام نیز حکایت دارد و به این مقام بلند فاطمه سلام الله علیها با این تعبیر اشاره می شود:

ص: ۲۳

۱- (۱). أمالی صدوق، ص ۴۷۵، مجلس ۸۷، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲ و ۳، ح ۱.

زَوْجُهُ وَلِيُّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ: (۱) همسر ولی خدا و همسر بهترین آفریده هایش پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

زَوْجُهُ وَلِيكَ: (۲) همسر ولی تو خدا

زَوْجِ الْوَصِيِّ (۳) زَوْجُهُ وَصِيٌّ نَبِيِّكَ: (۴) همسر وصی پیامبر

قَرِينُهُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ: (۵) همسر سرور اوصیاء [پیامبران]

قَرِينُهُ خَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ: (۶) همسر بهترین اوصیاء [پیامبران]

حَلِيلُهُ الْمُرْتَضَى: (۷) محرم و همسر مرتضی

قَرِينُهُ الْمُرْتَضَى: (۸) همسر مرتضی

حَلِيلُهُ صَاحِبِ اللُّوَاءِ: (۹) همسر پرچمدار [حق و عدل]

صَاحِبُهُ وَلِيِّكَ: (۱۰) همدم ولی تو (خدا)

التَّحْفَةُ حَخَّصَتْ بِهَا وَصِيَّهُ: (۱۱) ارمانی که ویژه وصی پیامبر گردانیدی

تاریخ ازدواج آن حضرت با امیر مؤمنان علی علیه السلام را اول یا ششم ذی حجه سال دوم

ص: ۲۴

-
- ۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱ ، ص ۲۷۶ ، ۲۸۰ و ۲۸۵ . علامه مجلسی در توضیح واژه ولی گوید: «ولی الله: محبّه او من جعله الله اولی بالمؤمنین من انفسهم» . (بحار الأنوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۱۹۵ ؛ روضه المتقین ، ج ۵ ، ص ۳۴۴ ؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹ ، ص ۲۶) . «الولی: کل من ولی امرأ أو اقام به، النصیر، المحبّ، الصدیق» . (المعجم الوسیط ، ج ۲ ، ص ۱۰۷) .
- ۲- (۲) . همان، ج ۳، ص ۴۰ و ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۰۳ .
- ۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱ .
- ۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۸۴ .
- ۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸ .
- ۶- (۶) . همان، ج ۵، ص ۶۷ .
- ۷- (۷) . همان، ج ۱، ص ۲۸۲ .
- ۸- (۸) . همان، ج ۱، ص ۲۷۸ .
- ۹- (۹) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵ .

١٠- (١٠). همان، ج ١، ص ٢٩٢؛ ج ٥، ص ١٦٨.

١١- (١١). همان، ج ١، ص ٢٨٧. «التحفه: الطرفه ويقال لما له قيمه فتيه أو أثريه». (المعجم الوسيط ، ج ١، ص ٨٢).

هجری (۱) و زفاف آن حضرت را ۲۱ محرم سال سوم هجری (۲) ذکر کرده اند، که در ماه شوال و ششم ذی حجه نیز نقل شده است. (۳) هم شأن بودن (کفویت) از دید اسلام برای تشکیل خانواده و ازدواج جایگاه ویژه دارد. اگرچه آنچه که اکنون در جامعه ما به عنوان معیارهای کفویت شناخته می شود با معیارها از نظر اسلام تفاوت بسیار دارد.

با توجه به شأن ویژه و والای حضرت زهرا علیها السلام، شخصیتی بلند و مقامی بزرگ شایسته همسری اوست. در مرور تاریخ می یابیم افرادی که دارای عناوین ظاهری و بهره مند از مال بودند، از فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند اما از پیامبر پاسخ رد شنیدند.

امام صادق علیه السلام در این باره که تنها کفو و هم شأن فاطمه علیها السلام، امیر مؤمنان علیه السلام بود می فرماید:

اگر خدای تبارک و تعالی امیر مؤمنان علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، روی زمین هم شأنی برای فاطمه از آدم و پس از او یافت نمی شد. (۴) به گفته علامه مجلسی رحمه الله این سخن بر برتری امیر مؤمنان علیه السلام بر پیامبران اولوا العزم جز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دلالت دارد... و گاه بر برتری فاطمه علیها السلام بر آنان نیز با این حدیث استدلال شده است. (۵) به مناسبت تعابیر ذکر شده در زیارات شمه ای از ماجرای ازدواج آن حضرت علیها السلام

ص: ۲۵

-
- ۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۲.
 - ۲- (۲). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۹۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۱.
 - ۳- (۳). امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۲؛ مجلس دوم؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۷، ح ۷.
 - ۴- (۴). کافی، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۰؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۷، ح ۶. «لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌّ عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ».
 - ۵- (۵). مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۹.

ذکر می شود.

دستور خداوند

ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام یک ازدواج معمولی نبود، و به دستور خداوند متعالی انجام گرفت، که در سخنان معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

خواستگاران فاطمه علیها السلام یکی پس از دیگری با پاسخ منفی پیامبر صلی الله علیه و آله روبرو می گشتند، علی علیه السلام در این باره می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

علی! مردانی از قریش مرا به خاطر فاطمه مورد عتاب قرار داده و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم، ما را باز داشتی و او را به ازدواج علی علیه السلام درآوردی. به آنان گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که شما را بازداشتم و او را به ازدواج علی علیه السلام درآوردم. بلکه خداوند این کار را انجام داد. (۱)

پرسی از فاطمه علیها السلام

هنگام خواستگاری فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

علی جان! پیش از تو کسانی از او خواستگاری کرده اند، من موضوع را به اطلاع فاطمه علیها السلام رسانده ام، و در صورت او ناخشنودی دیده ام، کمی صبر کن تا برگردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فاطمه علیها السلام داخل شد... به او فرمود:

فاطمه جان! علی بن ابی طالب کسی است که خویشاوندی و برتری و اسلام او را می دانی و من از خدا خواسته ام که تو را به ازدواج بهترین و محبوب ترین مخلوقاتش درآورد. او از تو خواستگاری کرده است. نظرت چیست؟

فاطمه علیها السلام سبکت شد و صورت خود را باز نگرداند و پیامبر نیز او را ناراحت ندید، حضرت صلی الله علیه و آله و سلم برخاست و فرمود: الله اکبر سکوت او نشانه قبول است... (۲)

ص: ۲۶

۱- (۱). عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۳.

۲- (۲). امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۳، ح ۴.

با اینکه شخصیت علی علیه السلام شناخته شده بود پیامبر با بیان فضائل علی علیه السلام در پی رضایت کامل فاطمه علیها السلام بود، و این درسی است که مسلمانان همراه اهتمام برای تربیت صحیح فرزندان، در وقت ازدواج به فرزندان خویش حق انتخاب دهند تا آنان با رضایت کامل با شخص مورد نظر ازدواج کنند.

مهریه و وسائل منزل

مهر فاطمه علیها السلام پانصد درهم بوده است. (۱) در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

پیشکش فاطمه علیها السلام از سوی علی علیه السلام یک پنجم دنیا و یک سوم بهشت و چهار نهر بر روی زمین قرار داده شد؛ فرات، نیل در مصر و نهروان و نهر بلخ، و خداوند به پیامبر دستور داد: او را به پانصد درهم تزویج کن تا روشی برای امت تو باشد. (۲) برای تهیه وسائل منزل، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: زره خود را بفروش.

علی علیه السلام نیز همین کار را انجام داد و پول را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلابل را خواست، بخشی از پول را به او داد و فرمود برای فاطمه علیها السلام عطر تهیه کن. و به برخی دیگر برای خرید لباس، و اثاثیه منزل پول دادند.

ص: ۲۷

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۲. پانصد درهم در مناقب صحیح تر دانسته شده است، اگر چه ۴۸۰ درهم و ۴۰۰ مثقال نقره نیز ذکر شده است.

۲- (۲). بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱۳، به نقل از کتاب الجلاء والشفاء. «عن الباقر علیه السلام: وَجُعِلَتْ نِخْلَتَهَا مِنْ عَلِيٍّ خُمْسَ الدُّنْيَا وَتُلْتِ الْجَنَّةُ وَجُعِلَتْ لَهَا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةُ أَنْهَارٍ، الْفُرَاتُ، وَنَيْلُ مِصْرَ وَنَهْرُوَانُ وَنَهْرُ بَلْخِ. فَزَوَّجَهَا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ بِخُمْسِ مَا فِي السَّمَاءِ لَأُمَّتِكَ. قِيلَ: لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ عَلِمْنَا مَهْرَ فَاطِمَةَ فِي الْأَرْضِ فَمَا مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ؟... قَالَ: كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمْسَ الْأَرْضِ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَهَا وَلَوْلَدِهَا، مَشَى عَلَيْهَا حَرَامًا إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ». (مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۱).

وسایلی که برای منزل فاطمه علیها السلام تهیه شد، عبارت بودند از:

۱. پیراهن به قیمت هفت درهم

۲. رو سری به قیمت ۴ درهم

۳. رو انداز مخمل خیری سیاه رنگ

۴. تختی که پایه هایش مزین به برگ خرما ی بافته شده بود.

۵. دو تشک از کتان مصری که درون یکی لیف خرما و درون دیگری از پشم گوسفند بود.

۶. چهار متکای پوست طائف که درونش گیاه خوشبوی اذخر قرار داشت.

۷. پرده ای پشمین

۸. بورایای یمنی

۹. آسیاب دستی

۱۰. ظرف رختشوی مسی

۱۱. مشکی از پوست

۱۲. کاسه بزرگ برای شیر

۱۳. مشکی کهنه برای آب

۱۴. آفتابه

۱۵. کوزه گلی سبزرنگ

۱۶. کوزه های سفالی. (۱) از نکات آموزنده در ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام برای افراد با ایمان، وسائل بسیار اندک زندگی است که نشان می دهد بزرگی آدمی به هیچ وجه در دارایی های مادی نهفته نیست. بدیهی است هیچ کس نمی تواند خود را در رتبه مقایسه با معصومین قرار دهند،

١- (١). امالی طوسی ، ج ١ ، ص ٣٩؛ بحار الانوار ، ج ٤٣ ، ص ٩٤ ، ح ٥.

اما هرکس می تواند به تناسب، به آن بزرگواران شبیه گشته و آنها را اسوه خویش قرار دهد.

مهریه اندک آن حضرت علیها السلام نیز الگوی دیگری است که در دستورات مورد تشویق قرار گرفته است. (۱) نکته دیگر اینکه آنچه در هم شأنی و در ابعاد دیگر در ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام مورد توجه قرار گرفته است فضائل انسانی و درجه تقرب به خدای متعال است که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی علی علیه السلام برای فاطمه علیها السلام این فضیلت ها را بازگو می نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که فاطمه به خانه علی علیه السلام رفت، جای خواب آن دو پوست گوسفندی بود که هنگام خواب آن را بر می گرداندند و بر پشم آن می خوابیدند، بالش آنان نیز پوستی بود که درونش لیف خرما قرار داشت. (۲) در عوض از این خانه محقر و بی آرایش آثار و برکات مادی و معنوی در جهان انتشار یافت که در بخش های دیگر در توضیح تعبیر مبارکه و دیگر تعبیرات به آن اشاره خواهد شد.

ص: ۲۹

۱- (۱). من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۴۳۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۱، ح ۹. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: « أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحَهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا... »؛ بهترین زنان امت من خوش سیماترین آنها و کسانی که مهریه آنان کم است می باشند.

۲- (۲). قرب الاسناد، ص ۱۱۲، ح ۳۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۰۴، ح ۱۴. «عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِرَاشُ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ حِينَ دَخَلَتْ عَلَيْهِ إِهَابَ كَبْشٍ إِذَا أَرَادَا أَنْ يَنَامَا عَلَيْهِ قَلْبَاءُ فَنَامَا عَلَيَّ صَيُوفِهِ قَالَ: وَكَأَنَّتُ وَسَادَتُهُمَا أَدْمًا حَشْوُهُالْيَفُّ ».

پس از ازدواج این دو نور، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه آنان آمد و سفارش هایی به آنان کرد، از جمله به دختر خود فرمود:

يَا بُنَيَّةُ نِعْمَ الزَّوْجُ زَوْجُكَ لَا تَعْصِي لَهُ أَمْرًا؛

دخترم! شوهرت خوب شوهری است. او را نافرمانی نکن.

سپس رو به امیر مؤمنان علی علیه السلام کرد و فرمود:

أَدْخُلِي بَيْتَكَ وَالطُّفْ بِزَوْجِكَ وَارْفُقِي بِهَا، فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي...؛

به خانه ات داخل شو و با همسرت خوشرفتاری کن و به او مهربان باش که فاطمه پاره تن من است....

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند تا آن هنگام که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، او را به خشم نیاوردم و او را وادار به انجام کاری نکردم، او نیز مرا به خشم نیاورد و دستوری از من سرپیچی نمود. من به او می نگریستم و ناراحتی ها و غصه ها از من زدوده می شد. (۱) با الگویی این چنین در زندگی زناشویی، آیا بازهم شاهد ناراحتی های عصبی، درگیری ها، و تیرگی ها و خدای ناکرده طلاق خواهیم بود؟ و آیا فرزندان که در چنین محیط آرام و پر مهری پرورش یافته اند با فرزندان که در زندگی های الگو گرفته از غرب تربیت می شوند یکسانند؟ کدامیک بهتر می توانند به اجتماع خویش بهتر خدمت نمایند؟

ص: ۳۰

۱- (۱). مناقب خوارزمی، ص ۳۵۳ و ۳۵۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴. «قال علی علیه السلام فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهَمُومُ وَالْأَحْزَانُ».

وجود تفاهم سبب نشاط زن و مرد و فرزندان و شیرینی زندگی است، گرچه دارایی اندک باشد.

احادیثی که - بیشتر از کتب اهل سنت - نقل شده و حاکی از اختلاف میان این دو نور است را نمی توان تأیید کرد و در صورتی که صدور آنها قطعی باشد، همان گونه که مجلسی رحمه الله نیز در ذیل این گونه احادیث توضیحاتی آورده اند، تأویل می شود. (۱)

تقسیم کار

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیهما السلام نقل فرمود:

علی و فاطمه علیهما السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره انجام کارهای روزمره راهنمایی خواستند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام کارهای درون خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را به علی علیه السلام واگذار کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام فرمود: جز خدا کسی نمی داند من چه اندازه شاد شدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا از انجام کارهایی که به عهده مردان است معاف نمود. ۲ بدیهی است مواردی که عهده گرفتن کارهای اجتماعی از سوی زنان ضرورت دارد، استثنا است.

ص: ۳۱

الشَّجَرَةُ الزَّيْتُونَةُ: (۱) درخت زیتون

زیتون درختی است همیشه سبز و از محصولات گرمسیر، و نام میوه آن نیز زیتون است. پس از چهار سال میوه می دهد... چوبش سخت و مقاوم دارای سود بسیار و عمر طولانی است بگونه ای که هزار سال می گذرد هنوز میوه می دهد، درخت پیوسته سبز ناحیه مدیترانه. از مدتی پیش از دوره مسیح، ساقه و برگش نشانه صلح بوده است. روغن زیتون نافع و هرچند کهنه شود قویتر شود... (۲) نام این درخت با استحکام که میوه آن نیز برکتهای بسیار دارد در قرآن آمده و به آن قسم یاد شده است: «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» (۳)، و در موارد دیگر نیز نام آن ذکر گردیده است. ۴ در جای دیگر در توصیف آن آمده است:

درختی از طور سینا ۵ به وجود آوردیم تا برای شما روغن (چراغ) و نان خورش باشد. ۶ در جای دیگر خداوند در توصیف نور الهی می فرماید:

خداوند نور آسمانها و زمین است، مثل نور او همانند جای چراغ است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است، گویی آن شیشه اختری درخشان است

ص: ۳۲

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۳.

۲- (۲) . برگرفته از لغتنامه دهخدا ، ج ۸، ص ۱۱۵۱۴.

۳- (۳) . تین: ۱.

که از درخت بابرکت زیتونی نور گرفته است که نه شرقی و نه غربی است.

(روغنش چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود، نوری است برفراز نور. (۱) زیتون غذای پیامبران و نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از بهترین نان خورشها بوده است و امیر مؤمنان از آن بسیار تناول می کرده و نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زیتون بخورید و به بدن خود بمالید که آن درخت مبارکی است... (۲) تعبیر شجره زیتونه در باره حضرت علیها السلام با توجه به ماندگاری درخت زیتون و با برکت بودن آن برای همه، و نیز روشنایی بخشی ویژه اش، و شادابی و خرمی آن در مدت طولانی بسیار پر معناست و اشاره دارد که آن حضرت علیها السلام درخت شادابی است که تمامی عالم وجود از آن بهره مند می گردند و از نور او روشنایی می گیرند و نسل مبارک امامان معصوم علیهم السلام که هادیان امت و تا روز قیامت حافظان از گمراهی اند، از آن وجود مبارک است.

النَّبَعَةُ النَّبَوِيَّةُ النَّاصِرَةُ: (۳) درخت شاداب نبوت

نبع درختی است که از آن تیر و کمان می سازند و در قلعه کوه می روید. این واژه برای تبار نیز بکار می رود گویند: «هو من نبعه کریمه» یعنی او از تبار بزرگان است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تبار زیبای نبوت است. او سبب استمرار هدایت و حافظ نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، امامان معصوم علیهم السلام فرزندان اویند، و آن حضرت همانند درختی

ص: ۳۳

۱- (۱). «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ، الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ، الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ...» (نور: ۳۵).

۲- (۲). بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۲.

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲. «النبع: شجر ینبت فی قلّه الجبل تتخذ منه القسیّ والسهم، یقال هو من نبعه کریمه ماجد الأصل». (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۹۰۵).

شاداب است که شاخه ها و برگ هایش گسترده شده است و در هر زمان به فرمان پروردگارش میوه می دهد.

سخنی پاک همچون درختی پاک است، ریشه آن استوار و شاخه های آن در آسمان است و هر زمان به فرمان پروردگارش میوه می دهد. (۱) درباره این آیه امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر درخت و شاخه درخت، علی بن ابی طالب علیه السلام و شاخه ظریف آن فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندانش میوه های آن، و شیعیان ما برگ های آنند، سپس فرمود: وقتی مؤمنی از شیعیان ما می میرد از آن درخت برگی فرو می افتد، و چون فرزندی از شیعیان ما به دنیا آید درخت برگی می رویاند. (۲) تعبیری که به صورت کنیه برای حضرتش ذکر شده است نیز به این نکته که او تبار شاداب نبوت است و امامان هدایت گر از نسل فاطمه علیها السلام هستند اشاره دارد، همچون:

أُمُّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ: (۳) مادر امامان پاک

أُمُّ الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ: (۴) مادر امامان نیکوکار

أُمُّ الْأَيْمَةِ: (۵) مادر امامان

ص: ۳۴

۱- (۱). «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرِهِ طَيِّبِهِ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابراهیم: ۲۴ و ۲۵).
۲- (۲). معانی الأخبار، ص ۴۰۰، ج ۶۱؛ نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۵۸. «عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «كَشَجَرِهِ طَيِّبِهِ...» قَالَ: أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَفَرْعُهَا عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَمَرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَرَقُهَا شِّيْعَتُنَا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شِّيْعَتِنَا لَيَمُوتُ فَيَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَإِنَّ الْمُؤَلَّودَ مِنْ شِّيْعَتِنَا لَيُولَدُ فَيُورِقُ الشَّجَرَةَ وَرَقَةً».

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۶۷ و ۲۲۲.

۴- (۴). همان، ج ۵، ص ۱۱۲.

۵- (۵). همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

أُمُّ أَيْمَةِ الْهُدَى: (۱) مادر امامان هدایت

أُمُّ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ: (۲) مادر امامان هدایت گر

أُمُّ السَّادَةِ الْأَيْمَةِ: (۳) مادر امامان سرور

أُمُّ الْأَيْمَةِ النَّجْبَاءِ: (۴) مادر امامان بزرگوار

وَالِدَةُ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ (۵)، وَالِدَةُ الْأَيْمَةِ: (۶) مادر امامان هدایت شده

أُمُّ أَحِبَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ: (۷) مادر دوستداران و برگزیدگان تو (خدا)

در تعبیر دیگری از زیارات، نام فرزندان فاطمه علیها السلام ذکر شده است و به این صورت جلوه دیگری از علو مقام و بزرگی آن حضرت مورد اشاره قرار گرفته است، یعنی تو بانویی هستی که فرزندانمانند امام حسن و امام حسین علیهما السلام در دامن تو تربیت شده اند:

أُمُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام: (۸) مادر امام حسن و امام حسین علیهما السلام

أُمُّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: (۹) مادر دو نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسن و حسین، دو سرور جوانان بهشت

که این تعبیر به سخنی از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن دو امام اشاره دارد؛ الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنة. (۱۰)

ص: ۳۵

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۲- (۲). همان، ج ۵، ص ۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۸۲.

۵- (۵). همان، ج ۴، ص ۲۰۲.

۶- (۶). همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۷- (۷). همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۸- (۸). همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰ و ۲۸۵؛ ج ۵، ص ۱۲۵.

۹- (۹). همان، ج ۳، ص ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴.

۱۰- (۱۰). كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۵۹.

[ام الائمه المعصومين]: (۱) مادر امامان معصوم

کنیه دیگری که در زیارات نیامده است؛

در پایان این قسمت به برخی از کنیه های دیگر حضرت علیها السلام که در زیارت ها نیامده اشاره می گردد:

[ام اسماء]: (۲) مادر اسماء

علامه مجلسی از کتاب معرفه الصحابه نقل می کند که (۳) گفته اند؛ کنیه او ام اسماء بوده.

[ام الهناء]: (۴) مادر گوارایی

این کنیه در منظومه شیخ حر عاملی مورد اشاره قرار گرفته است. (۵) واژه هنیء به معنی گواراست. در قرآن نیز فکلوه هنیئاً مرثیاً (۶) آمده است.

برخی کنیه های دیگر عبارتند از: ام الريحانين، ام المحسن، ام الخيره، ام الازهار، ام الاخيار و ام النجباء

ص: ۳۶

۱- (۱). الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۲۵. علامه مجلسی می آورد؛ می توان آن بزرگواران را با اوصاف و القابی که دوستداران در مقام ستایش و بزرگداشت به کار می برند، مورد خطاب قرار داد، مگر آنکه مخالف تصریح خود آن بزرگواران باشد، بنابراین می توان علاوه بر کنیه های مذکور (با ریختن صفتهای ویژه آنان در قالب کنیه) هزاران کنیه ساخت و این کنیه ها را در مقام خطاب بکار برد.

۲- (۲). الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳- (۳). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۲، باب ۱. عن کتاب معرفه الصحابه و الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۱۶. «...وكانت فيما قيل تكني ام اسماء.»

۴- (۴). الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵- (۵). وقد رووا كنيتهام الهنا ام الائمه الهداه الامنا

۶- (۶). نساء: ۴.

نام فرزندان فاطمه علیها السلام

مشهور است که از فاطمه زهرا علیها السلام چهار فرزند باقی ماند و یک فرزند نیز پیش از تولد به شهادت رسید.

امام حسن مجتبی علیه السلام نخستین فرزند آن حضرت است که در رمضان سال سوم هجری متولد شد. (۱) در ماه شعبان سال چهارم هجری (۲) ولادت امام حسین علیه السلام گرمی تازه ای به خانه علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام بخشید.

حضرت زینب علیها السلام الگوی فداکاری و تحمل مصائب و صبر، فرزند سَمّ آن حضرت است. تولد زینب علیها السلام را در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجری ذکر کرده اند. (۳) شوهر ایشان عبدالله بن جعفر طیار بود.

پس از او حضرت ام کلثوم که در همه مشکلات و مصیبت ها شریک خواهر بزرگوارش بود و در فضیلت و فصاحت و بلاغت پس از زینب کبری قرار داشت، در سال هفتم هجری دیده به جهان گشود. شوهر او عون بن جعفر بود. (۴) فرزند دیگری که پیش از به دنیا آمدن به شهادت رسید محسن نام داشت که در بخشهای آینده درباره شهادت آن مظلوم سخن خواهد آمد.

ص: ۳۷

۱- (۱). اگر چه در سال دوم هجری نیز ولادت آن حضرت نقل شده است، اما مرحوم اربلی اصح اقوال را در نیمه رمضان سال سوم هجری، در مدینه دانسته است. (کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۴۰؛ دلائل الامامه، ص ۶۰؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۰۲).

۲- (۲). کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۱۵؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲۰. تولد حضرت علیه السلام در سال سوم هجری نیز نقل شده است.

۳- (۳). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۶۳۴. در تولد آن حضرت، شعبان سال ششم هجری و اقوال دیگر نیز ذکر شده است.

۴- (۴). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۶۵۰.

[ام المحسن]: (۱) مادر محسن

این کنیه نیز در غیر زیارات برای حضرتش علیها السلام بکار رفته است.

بنابر روایات، علی و فاطمه علیهما السلام نام گذاری فرزندان خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله واگذار کردند و آن حضرت این نامها را برایشان برگزید.

به مناسبت به یکی دیگر از القاب حضرت علیها السلام که در زیارت ها ذکر نشده است اشاره می شود:

[حانیه]: (۲) مهربان نسبت به فرزندان

زنی که نسبت به فرزندان به گونه ای مهربان باشد که از شدت محبت به آنان پس از مرگ پدر شان ازدواج نکند، حانیه خوانده می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مدح زنان قریش فرمود: احناه علی ولد؛ آنان مهربانترین زنان نسبت به فرزندان خود می باشند، این صفت کمال نیز در فاطمه زهرا علیها السلام بارز بود.

ص: ۳۸

-
- ۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
- ۲- (۲). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۹۸. «حناه یحنو: عطفه... والمرأه علی اولادها حنواً: عطفه واقامت علیهم ولم تتزوج بعد ایبهم». (اقرّب الموارد، ج ۱، ص ۲۴۱).

بخش دوم: مقام بلند و سروری

اشاره

ص: ۳۹

شخصیت فاطمه علیها السلام در پرتو اسماء اوصاف و القاب

نامها، القاب و کنیه های معصومین علیهم السلام هریک برگرفته از واقعیاتی هستند و از ابعاد و آثار وجودی آنان حکایت دارند. بررسی اسماء و القاب حضرت فاطمه علیها السلام و تأمل در آنها نیز ما را در شناختن آن حضرت یاری می رساند. این قسمت به بیان و بررسی این اسماء و القاب اختصاص یافته است.

فاطمه (۱)

فاطمه یکی از مشهورترین اسامی حضرت علیها السلام است که از معانی بلندی حکایت دارد. این نام همراه صفاتی که توضیح بیشتری درباره حضرتش علیها السلام را می رساند نیز در زیارات آمده است مانند:

فاطمه الزهراء علیها السلام . (۲)

فاطمه بنت محمد: (۳) فاطمه دختر محمد

ص: ۴۱

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲؛ ج ۲، ص ۲۵۵، ۲۸۱، ۳۰۵، ۳۸۶؛ ج ۳، ص ۴۰؛ ج ۵، ص ۴۰، ۹۹، ۱۱۸، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۲۸. «فطم الحبل: قطعه، والمرضع الرضيع: فصلته عن الرضاع، و الرجل عن عادته: قطعه عنها». (اقرب الموارد ، ج ۲، ص ۹۳۳).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۸۲ و ۲۸۶؛ ج ۲، ص ۱۹۱، ۱۹۵ و ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۴۱۸، ۵۰۸؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲ و ۱۱۲. درباره واژه زهرا توضیح خواهد آمد.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

فَاطِمَةُ بِنْتُ الرَّسُولِ: (۱) فاطمه دختر فرستاده [خدا]

فَاطِمَةُ الْبُتُولُ: (۲) فاطمه جدا شده از خلق

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: (۳) فاطمه بزرگتر

فَاطِمَةُ الْاِنْطِطَامِ (الْاَفْطَامِ): (۴) فاطمه جدا شده (از جهل و شرک و بدی)

این اسم در کلام معصومین علیهم السلام بیانگر برخی جلوه های شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام است که در ذیل اشاره می شود:

الف) نام فاطمه برگرفته از نام خداوند است، زیرا فاطر از نام های خداوند است و فاطمه برگرفته از فاطر است امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و امیر مؤمنان علی و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز گرد او بودند. پیامبر فرمود: قسم به آنکس که مرا پیامبری بشارت دهنده مبعوث کرد، خداوند بر روی زمین آفریده ای دوست داشتنی تر از ما و بزرگوارتر خلق ننمود، خداوند تبارک و تعالی برای من نامی از نام های خود جدا کرد، او محمود است و من محمد. نامی نیز برای تو ای علی علیه السلام جدا نمود او علی اعلی است و نام تو علی است، نامی نیز برای تو ای حسن جدا نمود، نام او محسن است و نام تو حسن و نامی نیز برای تو ای حسین از نامهای خود جدا نمود او دارای احسان است و تو حسینی و ای فاطمه نامی نیز برای تو از نام های خود جدا نمود، نام او فاطر است و نام تو فاطمه.

سپس گفت: خدایا تو را شاهد می گیرم من با کسی که با آنها در صلح باشد صلح

ص: ۴۲

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۸۷. دربارهٔ واژه بتول در بخشهای آینده توضیح خواهد آمد.

۳- (۳). همان، ج ۵، ص ۱۱۲ و ۱۲۵.

۴- (۴). همان، ج ۵، ص ۱۰۳ «افطم الرضيع: دخل فی وقت الانطام و حان له ان یفطم، انطام: مطاوع فطم». (اقرّب الموارد،

ج ۲، ص ۹۳۳).

هستم و با جنگ کننده با آنان در جنگم و کسی که آنها را دوست دارد دوست می دارم و بر کسی که به آنان خشم گیرد خشمگینم و با کسی که با آنان دشمن باشد دشمنم و با هر کس با آنان دوستی داشته باشد دوستم زیرا آنها از من و من از آنانم. (۱) ب) حضرتش علیها السلام فاطمه نام گذاری شده است زیرا او و دوستدارانش از آتش جهنم باز داشته شده اند. (۲) امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: دخترم را به این سبب فاطمه نام نهادم زیرا خداوند عز و جل او و دوستدارانش را از آتش جهنم باز داشته است. (۳)

ص: ۴۳

۱- (۱). معانی الأخبار، ص ۵۵، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۴۷، ح ۲۳؛ ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۳. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا وَعِنْدَهُ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، مَا عَلِيٌّ وَجْهَ الْأَرْضِ خَلَقَ أَحَبُّ إِلَيَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ، فَهُوَ مُحَمَّدٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ، وَشَقَّ لَكَ يَا عَلِيُّ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ، فَهُوَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى وَأَنْتَ عَلِيٌّ، وَشَقَّ لِمَكَ يَا حَسَنُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ، فَهُوَ الْمُحْسِنُ وَأَنْتَ حَسَنٌ، وَشَقَّ لَكَ يَا حُسَيْنُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ ذُو الْإِحْسَانِ وَأَنْتَ حُسَيْنٌ، وَشَقَّ لَكَ يَا فَاطِمَةُ اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ فَهُوَ الْفَاطِرُ وَأَنْتَ فَاطِمَةُ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ، وَحَرَبْتُ لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ، وَمَحَبَّتُ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، وَمُبْغَضُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ، لِأَنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ».

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۳، ۱۲ و ۱۴.

۳- (۳). عيون الاخبار، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۴؛ علل الشرايع، ص ۱۷۸، ح ۱؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۳ و ۴، ص ۱۴، ح ۱۱، ص ۱۵ ح ۱۲ و ۱۴، ص ۱۸، ح ۱۸؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۲۶ به نقل از ذخائر العقبی، ص ۲۶؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۹. «عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ». علامه مجلسی درباره این معنی می آورد؛ توهم نشود که با این وجه تسمیه حضرتش علیها السلام می بایست مفظومه نامگذاری می شد، چرا که بسیار در کلام عرب فاعل به معنای مفعول می آید مثل «سر کاتم» و «مکان عامر» و در قرآن «عیشه راضیه» و «ماء دافق» آمده است و بسا که «فطم» لازم هم استعمال شود. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴ ذیل ح ۱۰).

در برخی روایات آمده است فاطمه نام گذاری شد زیرا او و ذریه اش از آتش جهنم بازداشته شده اند. (۱ج) او فاطمه نام گرفته است چون با وجود حضرتش طمع افراد از وراثت امر (ولایت) قطع شده است.

□
امام کاظم علیه السلام از عبدالله بن حسن پرسید:

چرا فاطمه فاطمه نامیده شد؟ او پاسخ داد تا میان آن اسم و اسم های دیگر تفاوت باشد، فرمود: فاطمه هم از اسماء بود [و قبلاً نامگذاری می شد] اما این اسم به این سبب گذارده شد که خدای تبارک و تعالی هر چیز را پیش از بودن آن می دانست و می دانست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان قبیله ها ازدواج خواهد نمود و آنها در جانشینی این امر (رهبری) طمع خواهند کرد، وقتی فاطمه علیها السلام متولد شد خداوند تبارک و تعالی به سبب خیری که از او ظاهر کرد و آن چه در میان فرزندان او قرار داد او را فاطمه نامید، پس میان آن افراد و طمع شان جدایی انداخت. فاطمه علیه السلام به این سبب فاطمه نامیده شد.

چون او طمع آنان را قطع کرد. (۲د) سبب نامگذاری او به فاطمه این است که خداوند او را آن چنان دانش آموخته است که از دانش دیگران بی نیاز است.

ص: ۴۴

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸، ح ۱۸.

۲- (۲). علل الشرایع، ص ۱۷۸، ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳، ح ۷؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۴. «لَمْ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً قُلْتُ فَرَقًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَسْمَاءِ قَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ الْأَسْمَاءِ وَلَكِنَّ الْإِسْمَ الَّذِي سُمِّيَتْ بِهِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلِمَ مَا كَانَ قَبْلَ كَوْنِهِ، فَعَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَتَزَوَّجُ فِي الْأَحْيَاءِ وَأَتْتَهُمْ يَطْمَعُونَ فِي وِرَائِهِ هَذَا الْأَمْرُ فِيهِمْ مِنْ قَبْلِهِ، فَلَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ سَمَّاهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاطِمَةَ لِمَا أَخْرَجَ مِنْهَا وَجَعَلَ فِي وَلَدِهَا فَقَطَعَهُمْ عَمَّا طَمَعُوا، فَبِهَذَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا فَطِمَتْ طَمَعَهُمْ».

امام باقر علیه السلام فرمودند:

وقتی فاطمه علیها السلام متولد شد، خدای عزّ و جلّ به فرشته ای وحی نمود و او زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به گردش در آورد و نام حضرتش را فاطمه گذارد سپس [خطاب به فاطمه علیها السلام] فرمود: من تو را با دانش ممتاز کردم [بی نیاز از دانش دیگران نمودم] و از آلودگی جدایت کردم.

امام باقر علیه السلام پس از این فرمود: به خدا سوگند خدای تبارک و تعالی به هنگام میثاق او را با دانش بی نیاز و از آلودگی زنانه جدا نمود. (۱ه) علت نامگذاری حضرتش به فاطمه علیها السلام این است که او از بدی جدا است.

امام صادق علیه السلام به یکی از دوستان فرمود:

می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: مولایم به من بگو. فرمود او از شرّ و بدی جدا گردیده است. (۲و) او فاطمه نامیده شد زیرا از شرک منقطع است؛

ص: ۴۵

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳، ح ۹. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلَكٍ (فَانطَلَقَ) فَانطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَسَمَّاهَا فَاطِمَةَ. ثُمَّ قَالَ: إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ مِنَ الطَّمْثِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَعَنِ الطَّمْثِ فِي الْمِيثَاقِ». علامه مجلسی در توضیح این حدیث آورده اند: «فطمتک بالعلم» یعنی تو را به سبب دانش از نادانی جدا کردم، یا اینکه از شیر گرفته شدن تو را همراه با علم قرار دادم، کنایه از اینکه در ابتدای خلقتش عالم به علوم ربّانی بوده است. یا اینکه منظور این باشد، که تو را با علم شیر نوشانیدم تا بی نیاز شدی و جدا گردیدی، و در هر یک از تقادیر گذشته فاعل به معنای مفعول است یا به باب تفعیل قرائت شود یعنی تو را آن گونه قرار دادم که مردم را از نادانی جدا می کنی. وقتی او را خداوند از جهل جدا کرد فاطمه علیها السلام نیز مردم را جدا می کند. (مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۴).

۲- (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۰؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۶. «تدری ایّ شیء تفسیر فاطمه؟ قلت اخبرنی یا سیدی قال: فطمت من الشرّ».

فاطمه علیها السلام دارای نه اسم است، فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، رضیه، محدثه، و زهرا، سپس به راوی فرمود: می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: از چه چیز باز داشته شده سرورم؟ فرمود: از شرک. (۱) البتول (۲) وَ الْبَتُولَةُ: (۳) بریده از غیر

بتول از دیگر نام های ذکر شده در زیارات است. این اسم برای حضرت مریم نیز به کار رفته است. بتول به معنای جدا شده از دیگران به سبب ویژگی خاص می باشد. این کلمه به معنای شخصی که به هیچ وجه ازدواج نکرده است نیز به کار می رود همان گونه که در باره حضرت مریم علیها السلام به این معنا بکار رفته است، اما برای فاطمه زهرا علیها السلام این معنا صادق نیست بلکه این واژه درباره حضرت زهرا علیها السلام وجوه دیگری دارد که اشاره می شود:

الف) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح واژه بتول فرمود:

بتول یعنی آنکه هرگز عادت ماهیانه ندیده است زیرا این پدیده در میان دختران پیامبران پسندیده نیست. (۴) و به عایشه فرمود:

او مثل زنان آدمی نیست که به عادت ماهیانه گرفتار شود. (۵)

ص: ۴۶

۱- (۱). دلائل الامامه، ص ۱۰؛ العدد القویه، ص ۲۲۶. « لِفَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ تَسَعُهُ أَسْمَاءُ؛ فَاطِمَةَ وَالصَّديقَةَ وَالْمُبَارَكَةَ وَالطَّاهِرَةَ وَالزَّكِيَّةَ وَالرَّاضِيَةَ، وَالرَّضِيَّةَ وَالْمَحْدَثَةَ وَالزَّهْرَاءَ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي مِمَّا فُطِمْتُ؟ قَالَ: مِنَ الشُّرْكِ. »

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۸۳، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۱۹۱؛ ج ۵، ص ۵۰ و ۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۸۲. «بتل ه - قطعه و فصله عن غیره». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۳۷).

۴- (۴). كشف الغمه، ج ۲، ص ۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۳؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۲۱. مجلسی رحمه الله توضیحی خواندنی در این باره آورده است. «الْبَتُولُ الَّتِي لَمْ تَرَ حُمْرَةَ قَطُّ أَيُّ لَمْ تَحْضُ فَإِنَّ الْحَيْضَ مَكْرُوهٌ لِلَّهِ بِنَاتِ الْأَنْبِيَاءِ.»

۵- (۵). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

برخی گفته اند یکی از وجوه تسمیه آن حضرت، به فاطمه نیز همین بوده است، «يُقَالُ إِنَّهَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا فُطِمَتْ عَنِ الطَّمْثِ (۱) طمّث عادت ماهیانه زنان ترجمه گردیده است.

اما از طمّث معنای عام یعنی «هرگونه آلودگی» و کنایه از معاصی و اخلاق پست، و چرکی های روحی و جسمی نیز می تواند مورد نظر باشد. (۲)ب) فاطمه علیها السلام بتول نامیده شد، زیرا از نظر برتری و فضیلت و ایمان و شرافت خانوادگی از دیگران جدا و ممتاز شده بود. (۳)ج) او بتول نامیده شد، زیرا از دنیا بریده بود و همه توجه او به سوی خدای متعال بود. (۴)

د) او را بتول نامیدند، چون او نظیری نداشت. (۵)الزهراء: (۶) درخشنده تر

از دیگر اسامی مشهور حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، زهرا است. این نام نیز نشان دهنده جلوه هایی از شخصیت بزرگ فاطمه علیها السلام است که در روایات رسیده از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است. اما چرا فاطمه علیها السلام، زهرا نامیده شد؟

ص: ۴۷

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

۲- (۲). مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳، ذیل ح ۹.

۳- (۳) نهاییه ابن اثیر، ج ۱، ص ۹۴. «امرأه بتول: منقطعہ عن الرجال لا شهوه لها فيهم وبها سميت مريم ام المسيح على نبينا وآله وعليهما السلام وسميت فاطمه عليها السلام البتول، لانقطاعها عن نساء زمانها فضلاً وديناً وحسباً، وقيل لانقطاعها عن الدنيا إلى الله تعالى.

۴- (۴) نهاییه ابن اثیر، ج ۱، ص ۹۴. «امرأه بتول: منقطعہ عن الرجال لا شهوه لها فيهم وبها سميت مريم ام المسيح على نبينا وآله وعليهما السلام وسميت فاطمه عليها السلام البتول، لانقطاعها عن نساء زمانها فضلاً وديناً وحسباً، وقيل لانقطاعها عن الدنيا إلى الله تعالى.

۵- (۵). فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۶.

۶- (۶). موسوعه زيارت المعصومين، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۸۶؛ ج ۲، ص ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۴۱۸، ۵۰۸؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲ و ۱۱۲. «زهر الوجه و السراج و القمر زهراً و زهوراً: تالألأ و الشىء: صفا لونه و اضاء. الزهراء: مؤنث الازهر، المرأه المشرقه الوجه، البيضاء المنيره». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۴۰۵؛ اقرب الموارد، ج ۱، ص ۴۷۸).

الف) ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چرا حضرت فاطمه علیها السلام زهرا نام گرفت؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

زیرا نور او در روز، سه بار برای امیر مؤمنان علیه السلام می درخشید، نور صورتش وقت نماز صبح، هنگامی که مردم در بستر بودند درخشش می کرد. سفیدی این نور به اتاق های آنان در مدینه می رسید و دیوارهایشان را روشن می کرد. آنان شگفت زده از این پدیده نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند و سؤال می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به خانه فاطمه علیها السلام روانه می کرد، آنان فاطمه را در محراب خویش مشغول نماز می دیدند و در آن حال نور صورتش از محراب می درخشید. در می یافتند آنچه دیده اند از نور فاطمه علیها السلام بوده است.

ظهر هنگام وقتی فاطمه علیها السلام برای نماز آماده می شد صورتش به رنگ زرد می درخشید این نور به اتاق های مردم داخل می گشت، لباس و رنگ آنان به زردی می گرایید، مردم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و در این باره می پرسیدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به منزل حضرت فاطمه علیها السلام می فرستاد، او را مشاهده می کردند که در محراب خود ایستاده و صورتش - درود خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندانش باد - می درخشید، می یافتند آن چه دیده بودند از نور صورت فاطمه علیها السلام است.

وقت غروب خورشید در پایان روز، صورت فاطمه علیها السلام به خاطر شادی و شکر گزاری خدای عز و جل سرخ می شد و می درخشید.

این نور خانه ها را فرا می گرفت و دیوارهای آنان را به این رنگ در می آورد، مردم شگفت زده نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده درباره آن می پرسیدند، حضرت [بار دیگر] آنان را بسوی منزل فاطمه علیها السلام روانه می کرد، و می دیدند که فاطمه علیها السلام نشسته و تسبیح خدا می گوید و او را می ستاید و نور صورت او به رنگ قرمز درخشش می نماید. در می یافتند، آن چه دیده اند از نور صورت فاطمه علیها السلام است.

و این نور در صورت او بود تا امام حسین علیه السلام متولد شد و تا روز قیامت این نور در صورت ما اهل بیت، امامی پس از امام، منتقل می شود. (۱) صاحب کتاب خصائص الفاطمیه در بیان این حدیث آورده است:

روشنایی بخشی فاطمه علیها السلام با این سه نور در سه وقت، نشان از تفاوت حالتهای آن حضرت در هنگام عبادت و پس از فراغ دارد.

اول صبح ابتدای طلوع خورشید است، سفیدی نور حضرت نشان رحمت های ویژه حضرت حق است که در طول شب بر او افزوده شده و این صفت به امیدواری قبولی اطاعت های سابق و پس از آن اشاره دارد.

ظهر هنگام، وقت ریزش برکات و پایین آمدن فرشتگان رحمت و میان دو وقت صبح و عصر است، نشانه های خوف و خشیت آن حضرت از این که مبادا غفلتی در مورد عبادت و اطاعت و کوتاهی در ادای حق صاحب حق شده باشد در چهره آن حضرت ظاهر می گردد. اثر ترس و خشیت، لرزش و زردی چهره است.

امّا هنگام غروب، آخر انجام تکالیف روز است و وقت آمدن شب و مناجات با حضرت حق. این وقت احساس انبساط از پذیرش اطاعت او در پیشگاه خداوند است و احساس و لمس محبت الهی است و نشانه محبت و شوق، سرخی صورت است.

این حالت ها از آثار عبودیت است و به همین سبب فاطمه علیها السلام با این انوار در

ص: ۴۹

۱- (۱). علل الشرایع، ص ۱۸۰، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۱، ح ۲، و ص ۱۶. «لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ، كَانَ يَزْهَرُ نُورٌ وَجْهَهَا صِلَاةَ الْعَمَدَةِ وَالنَّاسِ فِي فِرَاشِهِمْ فَرَشَهُمْ فَيَدْخُلُ بِيَاضُ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجْرَاتِهِمْ بِالْمَاءِ لِيَنَّهُ، فَتَبْيَضُّ لِحَيْطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ، فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا فَاعْتَدَهُ لَهَا مِنْ حُجْرَاتِهَا تُصَيِّمِي وَالنُّورُ يَسْطَعُ مِنْ حُجْرَاتِهَا مِنْ وَجْهِهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ...».

محرابش نمایان و این رنگ ها از آن حضرت منتشر می گشت. (۱)ب) آن حضرت را زهرا نامیدند، زیرا هنگام عبادت، برای آسمانیان می درخشید.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که چرا فاطمه علیها السلام، زهرا نامیده شد فرمود:

زیرا وقتی فاطمه علیها السلام در محراب خود می ایستاد نورش - مانند درخشش ستاره ها برای اهل زمین - برای آسمانیان می درخشید. (۲)ج) در حدیث دیگری درباره علت این نام گذاری آمده است:

خداوند فاطمه علیها السلام را از نور عظمتش آفرید. وقتی درخشش کرد، با نورش آسمانها و زمین را روشن کرد و بر چشم فرشتگان پرده افکند. فرشتگان با دیدن این نور در برابر خداوند به سجده افتادند و گفتند: ای خدای و سرور ما، این چه نوری است؟ خداوند به آنان وحی کرد؛ این نور از نور من است، از عظمت خود خلق کردم و آن را در آسمان خود جای دادم و او را از صلب یکی از پیامبرانم که بر تمامی پیامبران برتری می دهم خارج می کنم و از این نور امامانی را که عهده دار کار من شوند به وجود آورم که به سوی حق من هدایت می کنند، و پس از پایان وحی، آنان را جانشینان خویش در روی زمین خود قرار می دهم. (۳)

ص: ۵۰

۱- (۱). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲- (۲). معانی الاخبار، ص ۶۴، ح ۱۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۶. «لَأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا، زَهْرًا نُورًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».

۳- (۳). علل الشرایع، ص ۱۸۰، ح ۱؛ معانی الاخبار، ص ۶۴، ح ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۵، و ص ۱۷. «لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ، فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِنُورِهَا وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَقَالُوا: إِلَهِنَا وَسَيِّدُنَا مَا لِهَذَا النُّورِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ: هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي أَسْكَنْتُهُ فِي سَيِّمَائِي. خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي، أُخْرِجُهُ مِنْ صَيْلِبِ نَبِيٍِّّ مِنْ أَنْبِيَائِي، أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَيَّ حَقِّي وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ إِنْقِضَاءِ وَحْيِي».

د) آن حضرت زهرا نام گرفت زیرا در بهشت برای او گنبدی وجود دارد که بهشتیان آن را مانند ستاره ای درخشانده مشاهده می کنند و می گویند: این زهرا برای فاطمه است. (۱) ه) هنگامی که خداوند نور فاطمه علیها السلام را مانند چراغی آفرید و آن را در زائده عرش آویخت، هفت آسمان و زمین های هفتگانه نورانی شد. فاطمه علیها السلام به همین جهت زهرا نامیده شد. فرشتگان خدا را تسبیح و تقدیس گفتند، خداوند فرمود:

به عزت و جلال خود سوگند، پاداش تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای دوستداران این زن و پدر و شوهر و فرزندان او قرار می دهم. (۲) این گونه پرتو افکنی آن حضرت علیها السلام تنها ویژه این دنیا نیست بلکه در سرای دیگر نیز اهل بهشت از آن بهره می برند، درباره آیه «لَا يَرَوْنَ لَهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهًا يَرَاءً» (۳)

ص: ۵۱

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۶. «الحسن بن یزید قُلْتُ لأبِي عبد الله لِمَ سُمِّيَتْ فاطمَةُ، الزَّهْرَاءُ؟ قَالَ: لَأَنَّ لَهَا فِي الْجَنَّةِ قُبَّةً مِنْ ياقوتِهِ حَمْرَاءٍ إرتفاعُهَا فِي الْهَوَاءِ مَسِيرُهُ سَنَةً مُعَلَّقَةٌ بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ، لَا عَلاقَةَ لَهَا مِنْ فَوْقِهَا فَتُمْسِكُهَا وَلَا دِعَامَةَ لَهَا مِنْ تَحْتِهَا فَتَلْزَمُهَا، لَهَا مائَةٌ أَلْفِ بابٍ وَعَلَى كُلِّ بابٍ أَلْفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَرَاهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَرَى أَحَدُكُمْ الْكَوْكَبَ الدُّرَى الزَّاهِرِ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ: هَذِهِ الزَّهْرَاءُ لِفاطِمَةَ.»

۲- (۲). ارشاد القلوب ، ص ۴۰۳؛ عوالم ، ج ۱۱، ص ۷، ح ۱؛ بحار الأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۷، ح ۱۶. «مرفوعاً إلى سلمان الفارسی قال كُنْتُ جالِساَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِمَ ... فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِمَ: لَمَّا أَرَادَ اللهُ تَعَالَى أَنْ يَبْلُغَ الْمَلَائِكَةَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ سَيِّحَاباً مِنْ ظُلْمَةٍ فَكَانَتْ الْمَلَائِكَةُ لَا تَنْظُرُ أَوْلُها مِنْ آخِرِها وَلَا آخِرِها مِنْ أَوْلِها. فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: إِلَهنا وَسَيِّدنا مُنذُ خَلَقْتنا ما رَأينا مِثْلَ ما نَحْنُ فِيهِ. فَسَأَلَكِ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَنْوارِ، إلاما كَشَفْتِ عَنّا. فَقَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعَزَّتِي وَجَلالِي لِأَفْعَلَنَّ، فَخَلَقَ نُورَ فاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْها السَّلامَ يَوْمَئِذٍ كَالْقَنْدِيلِ وَعَلَّقَهُ فِي قُرْطِ الْعَرْشِ فَزَهَرَتِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ سُمِّيَتْ فاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَكَانَتْ الْمَلَائِكَةُ تُسَبِّحُ اللهُ وَتُقَدِّسُهُ فَقَالَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعَزَّتِي وَجَلالِي لِأَجْعَلَنَّ ثَوابَ تَسْبِيحِكُمْ وَتَقْدِيسِكُمْ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ لِمُجِبِي هَذِهِ الْمَراةِ وَأَبِيها وَبَعْلِها وَبَنِيها.»

۳- (۳). دهر: ۱۳. «در بهشت نه خورشید و نه سرما را نمی بینند.»

از ابن عباس نقل شده است:

وقتی بهشتیان در بهشت ساکن می شوند نوری مانند نور خورشید مشاهده می کنند که بهشت را روشن می کند، بهشتیان می گویند، پروردگارا، در کتاب خود فرمودی، در بهشت نه آفتاب و نه سرمایی مشاهده نمی شود، در این هنگام منادی صدا می کند؛ این نور خورشید و نور ماه نبود، بلکه علی و فاطمه علیهما السلام از چیزی به شگفت آمده و خندیدند و بهشت از نورشان روشن شد. (۱) الغراء: (۲) درخشنده، بزرگوار

تعبیر دیگری که در زیارات برای حضرت فاطمه علیها السلام به کار رفته، غراء است. غراء مؤنث اغرّ و به معنای درست کرداری است که کارهایش بزرگوارانه است و به معنای «سرور» «زیبا»، «سفید هرچیز» و «نجیب» نیز می آید.

که درباره آن حضرت علیها السلام بزرگواری، درخشندگی و نورانیت و سرور و نجابت همه و همه صادق است. که به برخی از آنها در بخش های گذشته اشاره شد. پس از این نیز درباره سروری آن حضرت علیها السلام احادیثی ذکر خواهد شد.

نورانیت آن حضرت از نور خداوندی است و تابش آن به هر شخص سبب هدایت و راهنمایی و سعادت او در دنیا و آخرت است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هنگامی که خداوند بهشت را آفرید آن را از نور صورت خویش آفرید سپس آن نور را پراکند، یک سوم از آن نور به من رسید و یک سوم دیگر به

ص: ۵۲

-
- ۱- (۱). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۹؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۸۰، ح ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۵.
- ۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۶. «غرّ وجهه، صار ذا غرّه و حسن. و الشیء: ابيضّ. و المرأه: شرف. الغراء: البیضاء المنوره و المیمونه المبارکه مأخوذه من غره الفرس، أو الشریفه الکریمه مؤنث أغرّ». (أقرب الموارد، ج ۲، ص ۸۶۶؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۰۱).

فاطمه علیها السلام و یک سوم به علی و خاندانش علیهم السلام رسید. هرکس از آن نور برگرفت به ولایت آل محمد هدایت شد و کسی که از آن نور بی نصیب ماند از ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بی نصیب شد. (۱) الْإِنْسِيَّةُ: (۲) انسان

الْحَوْرَاءُ (۳) وَالْحَوْرِيَّةُ: (۴) حوری

این دو وصف در زیارات اشاره به دارا بودن کمالات انسان و حورالعین است. گاه این دو صفت با یکدیگر ذکر شده اند:

الْإِنْسِيَّةُ الْحَوْرَاءُ: (۵) انسان حوری صفت

در آیات قرآن از حورالعین یاد شده است: «حورٌ مقصورات فی الخیام» (۶). «و حورٌ عین کأمثال اللؤلؤ المکنون» (۷).

حوراء شخص دارای چشمانی زیبا، که سیاهی آن بشدت سیاه و سفیدی آن بسیار سفید است و دارای بدنی بسیار سفید که در فارسی نیز معادل آن واژه حوریه و حوری استعمال می شود.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره آفرینش حورالعین پرسید: فدایت شوم حورالعین از چه آفریده شده اند؟ فرمود: از بهشت و درون ساق او از پس هفتاد حله دیده

ص: ۵۳

□
۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۵. «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهِهِ، ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَدَفَهُ فَأَصَابَتِي ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ، وَأَصَابَ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ، فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ لَمْ يُصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ».

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۸۰، ۲۸۶.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ ج ۵، ص ۱۰۲.

۵- (۵). همان، ج ۵، ص ۱۱۲.

۶- (۶). الرحمن: ۷۲. «حوریانی که در خیمه ها مستورند».

۷- (۷). واقعه: ۲۲ و ۲۳. «همسرانی مانند حورالعین، همچون مروارید در صدف پنهان» و نیز در سوره دخان: ۵۴ و طور:

۲۰.

می شود. گفتم. فدایت شوم آیا سخنی هم می گویند: فرمود: بله. سخنی که هیچکس نشنیده است... (۱) هم چنین فرموده اند؛ آنان از زعفران خلق شده اند. (۲) و آنان از بوی خوش آفریده شدند، بیمار نمی شوند و آفتی به آنها نمی رسد. (۳) تعبیر حوراء الانسیه بدین معناست که او حوریه ای است بصورت انسان همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی فرمودند:

هنگامی که به معراج رفتم جبرئیل علیه السلام دستم را گرفت، داخل بهشت نمود و از خرمای بهشتی به من داد، من آن را خوردم، و در صلبم به صورت نطفه ای درآمد، در بازگشت به زمین با خدیجه همبستر شدم، و او فاطمه را باردار شد.

فاطمه علیها السلام حوریه ای است به صورت آدمی و من هرگاه به بوی بهشت مشتاق شوم دخترم فاطمه را استشمام می کنم. (۴) نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

فاطمه حوریه ایست که به صورت انسان آفریده شده است. (۵)

ص: ۵۴

۱- (۱). تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۲، ص ۸۲؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۱، ح ۱۱. «جُعِلَتْ فِداك مِنْ أَى شَىءٍ خُلِقَ الحور العين؟ قال: مِنْ تَرَبِّهِ الجَنَّةِ النورائیهِ وَيُرَى مَخَّ ساقِئِها مِنْ وَراءِ سَبْعِينَ حُلَّةً قُلْتُ: جَعَلْتُ فِداك أَلَهَنَ كَلامٍ يَتَكَلَّمَنَّ بِهِ فى الجَنَّةِ؟ قال: نَعَمْ كَلامٍ يَتَكَلَّمَنَّ بِهِ لَمْ يَسْمَعْ الخَلائِقُ بِمِثْلِهِ...».

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۲ ح ۱۴. «فانهنَّ خلقن من الزعفران.».

۳- (۳). احتجاج، ج ۱، ص ۳۵۱؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۳۶، ح ۴۸. «وانها خلقت من الطيب لا- تعتریها عاهه ولا تخالط جسمها آفه.».

۴- (۴). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴، ح ۲، و ص ۵، ح ۴ و ۵، و ص ۶، ح ۶. «لَمَّا عَرَجَ بى إلى السَّماءِ أَخَذَ بِيَدى جِبْرِئِلُ عَلَيهِ السَّلامُ فَأَدْخَلَنى الجَنَّةَ فَناءولَنى مِنْ رُطْبِها فَأَكَلتُهُ فَتَحَوَّلَ ذلِكَ نُطْفَةً فى صِلبى، فَلَمَّا هَبَطْتُ إلى الأَرْضِ واقَعْتُ نَحْدِجَه فَحَمَلْتُ بِفاطمَةَ عَلَيها السَّلامُ ففاطمَةُ حَوْرَاءُ إنسِيَه فَكَلَّمّا إِشْتَقْتُ إلى رائِحَةِ الجَنَّةِ شَمَمْتُ رائِحَةَ ابنتى فاطمَةَ.».

۵- (۵). كشف الغمه، ج ۲، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷، ح ۸. «إِنَّ فاطمَةَ خُلِقَتْ حورِيَه فى صُورِهِ إنسِيَه.».

به گفته علامه مجلسی، به فاطمه علیها السلام حوری گفته می شود زیرا ویژگیهای آنها را داراست، اخلاق ناپسند دیگر زنان را ندارد و به جمال و کمال آراسته است. (۱) در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است:

حور العین از نور وجود مقدس فاطمه علیها السلام خلق شدند و او از رطب بهشتی آفریده شد. (۲) [العذراء]: (۳) بکر

یکی از القاب حضرت علیها السلام که در زیارات ذکر نشده است عذراء می باشد که به معنای بکر است. قرآن در باره حور العین می فرماید: «فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا» (۴).

وصف عذراء برای فاطمه زهرا علیها السلام نیز به جنبه حوری بودن و بهشتی بودن آن حضرت علیها السلام اشاره دارد.

سروری حضرت زهرا علیها السلام

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: (۵) سرور زنان جهانیان

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ: (۶) سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان

ص: ۵۵

۱- (۱). بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۶؛ ملاذ الاخيار، ج ۹، ص ۲۷؛ روضه المتقين، ج ۵، ص ۳۴۵.

۲- (۲). الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- (۳). الخصائص الفاطميه، ج ۱، ص ۱۸۲. «بکارت برای حضرت علیها السلام فضیلتی نیست بلکه منظور دوام این بکارت با زوجیت و ولادت است که ویژه حضرت فاطمه علیها السلام است».

۴- (۴). واقعه: ۳۶.

۵- (۵). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۱۲۹، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۱۹۱، ۲۵۵، ۳۶۷، ۳۸۶؛ ج ۵، ص ۶۷، ۷۳، ۹۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۲۷. «السید: الله تعالى لأنه مالک الخلق اجمعین. المالك والملک والمولی،... وکل من افترضت طاعته، ولقب تشریف یخاطب به الاشراف من نسل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم... و سید کل شیء أشرفه وأرفعه یقال: القرآن سید الکلام». (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۶۴).

۶- (۶). همان، ج ۱، ص ۲۸۵.

سید از سواد به معنای سیاهی گرفته شده است. به معنای ربّ، مالک، شریف.

قاضی، کریم، حلیم، رئیس، فرمانبرده شده و شکبیا استعمال می شود.

قرآن کریم درباره حضرت یحیی علیه السلام می فرماید:

«سَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (۱)؛ سرور و بدور از هوسهای سرکش و پیامبری از صالحان.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سرور جوانان بهشت اند. (۲) در این زمان به افرادی که منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند لقب سید اطلاق می شود.

همان گونه که پدر فاطمه علیها السلام سید پیامبران و شویش سید اوصیاء و دو فرزندش سید جوانان بهشت هستند، او نیز سرور و سید زنان جهانیان است.

به مالک و مولای شخص و هرکس که فرمانبری او واجب باشد سید گفته می شود، هم چنین از اشرف و برتر هر چیز به سید تعبیر می شود. در زیارات، حضرت زهرا علیها السلام با این صفت فراوان خطاب شده است و روایات زیادی - از شیعه و اهل سنت - این مضمون را در بر دارد.

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دخترم فاطمه سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان است. (۳) در ضمن حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هر زنی در شبانه روز پنج نماز گزارد و ماه رمضان را روزه دارد و حج

ص: ۵۶

۱- (۱). آل عمران: ۳۹.

۲- (۲). كشف الغمه، ج ۲، ص ۷۸. «الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة».

۳- (۳). امالی صدوق، ص ۹۹، ح ۲، مجلس ۲۴. «إِبْلَتِي فَاطِمَةَ فَإِنَّهَا سَيِّدَةٌ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».

بیت الله به جا آورد و زکات مال خود را بپردازد و از همسرش فرمان برد و پس از من علی علیه السلام را به ولایت و سرپرستی خود برگزیند با شفاعت دخترم فاطمه علیها السلام به بهشت داخل می شود و به تحقیق فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان است. (۱) قرآن کریم در شأن حضرت مریم علیها السلام آیات زیبایی دارد؛ از جمله در سوره آل عمران ماجرای تولد او به دعای مادرش و نیز مقام و منزلت او نزد خداوند را بیان می فرماید و پس از آن در آیات بعدی او را برگزیده، پاک و برتر زنان جهان معرفی می کند. (۲) «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۳)؛

و بیاد آور هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.

این آیه می رساند که حضرت مریم محدثه بوده و فرشتگان با او سخن می گفته اند. (۴) اصطفاء به معنای تلخیص نمودن از ناخالصی هاست و در این جا بمعنای مختار و برگزیده است، بالاترین رتبه برگزیده شدن، سیادت است. (۵) جمع میان سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره فاطمه علیها السلام «که او سرور زنان جهانیان است» با آیه قرآن که مریم را سرور زنان معرفی می کرد، برای برخی مبهم بود،

ص: ۵۷

۱- (۱). امالی صدوق، ص ۳۹۳، ح ۱۸، مجلس ۷۳، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲، ح ۲۰. «فَإِذَا إِمْرَأَهُ صَلَّتْ لَهَا الْيَوْمَ وَاللَّيْلَةَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَصَلَامَتٍ شَهْرَ رَمَضَانَ وَحَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَزَكَتْ مَالَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَوَالَتْ عَلِيًّا بَعْدَ دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَإِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ».

۲- (۲). آل عمران: ۳۵ - ۳۷.

۳- (۳). آل عمران: ۴۲.

۴- (۴). المیزان، ج ۳، ص ۲۰۴.

۵- (۵). المیزان، ج ۳، ص ۲۳۵.

از امام صادق علیه السلام در این باره سؤال شد؟ امام علیه السلام فرمود:

مریم علیها السلام سرور زنان عالم خود بود و فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان است. (۱) همین سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است.

در این قسمت به مناسبت دو تعبیر دیگر که برای حضرتش علیها السلام در زیارات مورد استفاده قرار گرفته است ذکر می گردد:

مَرِيَمُ الْكُبْرَى: (۲) مریم بزرگتر

این تعبیر به شأن و منزلت حضرت مریم علیها السلام و طهارت و پاکی و برگزیدن او از سوی خداوند متعال در قرآن اشاره دارد و این که فاطمه زهرا علیها السلام تمامی این فضیلت ها را در حد بالاتری داراست. در روایت گذشته آمده بود که مریم با همه منزلتها، سرور زنان زمان خود بود اما فاطمه علیها السلام سرور زنان اولین و آخرین است.

شَقِيقَةُ الْبُتُولِ مَرِيَمَ: (۳) همتای مریم بتول

برای آماده کردن ذهن مخاطبان و آسان کردن فهم مطالب، در مورد مقام حضرت فاطمه علیها السلام، تشبیه هایی بین آن حضرت و حضرت مریم صورت گرفته است. در برخی فرازها حضرت زهرا علیها السلام با عنوان نظیر و مانند مریم علیها السلام مورد خطاب قرار گرفته اند. در زبان عرب شقیق به برادر، و شقیقه به خواهری که از یک پدر و مادر باشند گفته می شود.

ص: ۵۸

۱- (۱). معانی الاخبار، ص ۱۰۷، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰. «أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فِي فَاطِمَةَ: «إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» أَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟ فَقَالَ: ذَاكَ لِمَرِيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَفَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۷. «الشقیق: الاخ من الرحم، كأنه شق نسبه من نسب اخیه... و کل ما انشق بنصفین فکل منهما شقیق الآخر... و الشقیقه: الاخت». (اقرّب الموارد، ج ۱، ص ۶۰۳).

به مانند و نظیر نیز شقیق گفته می شود و چه بسا در موردی که شباهت بسیار زیاد است به کار رود، زیرا فرزندان که از یک پدر و مادر هستند در شکل و شمایل و صفات و خلیات به یکدیگر بسیار نزدیکند.

خداوند در آیاتی از قرآن کریم حضرت مریم (۱) را ستوده است مانند این آیه:

و [خداوند برای کسانی که ایمان آوردند] مریم دختر عمران را مثال زد که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. ۲ مشاهده می شود پاکدامنی و تصدیق سخنان پروردگار، فرمانبرداری از خداوند و استفاده مریم علیها السلام از روزی بهشتی که پس از این خواهد آمد، همه از امتیازات مریم علیها السلام است. مشابه همین تعبیرها از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام درباره فاطمه علیها السلام ذکر شده است و افزون بر آن فاطمه زهرا علیها السلام بر مریم علیها السلام برتری داده شده است مانند این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

فاطمه علیها السلام پاکدامن بود خداوند نیز فرزندان او را بی آتش حرام نمود. ۳ آیاتی نیز از سوره آل عمران گذشت که در آنها مریم علیها السلام برترین زنان معرفی گردیده بود. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» ۴.

ص: ۵۹

۱- (۱). مریم دختر عمران بن ماثان است و عمران در اینجا غیر از عمران فرزند اشهم که منسوب به اسحاق فرزند ابراهیم خلیل علیه السلام است می باشد.

درباره فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

[مریم سرور زنان عالم خود بود] و اما دخترم فاطمه او سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین است و همانا او در محراب خود به نماز می ایستد، هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام داده و با همان [کلماتی که] مریم را مورد خطاب قرار می دادند او را صدا زده و می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان عالمیان برتری داد. (۱) در آیه دیگری در مدح مریم علیها السلام آمده است:

هر بار که زکریا در محراب بر مریم وارد می شد نزد او خوراکی می یافت.

می گفت: ای مریم! این از کجا برای تو [رسیده] است و مریم می گفت: از جانب خداست. خداوند به هر کس بخواهد بی شمار روزی می دهد. ۲ امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام عهده دار کارهای خانه و خمیر کردن و پختن نان و جارو کردن خانه شده بود و علی علیه السلام کارهای بیرون - تهیه هیزم و آوردن غذا - را عهده دار بود. روزی پرسید: غذایی هست؟ فاطمه علیها السلام گفت: قسم به آنکس که حق تو را بزرگ داشته است، سه روز است که چیزی برای پذیرایی نیست.

علی علیه السلام فرمود: چرا به من نگفتی؟ پاسخ داد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا از اینکه

ص: ۶۰

۱- (۱). امالی صدوق، ص ۳۹۴، ح ۱۸، مجلس ۷۳؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۸۵، ح ۵۲؛ ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰. « وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَّاتِ وَالْآخِرِينَ وَإِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلَّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَيَنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمُ؛ فَيَقُولُونَ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ».

چیزی از تو بخواهم بازداشت و فرمود: از پسر عمویت چیزی نخواه، اگر چیزی آورد که آورد و اگر نه از او درخواست نکن.

علی علیه السلام خارج شد، مردی را دید و دیناری از او قرض کرد، به سوی خانه آمد، عصر شده بود، مقداد بن اسود را دید و از او پرسید برای چه این وقت روز بیرون آمده ای؟ گفت: ای امیر مؤمنان! قسم به آنکس که حق تو را بزرگ داشته است به سبب گرسنگی.

در اینجا راوی از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا این ماجرا در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد؟ امام علیه السلام فرمود: بلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود. علی علیه السلام به مقداد فرمود:

من نیز به همین سبب بیرون آمدم و دیناری قرض کردم، اما تو را بر خود مقدم می دارم. دینار را به مقداد داد و به سوی خانه آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و فاطمه علیها السلام نماز می گزارد و میان آن دو طبقی که رویش پوشانده شده بود قرار داشت وقتی فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شد آن را پیش آورد: طبقی از نان و گوشت بود. علی علیه السلام پرسید فاطمه! این از کجا برای تو رسیده است؟ او گفت: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ این از سوی خداوند است و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: آیا بگویم مثل تو و فاطمه چیست؟ مثل تو مثل زکریاست هنگامی که در محراب بر مریم وارد شد، نزد او غذایی یافت. به او گفت: ای مریم! این از کجا برای تو رسیده است؟ گفت: از سوی خداوند، خدا به هر کس بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (۱)

ص: ۶۱

۱- (۱). تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷، ح ۳۰، و ص ۳۱، ح ۳۸، و ص ۶۸، ۶۹، و ص ۷۳ و ۷۴، ذیل ح ۶۱. علامه مجلسی از زمخشری در کشف ماجرا را شبیه به همین نقل می کند و در آخر می آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حمد مخصوص خدایی است که تو را شبیه سرور زنان بنی اسرائیل قرار داد... (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹).

این ماجرا با نقلهای گوناگون در کتب روایی ذکر شده است که بسا اختلاف در کیفیت ماجرا به سبب تکرار شدن آن باشد.

در کتاب مناقب، میان فاطمه زهرا علیها السلام و مریم مقایسه ای انجام داده، و برتری فاطمه علیها السلام را نتیجه گرفته است که به بخشی از آن اشاره می شود:

مریم دختر عمران بود و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شرافت مردم به پدران آنهاست [قرآن می فرماید]: «و کَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (۱)، زکریا عهده دار تربیت مریم شد. در حالیکه کفالت زهرا علیها السلام را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عهده دار شد، و سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر هر سرپرستی برتری دارد.

مریم، عیسی علیهما السلام را در ایام جاهلیت به دنیا آورد و فاطمه علیها السلام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را بر فطرت اسلام به دنیا آورد. به مریم گفته شد اندوهگین مباش، در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه خداوند به خوشنودی تو خوشنود می شود.

فرشتگان به مریم گفتند: بدرستی که خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهان برتری داد. در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین است و همانا او در محراب خود به عبادت می ایستد و هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام داده و فرشتگان که مریم را مخاطب قرار دادند فاطمه علیها السلام را صدا زده و می گویند ای فاطمه، بدرستی خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان عالمیان برتری داد.

و هرگاه زکریا بر مریم در محراب وارد می شد نزد مریم غذا مشاهده می کرد و از آیه استفاده می شود که این غذا به سبب زیادی شکرگزاری مریم بوده است در این باره فاطمه علیها السلام مناقبی دارد که کسی نمی تواند آن را انکار

ص: ۶۲

نماید مانند احادیث مقداد، بریده، و حدیث انار و انگور و سیب و گلابی و غیر آن و تردیدی نیست که فاطمه علیها السلام خوراکیهایی میل می کرد که برای دیگران نبوده است.

روزیِ مریم از بهشت بود در حالی که آفرینش فاطمه علیها السلام از روزی بهشتی بود.

خداوند مریم علیها السلام را در قرآن به بیست تعریف ستوده است و در اخبار صحیح برای فاطمه علیها السلام بیست اسم است که هر کدام بر فضیلتی از حضرتش علیها السلام دلالت دارد و صدوق رحمه الله در کتاب «مولد فاطمه علیها السلام» آورده است. (۱) تعابیر دیگری دربارهٔ سیادت و سروری فاطمه علیها السلام در زیارات آمده است مانند:

سَيِّدَةُ النِّسَاءِ: (۲) سرور زنان

السَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ: (۳) زهرای سرور

السَّيِّدَةُ الْكُبْرَى: (۴) سرور بزرگتر

سیده نساء أهل الجنة: (۵) سرور زنان بهشتی

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشتی است سؤال شد: آیا او سرور زنان زمان خویش است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آن مریم علیها السلام بود و فاطمه سرور زنان بهشتی از پیشینیان و پسینیان است. (۶) زَيْنُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: (۷) زینت زنان جهانیان

ص: ۶۳

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۸ - ۵۰.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷، ۲۹۲؛ ج ۲، ص ۲۱۲، ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۵۰۸؛ ج ۴، ص ۳۶، ۱۴۴، ۱۷۵؛ ج ۵، ص ۶۵، ۱۶۸، ۱۷۶.

۳- (۳). همان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۴- (۴). همان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۵- (۵). همان، ج ۴، ص ۱۲۵.

۶- (۶). مناقب آل ابی طالب، ص ۳۲۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۷، و ص ۴۴، ح ۴۴. «هی سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا؟ قَالَ ذَاكَ مَرْيَمُ وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».

۷- (۷). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

تعبیر دیگری که در زیارات برای فاطمه علیها السلام استفاده شده است تعبیر فوق می باشد.

فاطمه علیها السلام بهترین زن و پاک ترین آنان و سرور زنان دو عالم است صفاتی که تمامی زنان جهان بدان افتخار می نمایند. شخصیت آن حضرت نه تنها زینت برای زنان بلکه زینتی برای عالم وجود است در تعبیر دیگری که خواهد آمد برتری آن حضرت بر تمامی انسانها مورد اشاره قرار گرفته است.

خَيْرُ نِسَاءِ الْأُمَّةِ: (۱) بهترین زنان امت

فاطمه زهرا علیها السلام سرور تمامی زنان است و این به سبب نیکوکاری و برتری ایشان در میان زنان است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیه «انَّ الله اصطفاك و طهرک...» را خواند سپس فرمود:

ای علی! بهترین زنان جهانیان چهار نفرند: مریم دختر عمران، و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم (۲). تعبیر سیده نساء العالمین، به برتری فاطمه علیها السلام بر این بزرگواران نیز اشاره می نماید.

المفضلة علی نساء العالمین: (۳) برتری داده شده بر زنان جهانیان

حضرت زهرا علیها السلام به سبب ویژگیهایی مانند شناخت خداوند، اطاعت و خلوص و...

که به برخی اشاره شد کامل ترین و در میان زنان بهترین آنها بود، و خداوند او را بر تمامی زنان عالم برتری داد.

ص: ۶۴

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲- (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۶. «إِنَّ عَلَى خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَخَلِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَأَسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ.»

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۰۲.

امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام بهترین اهل زمین پس از من و پدرشان هستند و مادر آنان دو برترین زنان زمین است. (۱) الْمَفْضَلَةُ عَلَى كَافِهِ النَّاسِ: (۲) برتری داده شده بر تمامی مردم

این تعبیر بیانگر فضیلت و برتری فاطمه زهرا و کمال آن حضرت است. و به قرار گرفتن آن حضرت در رتبه معصومین علیهم السلام اشاره دارد. پس مقام و منزلت آن حضرت نه تنها ایشان را بهترین زنان در عالم، و زینت زنان و سرور آنان قرار داده است، بلکه بر تمامی مردم برتری داده است.

در پایان حدیثی که امام صادق علیه السلام، اسماء فاطمه علیها السلام را بیان می نماید به این مطلب اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام نزد خداوند متعال دارای نه اسم است: فاطمه و صدیقه و مبارکه و طاهره و زکیه و راضیه و مرضیه و محدثه و زهرا. سپس به شنونده فرمود:

می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفت: سرورم مرا آگاه کن. فرمود: او از بدی بازداشته شده است، سپس فرمود: اگر امیر مؤمنان علیه السلام با او ازدواج نمی کرد بر روی زمین برای او کفوی از آدم و پایین تر از او نبود. (۳)

ص: ۶۵

۱- (۱). عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹، ح ۵. «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ، وَأُمُّهُمَا أَفْضَلُ نِسَاءِ الْأَرْضِ».

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳- (۳). الخصال، ص ۴۱۴، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰، ح ۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَاطِمَةُ وَالصَّديقَةُ وَالْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالزَّكِيَّةُ وَالرَّاضِيَّةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْرَاءُ ثُمَّ قَالَ: أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ؟ قُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا سَيِّدِي، قَالَ: فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: لَوْلَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ».

مولی به معنای ربّ و مالک و سرپرست و دوستدار و... به کار می رود و اینجا به معنای مالک و صاحب نعمت و سرور می باشد.

او نه تنها سرور زنان جهانیان است که سرور تمامی انسان ها است و نه تنها بر تمامی زنان که بر تمامی انسان ها برتری داده شده است و زائر آن حضرت، با این خطاب ها بیان می کند که غلام یا کنیز حضرت است و او ارباب، و تمامی عالم وجود ریزه خوار سفره تفضلات او و فرزندان و شوهر و پدر بزرگوارش علیهم السلام هستند.

مقام بلند فاطمه علیها السلام در بر تو القابی دیگر

اشاره

السَّعِيدَةُ: (۲) خوشبخت

سعیده مؤنث سعید است و ماده سعد برای حالتی که اقتضای خیر و صلاح و فضل دارد به کار می رود، واژه مقابل آن، شقاء یعنی حالت «عسرت» و «مانع از خیر و صلاح» و «سیر کمالی بودن» می باشد.

در قرآن کریم خداوند انسانها را به دو گروه سعید و شقی تقسیم می نماید:

«يَوْمَ يَأْتِ لَاتَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ» (۳)؛

روزی آید که هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید پس برخی از مردم شقی و برخی سعید هستند.

سعادت و شقاوت هم ذاتی است و هم اکتسابی. سعادت ذاتی در اثر عواملی پیش

ص: ۶۶

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۶. «المولی: الرّب، والمالک والصاحب... والمنعم والمنعم علیه». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۱۰۷۰).

۲- (۲). همان، ج ۵، ص ۱۰۲. «سعداً وسعداً، نقيض شَقِيٌّ ويقال سعد يومك: يَمُنُّ». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۴۳۲).

۳- (۳). هود: ۱۰۵.

از به وجود آمدن یک نفر، یعنی از سوی پدران و اسباب دیگر به وجود می آید. قانون توارث، شرایط زمان و مکان و اعمال و اخلاق پدران و مادران و غذای آنان و غذای خود طفل از این سبب ها می باشند.

سعادت اکتسابی نیز در اثر تأثیر محیط، تربیت و تعلیم و اعمال صالح و انجام عبادتها و ریاضات بدست می آید.

لازم است انسان مراقب زندگی و حالات مادی و معنوی خود و عائله و فرزندان بوده و توجه داشته باشد که این مهم از مسئولیت های حیاتی هر فرد محسوب می شود.

حضرت زهرا علیها السلام در ذات، سعید است، و درباره سعادت ذاتی فاطمه علیها السلام پیش از این روایاتی درباره قبل از تولد، نحوه تولد و سخن گفتن آن حضرت علیها السلام هنگام تولد بیان شد. و در باره سعادت مندی اکتسابی؛ آن حضرت نیز می توان به تربیت یافتن ایشان در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مصاحبت با شویی مانند امیر مؤمنان علیه السلام، و عبادت و ریاضات آن حضرت اشاره کرد، عبادت فاطمه علیها السلام به گونه ای بود که خداوند بر فرشتگان مباحث می کرد.

الْحَمِيدَه: (۱) ستوده

□
حمید به معنای ستوده و درخو^ط ستایش، یکی از اسماء خداوند است و در آیاتی ذکر شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (۲) «إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ» (۴).

حمد، ستایش کردن و ثنا گفتن؛ در مقابل عظمت و صفات و یا اعمال برجسته یک شخص می باشد. حمید کسی است که ستایش مطلق برای او ثابت است و خداوند حمید است، زیرا هر گونه نعمتهای مادی و معنوی و هم چنین تربیت همه افراد از اوست. (۵)

ص: ۶۷

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۰۲.

۲- (۲). بقره: ۲۶۷.

۳- (۳). هود: ۷۳.

۴- (۴). ابراهیم: ۸.

۵- (۵). تفسیر روشن، ج ۱۱، ص ۲۵۵.

حضرت زهرا علیها السلام مورد ستایش و ثنا از سوی همه اهل آسمان و زمین است، زیرا دارای عظمت است و صفات و اعمالی را داراست که در مرتبه فوق بشری است.

از روایاتی که درباره ارجمندی حضرت فاطمه علیها السلام نزد خداوند، در صفحات گذشته ذکر شد این سخن بیشتر روشن می شود.

البَّره: (۱) نیکوکار

بَرّ از نامهای خداوند متعال است و به معنای «راستگو» می باشد، و بَرّه زنی را گویند که به خانواده و اطرافیان نیکی نموده و با آنان خوش رفتار باشد. در قرآن نیز از ابرار یاد شده است «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (۲). در تفسیر این آیه امام باقر علیه السلام فرمود: ابرار همانا ما هستیم و فجار دشمنان ما. (۳) امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

هرچه خداوند عزّ و جل در قرآن فرمود: «إِنَّ الْأَبْرَارَ» به خدا قسم، منظور جز علی بن ابیطالب و فاطمه و من و حسین علیهم السلام نیست، زیرا ما نسبت به پدران و مادران خویش نیکوکار و دل های ما عامل به اطاعت الهی و نیکی است و از دنیا و حب آن بیزار است و ما تمامی واجبات الهی را ما فرمانبرداریم و به یگانگی خدا ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق نمودیم. (۴)

ص: ۶۸

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۵، ص ۱۰۲. «بَرّ فی یمینه: صدق، والیمین: صدقت بَرّه: اسم عَلَمٌ بمعنی البرّ لا یُصَرَّفُ لِاجْتِمَاعِ التَّعْرِيفِ وَ التَّأْنِيثِ فِيهِ وَ امْرَأَهُ بَرّه إِذَا كَانَتْ بَارَهُ بِأَهْلِهَا حَسَنَهُ الْعَشْرَةَ لَهُمْ». (اقرّب الموارد، ج ۱، ص ۳۷؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۰۶).

۲- (۲). الانفطار: ۱۳ و ۱۴. «به یقین نیکان در نعمتی فراوان و بدکاران در دوزخند».

۳- (۳). کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۷۲. «الابرار نحن هم والفجار هم عدوتنا».

۴- (۴). مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲؛ کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۱۷۲. «کل ما قال فی کتاب الله عزّ وجلّ من قوله «إِنَّ الْأَبْرَارَ» فَوَ اللَّهُ مَا أَرَادَ بِهِ الْعَالِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَهَ وَأَنَا وَالْحَسَيْنَ لِأَنَّا نَحْنُ أَبْرَارٌ بِأَبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَقُلُوبِنَا عَمَلَتْ (علت خ ل) بِالطَّاعَاتِ وَالْبِرِّ وَ تَبَرَّاتٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ حُبُّهَا وَ أَطَعْنَا اللَّهَ فِي جَمِيعِ فَرَائِضِهِ وَ آمَنَّا بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ صَدَّقْنَا بِرَسُولِهِ».

این لقب نمایان گر مرتبه بلند رضایت حضرت زهرا علیها السلام است. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به شخصی از بنی سعد فرمود:

درباره خودم و فاطمه برای تو بگویم؟ او نزد من بود و از محبوب ترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ، با مشک آب می کشید به گونه ای که جای آن در سینه اش می ماند و آسیا می کرد به گونه ای که دو دست او پینه می بست و خانه را جارو می کرد و لباسهایش غبار آلود می شد و آتش زیر دیگ روشن می کرد لباسهایش کثیف می شد و از این بابت زیان زیادی به او رسید. به او گفتم: کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می خواستی تا این کارها به تو زیان نرساند.

فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت، عده ای با حضرت صلی الله علیه و آله سخن می گفتند، خجالت کشید و بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست او برای کاری آمده بود صبحگاهان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما آمد... علی علیه السلام فرمود: من علت آمدن فاطمه علیها السلام را برای حضرتش باز گفتم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا چیزی بهتر از خدمتکار به شما یاد ندهم؟

هنگام خواب سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» و سی و چهار بار «الله اکبر»، بگویند. فاطمه زهرا علیها السلام سه بار فرمود: از خدا و پیامبرش راضی شدم. (۲) امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را دید که عبایی از پشم شتر بر خود داشت و با

ص: ۶۹

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۵ «الرضی: المرضی والمطیع والمحب». (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۳۵۲).

۲- (۲). علل الشرایع، ص ۳۶۶، باب ۸۸؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۲، ح ۵. «رَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» ثَلَاثَ دَفْعَاتٍ.

دست آسیا می کرد و فرزندش را نیز شیر می داد؛ پیامبر گریان شد و فرمود:

[چیزی نیست] دخترم! در برابر شیرینی آخرت به تلخی دنیا پیش دستی کن.

فاطمه علیها السلام گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم! سپاس مخصوص خداست و ستایش در برابر نعمت های ویژه اوست. آیه «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» در این هنگام نازل شد. (۱) مرحوم انصاری در شرح خطبه فاطمه علیها السلام گوید:

حضرت فاطمه رضیه (۲) نامیده شد چون:

أ - حضرتش علیها السلام، آن هنگام که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و خدمتکاری تقاضا نمود و گفت: بر سختی کارهای خانه طاقت ندارم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح فاطمه علیها السلام را به او آموخت و ثوابش را به او بشارت داد، فاطمه علیها السلام از خدا و پیامبرش راضی شد و سه بار فرمود: از خدا و رسولش راضی شدم. پس از بازگشت از محضر پدر گفت: از پدرم خیر دنیا را خواستم او به من خیر آخرت را عطا کرد.

ب - برای قرب و منزلت و پاکی طینت و مراتب عالی دیگر که خداوند در دنیا و برزخ و آخرت به او عطا کرد فاطمه علیها السلام از خداوند متعال خرسند شد.

ج - به این خاطر که خداوند متعال شفاعت کبری را به دست او قرار داد. (۳) الْمَرْضِيَّةُ: (۴) پسندیده

این وصف در قرآن نیز پس از راضیه ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي

ص: ۷۰

۱- (۱). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۲؛ کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۲- (۲). رضیه به معنای راضیه است.

۳- (۳). اللمعه البیضاء، ص ۲۰۵.

۴- (۴). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶.

إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (۱)؛ ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنود و هم او از تو خشنود است.

برای نفس پنج مرتبه ذکر کرده اند: نفس اماره، نفس لوّامه، نفس مطمئنه، راضیه و مرضیه.

مرضیه در قرآن کریم و در روایات در ضمن اوصاف نفس مطمئنه آمده و پس از راضیه ذکر می شود، اما مرضیه شریف تر و قوی تر است. راضیه آن نفسی است که همه مقدرات و احکامی که از سوی خداوند به او می رسد را قبول دارد، اما مرضیه کسی است که خداوند از او خشنود شده و مرضی حضرت حق گردیده است. (۲) مرحوم انصاری برای نامیده شدن حضرت زهرا علیها السلام به مرضیه سه وجه ذکر می نماید:

الف) به این علت فاطمه علیها السلام مرضیه نامیده شد که خداوند متعال در آخرت کراماتی فاخر به او عطا فرماید تا راضی گردد همانگونه که به پدرش فرمود؛ «ولسوف يعطيك ربك فترضى» (۳)؛ و به زودی پروردگارت [آن قدر] به تو عطا کند که تو خشنود شوی.

ب) چون خدای متعال و پیامبرش و شویش علیهما السلام از او راضی هستند.

ج) چون تمامی موجودات از او راضی اند چرا که از فیوضات وی بهره می برند. (۴) الفاضله: (۵) دارای اوصاف پسندیده

فضل به معنای زیاده باقی مانده از نیاز است. در آیات بسیاری سخن از فضل الهی

ص: ۷۱

۱- (۱). فجر: ۲۷ و ۲۸.

۲- (۲). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳- (۳). الضحی: ۵.

۴- (۴). اللّمعه البیضاء، ص ۲۰۵.

۵- (۵). موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵.

به میان آمده و خداوند خود را ذو الفضل یعنی دارای فضل معرفی نموده است «إِنَّ اللَّهَ لَعَدُوُّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ» (۱)، «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (۲) و در آیات دیگر تصریح می نماید که اگر فضل الهی نبود هیچ کدام از شما پاک نمی شدید. (۳) فاضل به شخصی گویند که دارای فضیلت بوده و زیادت از انسانهای معمولی به اوصاف پسندیده و نیکو آراسته است.

امیر مؤمنان علیه السلام در وصف پرهیزگاران می فرماید:

پرهیزگاران در این جهان همان صاحبان فضایل اند، گفتارشان راست پوششان میانه و سیرتشان در زندگی تواضع و فروتنی است. (۴) ریشه های فضایل را حکمت، عفت، شجاعت و عقل بر شمرده اند. (۵) فضیلت های فاطمه علیها السلام هم ذاتی و هم خارجی است: فضیلت های خارجی مانند اصالت خانوادگی و شرافت نسب است. او دختر خاتم پیامبران، سلطان عالم و افتخار بنی آدم است و مادرش خدیجه طاهره و همسرش امیر مؤمنان علیه السلام قطب عالم امکان و فرزندان او ائمه معصومین علیهم السلام اند. کیفیت انعقاد نطفه آن حضرت علیه السلام و ولادت و.. از نوع فضائل ذاتی است. بزرگ ترین فضیلت های ذاتی آن حضرت علیها السلام عفت، عصمت، معارف حقه و حقائق نظریه است که در او به حد کمال رسیده است. (۶)

ص: ۷۲

۱- (۱). بقره: ۲۴۳.

۲- (۲). آل عمران: ۷۴.

۳- (۳). نور: ۲۱.

۴- (۴). نهج البلاغه، ص ۴۰۲، خطبه ۱۹۳. «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ، مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ وَمَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ».

۵- (۵). المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۷۰۰.

۶- (۶). «فَحَسْرَ عَنْ إِدْرَاكِهَا إِنْسَانٌ كُلٌّ عَارِفٍ وَقَصَّ عَنْ وَصْفِهَا وَإِحْصَائِهَا لِسَانٌ كُلُّ مُحْصٍ وَوَاصِفٍ وَالْكَلُّ بِضُرُوبِ فَضَائِلِهَا مُعْتَرِفُونَ وَعَالِيٌّ بِأَبِ كَعْبِهِ فَوَاضِيَةٌ لَهَا مُعْتَكِفُونَ وَخَصَّهَا اللَّهُ مِنْ وَطَائِفِ فَضْلِهِ وَشَرَائِفِ نَبَلِهِ بِأَكْمَلِ مَا أَعَدَّ لِغَيْرِهَا مِنْ ذَوَى النُّفُوسِ الْقُدْسِيَّةِ وَالْأَعْرَاقِ الزَّكِيَّةِ وَالْأَخْلَاقِ الرَّضِيَّةِ وَالْحِكْمِ الْإِلَهِيِّ وَسَيَطَعَ صَبْحُ النَّبُوَّةِ بِطَلْعَتِهَا الْحَمِيدَةِ وَعُرَّتِهَا الرَّشِيدَةِ...» (الخصائص الفاطمية، ج ۱، ص ۱۲۱).

[ام الفضائل] : (۱) مادر فضیلت ها

او نه تنها فاضله یعنی دارای فضیلت است بلکه ام الفضائل یعنی مادر فضیلت ها است و فضایل از او سرچشمه می گیرد. این کنیه در زیارات ذکر نشده است.

الرَّشِيدَة: (۲) به حد رشد رسیده

رشید از اسماء حسناى الهی است. رشیده مونث رشید و به معنای هدایت کننده به راه درست است. به کسی که به سنّ بلوغ و رشد رسیده است و کسی که در تنظیم امور آگاه است نیز گفته می شود.

فاطمه زهرا علیها السلام به تمامی معانی ذکر شده رشیده بود، او تمامی سیر تکامل را پیش از پا گذاردن به این دنیا طی نموده بود. او در بطن مادر با او سخن می گوید، و با او انس می گیرد. و هم او رشیده بمعنای هدایت کننده به راه درست است، او و فرزندان او هادیان جامعه انسانی به راه صواب، و نگاه دارنده از راه شقاوت اند.

الْحُرَّة: (۳) آزاد

حرّ به معنای آزاد و در مقابل کنیز است. همچنین به معنای شخص بزرگوار و به معنای خالص نیز به کار می رود. حریر به معنای ابریشم خالص است.

فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان آزاد و بزرگوار است. ممکن است به کار بردن حرّ برای آن حضرت به سبب خلوص، حضرتش علیها السلام نیز باشد.

این تعبیر هنگامی که فاطمه علیها السلام در بستر بیماری بود و آن دو نفر برای عیادت

ص: ۷۳

۱- (۱). عوالم، ج ۱/۱۱ ص ۹۵.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸. «رشد: اهتدی - فهو راشد و رشید، الرشید: أحد أسماء الله الحسنى، و حسنُ التقدير، والمرشد، ومن بلغ سنّ الرشد». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۳۴۷).

۳- (۳). همان، ج ۳، ص ۱۲. «الحره: ضد الأمه و الکریمه... و السحابه الكثيره المطر... الحرّیه: الخلوص و الخصله المنسوبه إلى الحرّ». (اقرب الموارد، ج ۱، ص ۱۷۹).

اجازه خواستند توسط امیر مؤمنان علیه السلام برای فاطمه علیها السلام بکار رفته است. علی علیه السلام فرمود:

ای حرّه! فلانی و فلانی آستانه در ایستاده و می خواهند بر تو سلام کنند نظر شما چیست؟ فرمود: خانه، خانه، تو و زن آزاد همسر توست هر طور می خواهی عمل کن. (۱) در کتاب الخصائص الفاطمیه می آورد: حرّه زنی است که عبادت او خالص است. (۲) درباره به کار بردن واژه حرّه از سوی امیر مؤمنان در روایت بالا دو وجه ذکر می کند:

الف) گویا علی علیه السلام می فرماید: ای فاطمه علیها السلام من تو را الزام به اذن برای آنان نمی کنم تو حرّه و مختار و مطاعی... .

ب) بنابر اینکه معنای حرّه کریمه باشد، استفاده از این تعبیر به این معناست که چون هنگام جلب محبت و کرم افراد بزرگوار و بخشنده و رسیدن به مطلب مورد نظر رسم است که پیش از خواستن چیزی از آنان، مدح و ستایش آنها گفته شود؛ علی علیه السلام این گونه فاطمه علیها السلام را مورد خطاب قرار دادند تا برای آن دو اجازه بگیرند... (۳) اَمَّتِكْ: (۴) کنیز تو (خدا)

حضرت فاطمه علیها السلام با این وصف نیز در زیارت مورد خطاب قرار گرفته است. باید توجه داشت که این مقامی است که در حقیقت بالاترین مرحله کمالات انسانی است.

خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - عصاره وجود - را عبد و بنده خود می خواند: «منزه است کسی که بنده خویش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داد». ۵ امیر مؤمنان علیه السلام نیز افتخار خود را در داشتن مقام عبودیت می داند:

ص: ۷۴

۱- (۱) . کتاب سلیم بن قیس ، ج ۲ ، ص ۸۶۹ . « فَقَالَ لَهَا: أَيُّهَا الْحُرَّةُ فَلَانٌ وَ فُلَانٌ بِالْبَابِ يُرِيدَانِ أَنْ يُسَيِّرَا عَلَيْكَ فَمَا تَرَيْنِ؟ قَالَتْ: الْبَيْتُ يَتُّتِكَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجُتُكَ فَافْعَلْ مَا تَشَاءُ .»

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱ ، ص ۱۹۰ .

۳- (۳) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱ ، ص ۱۹۲ .

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱ ، ص ۲۸۴ .

پروردگارا همین افتخار برای من بس که بنده تو باشم. (۱) در روایات آمده است که خطبه ازدواج حضرت زهرا علیها السلام توسط فرشته ای بنام راحیل در بیت المعمور میان عده ای از آسمانیان خوانده شد و آن فرشته امیر مؤمنان علی علیه السلام را عبد خدا و فاطمه زهرا علیها السلام را آمه خداوند خواند:

خداوند مالکِ چیره، برگزیده کرامت و بنده بزرگی اش را برای کنیز خود سرور زنان و دختر بهترین پیامبران برگزید. (۲) و در جای دیگر نیز آمده است که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و گفت:

... خداوند به من وحی نمود عقد ازدواج را که به این صورت بود بخوانم: کنیز خود فاطمه دختر حبیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به ازدواج عبد خود علی بن ابیطالب علیه السلام در آوردم، من نیز عقد نکاح را جاری کردم... (۳) هم چنین خداوند وقتی در برابر فرشتگان به عبادت فاطمه زهرا علیها السلام مباحث می کند از آن حضرت با این واژه یاد می کند:

ای فرشتگانم به کنیزم فاطمه سرور کنیزان من بنگرید که [چگونه] در برابر من ایستاده و از ترس شانه هایش می لرزد. (۴) از توضیحات پیش گفته معلوم شد که تعبیر حُرّه به معنای زن آزاد و آمه الله یعنی کنیز خدا درباره حضرتش هیچ گونه منافاتی ندارد.

ص: ۷۵

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۳۴۰، ح ۱۴، باب ۶۸. «كُنِيَ لِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا».

۲- (۲). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۸؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۰. «إِخْتَارَ الْمَلِكُ الْجَبَّارَ صِفْوَةَ كَرَمِهِ وَعَبْدَ عَظَمَتِهِ لِأُمَّتِهِ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ بِنْتِ خَيْرِ النَّبِيِّينَ ...».

۳- (۳). كشف الغمه، ج ۱، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۸.

۴- (۴). امالی صدوق، ص ۱۰۰، مجلس ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲. «يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَي تَزَعِدُ فَرَايُصُهَا مِنْ خِيفَتِي ...».

مبارک که یعنی دارای برکت. در قرآن لفظ برکت و مبارک و مبارک که در موارد متعدد بکار رفته است قرآن کتاب مبارک (۲) خوانده شده است هم چنین بیت الله (۳)، حضرت عیسی علیه السلام (۴) و شب قدر (۵) با صفت مبارک ذکر شده اند.

مبارک خیری است که همراه زیادتى باشد و به معنای زیاده نیز می باشد. قرآن مبارک خوانده شده است چون تلاوت و عمل به آن خیر است و در آن دانش اولین و آخرین قرار دارد. (۶) فاطمه زهرا علیها السلام موجودی خجسته، فرخنده، میمون و با برکت برای همه است، از برکتهای بی شمارش اینکه او مادر امامان معصوم علیهم السلام که هدایت عالم بشریت را تا قیامت بعهدہ دارند می باشد.

عبد الله بن سلیمان گوید:

در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در انجیل خواندم که او همسران بسیار اما فرزندانى کم دارد، و نسل او فقط از مبارک [فاطمه زهرا علیها السلام] است که برای او خانه ای در بهشت است... (۷) هنگام تولد فاطمه علیها السلام زنان بهشتی حاضر، به خدیجه گفتند:

او را که پاک و پاکیزه و میمون و با جلال است و نسلش مبارک است دریافت کن. (۸)

ص: ۷۶

- ۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲. «البرکة: النماء و الزیاده و السعاده». (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۵۱).
- ۲- (۲). انعام: ۹۲، ۱۵۵؛ انبیاء: ۵۰.
- ۳- (۳). آل عمران: ۹۶.
- ۴- (۴). مریم: ۳۱.
- ۵- (۵). دخان: ۳.
- ۶- (۶). مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۲۱.
- ۷- (۷). امالی صدوق، ص ۲۲۴، ح ۸، مجلس ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲، ح ۱۴. «وَإِنَّمَا نَسَلُهُ مِنْ مُبَارَكٍ لَهَا يَتَّ فِي الْجَنَّةِ لَا صَخْبٌ فِيهِ وَلَا نَصَبٌ...».
- ۸- (۸). امالی صدوق، ص ۴۷۶، دنباله ح ۱، مجلس ۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳، ح ۱. «خُلِّقَتْهَا طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا».

فاطمه علیها السلام با عمر کوتاه خویش برکات بسیار داشت، بلکه باید گفت او مادر برکت‌ها و ریشه تمام نیکی‌ها است، او مادر امامانی است که از نور وجود آنان عالم روشن و گردونه وجود در گردش است. به چند نمونه از برکت‌های مشهود آن حضرت علیها السلام اشاره می‌شود:

مسلمان شدن اهل کتاب به برکت فاطمه زهرا علیها السلام

امیر مؤمنان علیه السلام از شخصی یهودی مقداری جو قرض کرد. او از حضرت چیزی را به عنوان گرو خواست، امیر مؤمنان علیه السلام چادر فاطمه علیها السلام را گرو داد، یهودی آنرا به خانه برد و در اتاقی گذارد، شب وقتی همسر مرد یهودی برای کاری به اتاقی که چادر در آن قرار داشت داخل شد، نوری درخشنده دید که تمام اتاق را روشن کرده بود، به سوی همسرش رفت و ماجرا را گفت، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السلام در اتاق است شتابان برخاست و داخل شد، شعاع نور چادر که گویا از ماه شب چهارده منتشر می‌شود را دید در شگفت شد بیشتر دقت کرد، فهمید نور از چادر فاطمه علیها السلام است، یهودی دوان دوان بسوی نزدیکانش رفت. همسر او نیز بسوی نزدیکان خود رفت، هشتاد نفر از یهود این منظره را مشاهده کرده و همگی اسلام آوردند. (۱) حادثه ای دیگر: برخی از یهود به سبب ساده زیستی فاطمه زهرا علیها السلام، قصد کوچک نمودن آن حضرت را داشتند. با اصرار از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کردند تا از دخترش فاطمه علیها السلام بخواهد در مجلس عروسی آنان شرکت کند و آنان هرآنچه زیور داشتند جمع کردند تا به رخ بکشند. قرار شد فاطمه علیها السلام در این مراسم شرکت کند. جبرئیل لباس و زیوری از بهشت آورد که مانند آن دیده نشده بود. فاطمه علیها السلام آن زیور و لباسها را پوشید و عطرها را استفاده نمود. هنگامی که به آن مجلس وارد شد زنان یهود به سجده افتاده، زمین را در برابر او می‌بوسیدند. با این اتفاق بسیاری از یهود مسلمان شدند. (۲)

ص: ۷۷

۱- (۱). الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۶.

۲- (۲). الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۷.

در ماجرای دیگری نیز چهار هزار نفر از قبیله بنی سلیم به سبب هدیه فاطمه علیها السلام به شخصی اعرابی از اهالی این قبیله، مسلمان شدند. (۱) حوادث مشابه دیگری نیز در کتب روایی ذکر گردیده است.

از جلوه برکت آن حضرت علیها السلام، نسل مبارک اوست که واژه کوثر به آن اشاره دارد.

[الکوثر]: خیر زیاد

گرچه این تعبیر در زیارات حضرت علیها السلام به کار برده نشده است اما به مناسبت واژه مبارک به آن اشاره می شود.

خداوند در سوره کوثر می فرماید: «إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» (۲) ما به تو کوثر عطا کردیم.

کوثر بمعنای خیر کثیر است، در تفسیر این واژه اختلاف است. خیر کثیر، نهری در بهشت، حوض پیامبر در بهشت، یا در محشر و اولاد آن حضرت، معانی است که برای این لفظ گفته شده است. و برخی تا بیست و شش معنا بر شمرده اند که فقط در دو معنی اول به روایت استناد شده است.

علامه طباطبایی می فرماید: به قرینه آیه آخر منظور از کوثر، یا تنها کثرت ذریه است، و یا منظور خیر کثیر است و کثرت ذریه در ضمن خیر کثیر اراده شده است، و اگر این طور نباشد «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (۳) در آخر سوره خالی از فائده خواهد بود.

روایات فراوانی نزول سوره را درباره کسی می داند که پس از دنیا رفتن دو فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله قاسم و عبدالله با ابتر خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت عیب گرفت.

این جمله قرآن می رساند که فرزندان فاطمه علیها السلام ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و این نیز از پیش گویی های قرآن است. خداوند نسل پیامبر صلی الله علیه و آله را پس از بلاهای بسیار و کشتار زیادی که از آنان شد به اندازه ای زیاد کرده که هیچ نسلی به پای آنان نمی رسد. (۴)

ص: ۷۸

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۹، ح ۶۱.

۲- (۲). کوثر: ۱.

۳- (۳). کوثر: ۳.

۴- (۴). المیزان، ج ۲۰، ص ۵۲۱، ۵۲۲.

امروز، سلالة پاک زهرا عليها السلام از لحاظ کمیت در حدی هستند که برخی از نویسندگان و محققین، و بویژه متخصصان علم انساب معتقدند حدود ۴۰ میلیون نفر از نوادگان و ذریه آن حضرت علیها السلام در اطراف سوریه، هند، پاکستان، افغانستان، اردن، اروپا و امریکا وجود دارند که همگی به فرزندی زهرا علیها السلام افتخار می کنند.

برخی منابع و مآخذ آماری، تعداد سادات را در ایران سه میلیون، عراق یک میلیون، مصر پنج میلیون، مغرب اقصی پنج میلیون، یمن و هند و پاکستان حدود بیست میلیون نفر برشمرده اند.

تهیه کنندگان این آمار در محاسبات خود از کشور مسلمان ترکیه غفلت ورزیده اند.

بیش از نه میلیون نفر از علویون منتسب به آن خاندان نیز در این کشور زندگی می کنند، هرچند که از نظر فکری و تربیتی برخلاف خط آن بزرگوار طی طریق می نمایند.

هم چنین پاره ای از مناطق غیر اسلامی هم بدرستی آمارگیری نشده است. افزون بر این که این آمار از چندین سال قبل موجود می باشد. و گرنه آمار و ارقام مربوط به سادات جهان باز هم بسیار بیش از این خواهد بود. (۱) گذشته از کمیت فرزندان حضرت زهرا علیها السلام از نظر کیفیت و موقعیت نیز، فرزندان آن حضرت از هر لحاظ واجد اهمیت شایان، و نوعاً منشاء خیرات و برکات و مشعل داران هدایت و ارشاد در جهان اسلام بوده و هستند.

صد هزاران آفرین بر جان او

ص: ۷۹

۱- (۱). آمار، برگرفته از کتاب صدیقه طاهره بانوی بزرگ اسلام، ص ۷۲، به نقل از کتاب فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد.

ميمون به معنای دارای یمن است و یمن به معنای برکت می باشد، که سخن درباره آن تحت عنوان واژه مبارکه گذشت.

الکَرِيمَةُ المَحْمُودَةُ: (۲) بزرگوار ستوده

فاطمه زهرا عليها السلام نزد خداوند متعال دارای مقامی بزرگ است، و او ستوده حق تعالی است و مقام و مرتبتی را داراست که پدیدار شدن آن بر روی زمین امکان پذیر نیست. امّا برخی از اتفاقات نشانگر شأن و منزلت و بزرگواری او در دستگاه عظمت الهی است. به مناسبت این تعبیر به برخی روایات در این باره اشاره می شود:

ابوذر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا فرستاد تا علی علیه السلام را خبر کنم. به خانه او آمدم، و صدا زدم کسی جواب مرا نداد، دیدم آسیا می گشت کسی هم آن جا نبود. علی علیه السلام را صدا زدم همراه من بیرون آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علیه السلام چیزی فرمود، من نفهمیدم. گفتم:

شگفتا! آسیا در خانه علی علیه السلام می چرخید و کسی کنار آن نبود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه عليها السلام را مملوّ از ایمان و یقین نموده است و خداوند ناتوانی او را دانست و او را بر دوران زندگی اش یاری نمود و کفایت کرد. آیا نمی دانی خداوند فرشتگانی دارد که مأمور کمک به آل محمد عليهم السلام اند؟ (۳) درباره تعبیر الکریمه المحموده می توان به لباس ها و حله ها و زیور آلاتی بی مانند

ص: ۸۰

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲. «ميمون: ذو اليمين، اليمين: البركة». (المعجم الوسيط ، ج ۲، ص ۱۰۸۰).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۳- (۳) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۱، ح ۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۹، ح ۳۴. «إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَ يَقِينًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَهَا فَأَعَانَهَا عَلَى دَهْرِهَا وَ كَفَاهَا. أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.»

اشاره کرد که از بهشت برای فاطمه علیها السلام فرستاده شد و افراد یهودی که می خواستند برای لباس های ساده آن حضرت را تحقیر کنند مجبور به سجده در مقابل او شدند که پیشتر گذشت. (۱) هم چنین نقل شده است؛ هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام به شهادت رسید، خدمتکار آن حضرت - ام ایمن - سوگند خورد در مدینه نماند، به سوی مکه حرکت کرد و در راه عطش شدیدی به او رسید دستهایش را بالا برد و گفت: پروردگارا! من خدمتگزار فاطمه علیها السلام هستم آیا با عطش مرا از دنیا می بری؟ خداوند دلوی از آسمان فرو فرستاد. او نوشید و هفت سال هرگز به آب و غذا نیازی پیدا نکرد، از آن پس مردم او را در روزهای بسیار گرم برای کارهایی می فرستادند و عطش در او اثر نمی کرد. (۲) مورد دیگری که می توان به آن اشاره کرد؛ احترام بسیار و بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام می باشد که نشان از بزرگواری فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند متعال داشت امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمایند:

روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه بود که نمی خوابید تا پهنای صورت فاطمه علیها السلام را می بوسید و صورت خود را میان سینه فاطمه می گذاشت و برای او دعا می کرد. (۳) نیز درباره این تعبیر می توان به سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره قیامت و عریان محشور شدن خلایق در آن روز اشاره نمود که در این هنگام فاطمه علیها السلام پرسید آیا من هم عریان هستم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بله تو هم آن روز عریان خواهی بود، در آن روز

ص: ۸۱

۱- (۱). الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۷.

۲- (۲). الخرائج والجرائح ، ج ۳، ص ۵۳۰، ح ۵؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۸، ح ۳۲.

۳- (۳). مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۲. «إِنَّهُ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَنَامُ حَتَّى يُقْبَلَ عَرَضَ وَجْهِ فَاطِمَةَ وَيَضَعُ وَجْهَهُ بَيْنَ تَدْيِي فَاطِمَةَ وَيَدْعُو لَهَا».

هیچ کس به دیگری توجه ندارد. فاطمه علیها السلام گفت: وای از شرمساری در برابر خداوند متعال، هنوز فاطمه علیها السلام از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خارج نشده بود که جبرئیل بر حضرت صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام سلام برسان و به او خبر بده، که او از خداوند تبارک و تعالی حیا کرد، خداوند نیز از او حیا نمود. همانا او را وعده داد که در قیامت دو حله از نور به او بپوشاند. (۱) و از آن جمله می توان به روایت

«إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضِبُ لِعْضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا (۲)؛ خداوند بخاطر خشم فاطمه خشمگین و برای خوشنودی او خوشنود می گردد» اشاره نمود.

هم چنین می توان به فرود آمدن زنانی از بهشت هنگام ولادت آن حضرت علیها السلام، و نیز فرود آمدن جبرئیل و فرشتگان، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برای تسلی فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرد.

و از موارد دیگر این که: پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را در حالت بیماری و ضعف مشاهده کرد، اشک بر گونه هایش جاری شد، فرمود:

ای فاطمه علیها السلام آیا نمی دانی بخاطر بزرگداشت تو بود که خداوند تو را به ازدواج اولین اسلام آورندگان و بردبارترین و عالم ترین زمینیان درآورد؟ (۳) در پاسخ این پرسش که چرا خداوند متعال سوره هل آتی را در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل کرد و همه نعمت های بهشتی را در آن ذکر نمود اما از حور العین نامی نبرد؟

ص: ۸۲

۱- (۱). كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۵. «يا مُحَمَّد اِقرأ فاطمه السلام وأعلمها أنها استحييت من الله تبارك وتعالى فاستحيى الله منها، فقد وعدنا أن يكسوها يوم القيامة حلتين من نور...».

۲- (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۵؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۸۴؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۵.

۳- (۳). الخصال، ص ۴۱۲، ح ۱۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۸، ح ۸. «أما عَلِمَتِ يا فَاطِمَةَ أَنَّ لِكِرَامَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ زَوْجَكَ أَقْدَمَهُمْ سِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ جِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا...».

دانشمندی گفت: این کار برای بزرگداشت فاطمه علیها السلام بود. (۱) الْكَرِيمَةُ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى: (۲) بزرگوار و ارجمند در عالم بالا

امام صادق علیه السلام در بیان حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن، از روز قیامت و قرار دادن کرسی برای پیامبران و اوصیاء و ... سخن به میان آمده، فرمود: خدای تعالی به اهل محشر خطاب می کند: ای اهل محشر کرامت در این روز برای کیست؟ پیامبر، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و فاطمه علیها السلام می گویند: برای خداوند واحد قهار است. خدای تبارک و تعالی می فرماید:

ای اهل محشر من ارجمندی و کرامت را برای محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام قرار دادم. ای اهل محشر سرها را پایین اندازید و چشم ها را ببندید، این فاطمه علیها السلام است که به سوی بهشت می رود. (۳) درباره ارجمندی فاطمه علیها السلام نزد عرشیان می توان به آنچه درباره ام ایمن خدمتگزار آن حضرت نقل شد اشاره کرد که در هنگام عطش خداوند دلوی از آسمان برای او فرو فرستاد و او نوشید. (۴) مانند این ماجرا درباره شهره، دختر مسکه، دختر فضه خادمه حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که در موسم حج مرکب او در میانه راه از ادامه مسیر مانده بود، و به دعایش شخصی برای او شتری آورد و به مقصد رسید. (۵)

ص: ۸۳

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۳.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۳- (۳). تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۸، ح ۴۰۳ - ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۴، ح ۵۷. «فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا أَهْلَ الْجَمْعِ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْكَرَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَفَاطِمَةَ، يَا أَهْلَ الْجَمْعِ طَاطُوا الرُّؤُوسَ وَغَضُّوا الْأَبْصَارَ فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ».

۴- (۴). الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۵۳۰، ح ۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸، ح ۳۲، و ص ۴۶، ح ۴۵.

۵- (۵). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۳۸؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶، ح ۴۶.

درباره کرامت حضرت زهرا علیها السلام شبیه سخن امام صادق علیه السلام، از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

روز قیامت منادی از عرش صدا می زند؛ ای مخلوقات، چشمان خود را پایین اندازید تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند. (۱) [المنصوره]: (۲) یاری شده

به مناسبت به یکی از القاب حضرت زهرا علیها السلام که در زیارتها ذکر نشده است اشاره می شود؛ بر اساس احادیث، در آسمانها فاطمه زهرا علیها السلام را با این اسم می خوانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نام او در آسمان منصوره است و این سخن خداوند است؛ در این روز، مؤمنان به یاری خداوند شاد می گردند. او هر کس را خواهد، یاری کند. یعنی فاطمه علیها السلام دوستدارانش را یاری می کند. (۳) مُبَشَّرَةُ الْاَوْلِيَاءِ: (۴) مژده دهنده دوستداران

پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه زهرا علیها السلام که با یادآوری محشر و ویژگیهای آن اندوهگین شده بود دلداری می داد و منزلت او را در آن روز برایش بازگو می کرد. در بخشی از این سخن آمده است:

... جبرئیل گوید: ای فاطمه چه درخواستی داری؟ تو می گویی: پروردگارا

ص: ۸۴

۱- (۱). كشف الغمه، ج ۲، ص ۸۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۲. «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ عُضُّوا أُنْبَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ».

۲- (۲). الخصائص الفاطمية، ج ۱، ص ۲۱۳. «نَصِيرُ الْمَظْلُومِ: أَعَانَهُ، وَيُقَالُ النَّصْرُ أَخَصَّ مِنَ الْمَعُونَةِ لِاخْتِصَاصِهِ بِدَفْعِ الضَّرِّ». (اقرب الموارد، ج ۲، ص ۱۳۰۶).

۳- (۳). معانی الاخبار، ص ۳۹۶، ح ۵۳. « وَهِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَوْمَ يَبْدَأُ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصِيرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ» (روم: ۵) يَعْنِي نَصَرَ فَاطِمَةَ لِمُحِبَّتِهَا».

۴- (۴). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۸.

شیعیانم. خدای عزّ و جلّ فرماید: آنها را بخشیدم بار دیگر می گویی پروردگارا شیعیان فرزندانم. خدای عزّ و جلّ گوید: آنها را نیز بخشیدم، سپس می گویی:

پروردگارا شیعیان شیعیانم. خداوند می فرماید: برو، هر کس به تو توسل جوید با تو در بهشت است. در این هنگام خلاق آرزو می کنند ای کاش فاطمی بودند... (۱) در سخنی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود:

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست دارد در بهشت با من است و هر کس با او دشمنی ورزد در آتش است. سلمان! محبت فاطمه علیها السلام در ده جایگاه سود می رساند که آسان ترین آنها هنگام مرگ و قبر و اندازه گیری اعمال و محشر و گذر از صراط و حسابرسی است. هر کس فاطمه از او خوشنود باشد من نیز از او خوشنودم و هر کس که من از او خوشنود باشم خداوند از او خوشنود است و هر کس فاطمه بر او غضب کرد من بر او خشم گیرم و هر کس من بر او خشم گیرم خداوند بر او غضب کند. ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه علیها السلام و شوهرش امیر مؤمنان علیه السلام ستم روا دارد، وای بر کسی که بر فرزندان و شیعیان او ستم کند. (۲)

ص: ۸۵

۱- (۱). تفسیر فرات کوفی، ص ۴۴۶، ذیل ح ۵۸۷ - ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷، ذیل ح ۱۳. «ثُمَّ يَقُولُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا فَاطِمَةُ سَيِّمِي حَاجَتِكَ، فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَهُ وَوَلَدِي فَيَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ، فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَهُ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللَّهُ: انْطَلِقِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكِ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَوْدُ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيِّينَ.»

۲- (۲). فرائد السمطين، ج ۲، ص ۶۷؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۶، ح ۹۴ از مناقب ابن شاذان. «يا سَيِّمَانِ! مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ [ابْنَتِي] فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ. يَا سَلْمَانَ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائِهِ مِنَ الْمَوَاطِنِ، أَيْسَرُ ذَلِكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصَّرَاطُ وَالْمُحَاسِبَةُ، فَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ رَضِيَتْ عَنْهُ وَمِنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ [فَاطِمَةَ] غَضِبَتْ عَلَيْهِ وَمَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ. يَا سَلْمَانَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَيَظْلُمُ بَعْلِهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ ذُرِّيَّتَهَا وَشِيعَتَهَا.»

دربارهٔ واژهٔ مبشره الأولیاء می توان به سخنی از خود آن بانو اشاره کرد که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را می آمرزد و هر جای بهشت باشم او را به من ملحق می کند. (۱) المُشَفَّعَةُ فِي يَوْمِ اللَّقَاءِ: (۲) شفاعت کنندهٔ روز دیدار (قیامت)

یکی از ویژگی های مورد اشاره در زیارات دربارهٔ فاطمه زهرا علیها السلام شفاعت کردن آن حضرت در روز قیامت است که برخی روایات دربارهٔ آن ذکر شد.

به دنبال روایتی که از امام صادق علیه السلام دربارهٔ روز قیامت صفحاتی قبل گذشت چنین آمده است؛ در آن روز خداوند می فرماید:

ای اهل محشر من ارجمندی را برای محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام قرار دادم.

ای اهل محشر سرها را پایین اندازید و چشم ها را ببندید، این فاطمه است که به سوی بهشت می رود. سپس جبرئیل برای فاطمه علیها السلام شتری از بهشت که دو پهلوی او آراسته و دهنه ای از مروارید بَرّاق و جهازی از مرجان بر آن است می آورد، شتر در برابر فاطمه علیها السلام زانو می زند، و حضرتش علیها السلام سوار می شود.

خداوند صد هزار فرشته را به سوی او روانه می نماید، آنان طرف راست فاطمه علیها السلام قرار می گیرند و صد هزار فرشته نیز به سوی آن حضرت گسیل می دارد که فاطمه علیها السلام را بر بالهای خویش حمل می کنند و به سوی دَرِ بهشت می برند.

وقتی فاطمه علیها السلام به در بهشت رسد بر می گردد، خداوند فرماید: ای دختر حبیب من! چرا بازگشتی؟ من دستور دادم تو را به بهشت برند!

ص: ۸۶

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۰. «عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَالْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ».

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۴، ص ۲۰۲؛ ج ۵، ص ۱۰۳.

فاطمه علیها السلام می گوید: پروردگارا دوست دارم در این روز منزلت من شناخته شود.

خداوند متعالی می فرماید: دختر حبیبم! باز گرد و بنگر و دست هر کس که دوستی تو، یا یکی از ذریه ات را در دل دارد بگیر و در بهشت داخل کن.

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! به خدا قسم فاطمه علیها السلام در این روز همان گونه که مرغ دانه خوب را از میان دانه های بد بر می چیند شیعیان و دوست دارانش را جدا می کند و وقتی شیعیانش همراه او به بهشت می روند خداوند در دل آنان می اندازد که باز گردند، هنگام بازگشت خدای عز و جلّ می فرماید: ای دوستداران من! برای چه برگشتید، من دختر حبیبم فاطمه علیها السلام را شفیع شما قرار دادم؟

آنان گویند: پروردگارا دوست داریم ارزش ما در چنین روزی شناخته شود.

حقتعالی می فرماید: ای دوستدارانم! برگردید و بنگرید چه کسی شما را به خاطر دوست داشتن فاطمه علیها السلام دوست داشت و چه کسی شما را برای دوست داشتن فاطمه علیها السلام غذا داد و چه کسی شما را برای دوست داشتن فاطمه علیها السلام پوشانید، و چه کسی شما را برای دوست داشتن فاطمه علیها السلام جرعه ای آب داد و چه کسی برای دوست داشتن فاطمه علیها السلام غیبتی را از شما رد نمود، دست او را بگیرید و داخل بهشت کنید.

امام باقر علیها السلام فرمود: به خدا قسم در میان مردم جز کسی که شک در دل دارد یا منافق یا کافر است باقی نمی ماند... .

(۱)

ص: ۸۷

۱- (۱). تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۸، ح ۴۰۳ - ۱۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۴، ح ۵۷. «قال جابر لأبي جعفر عليه السلام جعلت فداك يا ابن رسول الله حدثني بحديث في فضل جدتك فاطمه عليها السلام إذا أنا حدثت به الشيعة فرحوا بذلك. قال أبو جعفر عليه السلام حدثني أبي عن جدي عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: إذا كان يوم القيامة نصب للأنبياء والرسل منابر من نور فيكون منبري أعلى منابرهم يوم القيامة، ثم يقول الله يا محمد اخطب فأخطب بخطبه لم يسمع أحد من الأنبياء والرسل بمثلها، ثم ينصب للأوصياء منابر من نور وينصب لوصيي علي بن أبي طالب في أوساطهم منبر من نور، فيكون منبره أعلى منابرهم. ثم يقول الله: يا علي! اخطب فيخطب بخطبه لم يسمع أحد من الأوصياء بمثلها، ثم ينصب لأولاد الأنبياء والمرسلين منابر من نور فيكون لابني وسبطي وريحانتي أيام حياتي منبر من نور، ثم يقال لهما اخطبا. فيخطبان بخطبتين لم يسمع أحد من أولاد الأنبياء والمرسلين بمثلها. ثم ينادي المنادي وهو جبرئيل عليه السلام أين فاطمه بنت محمد؟ أين خديجه بنت خويلد؟ أين مريم بنت عمران؟ أين آسيه بنت مزاحم؟ أين أم كلثوم أم يحيى بن زكريا؟ فيقولن الله تبارك وتعالى: يا أهل الجمع لمن الكرم اليوم؟ فيقول محمد وعلي والحسن والحسين وفاطمة: لله الواحد القهار. فيقول الله تعالى: يا أهل الجمع إنني قد جعلت الكرم لمحمد وعلي والحسن والحسين وفاطمة. يا أهل الجمع طأطأ الرؤوس وغضوا الأبصار فإن هذه فاطمة تسير إلى الجنة. فيأتيها جبرئيل بناقه من نوق الجنة مديجه الجنتين خطامها من اللؤلؤ المحقق الرطب عليها رخل من المرجان، فتأخ

بَيْنَ يَدَيْهَا فَتَرَكَهَا فَيَبَعَثُ إِلَيْهَا مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ. فَيَصِيرُوا عَلَيَّ يَمِينًا وَيُبْعَثُ إِلَيْهَا مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ يَحْمِلُونَهَا عَلَيَّ أَعْجَنَتْهُمْ حَتَّى يَصِيرُوهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ فَإِذَا صَارَتْ عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ تَلْتَفَتُ. فَيَقُولُ اللَّهُ: يَا بِنْتَ حَبِيبِي مَا التَّفَاتُكَ وَقَدْ أَمَرْتُ بِكَ إِلَى جَنَّتِي. فَتَقُولُ: يَا رَبِّ أَحْبَبْتُ أَنْ يُعْرَفَ قَدْرِي فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ. فَيَقُولُ اللَّهُ: يَا بِنْتَ حَبِيبِي ارْجِعِي فَأَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ خُذِي بِيَدِهِ فَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ يَا جَابِرٍ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَقِطُ شَيْعَتَهَا وَمُحِبِّيهَا كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيءِ، فَإِذَا صَارَ شَيْعَتَهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يُلْقَى اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَلْتَفِتُوا. فَإِذَا التَّفَتُوا فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحْبَابِي مَا إِلْتَفَاتُكُمْ وَقَدْ شَفَعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ حَبِيبِي؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ أَحْبَبْنَا أَنْ يُعْرَفَ قَدْرُنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ. فَيَقُولُ اللَّهُ: يَا أَحْبَابِي ارْجِعُوا وَانظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ، انظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غِيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ، خُذُوا بِيَدِهِ وَأَدْخُلُوهُ الْجَنَّةَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: وَاللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌ أَوْ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَيْنَ الطَّبَقَاتِ نَادُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صِدِّيقٍ حَمِيمٍ» فَيَقُولُونَ «فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنُكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ هِيَ هِيَ هِيَ هِيَ مَا تَطْلَبُوا (وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نَهَوْا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) «.

ارجمندی و مقام بلند فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند از این سخن امام باقر علیه السلام نیز آشکار می شود که فرمود:

فاطمه علیها السلام توفقی بر در جهنم دارد، روز قیامت میان دو چشم هر کس نوشته شده مؤمن یا کافر است، به یکی از دوستان فاطمه علیها السلام که گناهانش زیاد است می گویند به سوی آتش برود، فاطمه علیها السلام میان دو چشم او می خواند که

ص: ۸۸

دوستدار است. می گوید: خدای و پروردگار من! مرا فاطمه نامیدی و به سبب من هر کس که من و ذریه ام را دوست دارد از آتش بازداشتی و وعده تو حق است و تو خلف وعده نمی کنی.

خدای عزوجل می فرماید: راست گفتمی من تو را فاطمه نامیدم و به سبب تو هر کس که تو و ذریه ات را دوست دارد و آنان را سرپرست خود بداند از آتش باز می دارم و وعده من حق است و خلف وعده نمی کنم و من این بنده ام را تنها برای آن دستور دادم به سوی آتش رود تا تو او را شفاعت کنی و من تو را شفیع او قرار دهم و برای فرشتگان و پیامبران و فرستادگانم و اهل محشر جایگاهت پیش من، آشکار شود، هر کس که میان دو چشم او خواندی مؤمن است دست گیر و به بهشت داخل کن. (۱)

ص: ۸۹

۱- (۱). علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴، ح ۱۱.

بخش سوم: پاکدامنی، دانش و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

ص: ۹۱

پاکی و پاکدامنی

در این قسمت صفاتی ذکر شده است که به پاکی و پاکدامنی فاطمه زهرا علیها السلام در زیارات اشاره دارد.

التقیه: (۱) پرهیزگار

از صفات مورد تأکید در زیارات، پاکی آن حضرت از تمامی آلودگی ها می باشد حتی آلودگی هایی که برخی لازمه طبیعی بشر است، مانند آنچه در توضیح واژه بتول با استفاده از روایات گذشت.

تقیه مؤنث تقی یعنی پرهیزگار، برگرفته از تقوی است. در قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام تقوی مورد تأکید قرار گرفته و معیار کرامت انسانی است ۲ و نیز به عنوان بهترین توشه معرفی شده است. ۳ کسی که پیشینه وجودی اش از عالم بالا و بالاتر از فهم آدمیان است و حوریه ای در لباس انسان و خود عین پاکی است، شگفت نیست که این صفات و القاب نشان دهنده ابعاد بزرگ این پاکی و پرهیزگاری وی باشند و بالاتر آنکه خداوند، او و پدر و شوهر و فرزندان را تطهیر نموده و پاک خوانده است. ۴

ص: ۹۳

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۰۲. «التقی من یتقی الله». (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۱۰۶۵).

علامه مجلسی رحمه الله در توضیح این واژه می آورد:

یعنی او از هر آنچه خدا خوشنود نبود حتی در کارهای مباح پروا داشت. (۱)نقته: (۲) پاکیزه

نقاوه و نقاء بمعنای پاکیزگی، خلوص و ناب بودن است. فاطمه زهرا علیها السلام از همه رذائل پاکیزه، و از ویژگی ها و کارهایی که لایق به مقامش نبود نظیف بود.

الزکيه: (۳) پاک و شایسته

الزکيه العارفة: (۴) پاکیزه آشنا (به احکام الهی)

زکيه مونث زکی بر وزن فعیل به معنی پاک از گناه و بزرگ شده بر خیر و خوبی است. فرشته الهی به حضرت مریم علیها السلام می گوید: «إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (۵)؛ من فرستاده پروردگار تو ام تا پسری پاکیزه به تو بخشم.

تزکيه به معنی تطهیر است. «قد افلح من زكاه» (۶). پاکیزگی از اخلاق ناشایست ناشی از غضب، حسد، بخل، حب مقام، دوستی دنیا، کبر و عجب، سبب رستگاری فرد است. خطاب قرار دادن حضرت فاطمه علیها السلام با این وصف، به فلاح، رستگاری، تزکیه فطری و ذاتی و دوری آن حضرت علیها السلام از خلیات پست اشاره دارد. و به سبب همین تزکيه، شایسته مقام خدادادی گردیده است.

ص: ۹۴

-
- ۱- (۱). روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۴۵. «بمعنی المتقیه عن الله فی جمیع ما لا یرضی الله حتی عن المباحات».
- ۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۰۲. «نقی الشیء نقاوه: نَظْفٌ. فهو نقی وهی نقیه» (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۹۵۸). المنقاه من جمیع الخصال و الافعال الغیر اللائقین بها روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۸۵.
- ۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱؛ ج ۳، ص ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۵؛ ج ۵، ص ۱۴۵. «قال المجلسی؛ المزکاه من الصفات الرذیله و الافعال الذمیمه» (روضه المتقین: ج ۵، ص ۳۴).
- ۴- (۴). همان، ج ۵، ص ۱۱۲. درباره صفت عارفه پس از این توضیح خواهد آمد.
- ۵- (۵). مریم: ۱۹.
- ۶- (۶). الشمس: ۹. «هرکس خود را تزکيه کرد رستگار شد».

زاکیه نیز معانی زکی را داراست افزون بر آن زاکیه برای کسی که هیچ گناه انجام نداده است استفاده می شود. (۲) الطَّيِّبَةُ: (۳) پاک و نیکو

واژه طیب به معنای پاک و پاکیزه و چیز خوب و حلال است و در مقابل تمامی این معانی واژه خبیث قرار دارد. در قرآن نیز این واژه در مواردی به کار رفته است. (۴) «الْعَمَّ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا - كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ» (۵)؛ آیا ندیدی چگونه خداوند مثالی زد؛ کلمه پاک مانند درختی پاک است، ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است، هر زمان میوه اش را به اذن پروردگارش می دهد.

منظور از شجره طیبه در روایات اهل بیت اند. امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه فرمود:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ریشه این درخت پاک و امیر مؤمنان علیه السلام شاخه آن و ائمه از ذریه آن دو نفر، جوانه های آن و دانش ائمه علیهم السلام میوه آن است و شیعیان مؤمن برگ های آن هستند... (۶)

ص: ۹۵

- ۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲. «زکا الشیء: نما وزاد وفلان صلح و تنعم و کان فی خصب فهو زکی». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۳۹۸).
- ۲- (۲). مجمع البحرین ، ص ۷۷۶.
- ۳- (۳). مجمع البحرین ، ج ۳، ص ۳۷۵؛ ج ۵، ص ۱۱۸. «الطیب: الأفضل من کل شیء و کل ما یتطیب به من عطر ونحوه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۵۷۹).
- ۴- (۴). «وهدوا إلى الطیب من القول»؛ «به گفتار پاک و نیکو هدایت شدند». حج: ۲۴؛ «یا ایها الناس کلوا ممّا فی الأرض حلالاً طیباً»؛ «ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید». بقره: ۱۶۸، ۱۷۲؛ آل عمران: ۱۷۹؛ نحل ۹۷ نیز این واژه آمده است.
- ۵- (۵). ابراهیم: ۲۴ و ۲۵.
- ۶- (۶). اصول کافی ، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۸۰. «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أصلها وأمیر المؤمنین علیه السلام فرعها والأئمة من ذریتهما أغصانها وعلم الأئمة ثمرتها وشیعتهم المؤمنون ورقها...».

مخاطب قرار دادن فاطمه زهرا علیها السلام با واژه طَیِّبه اشاره به پاکی و طهارت آن حضرت دارد. با توجه به اینکه حضرتش علیها السلام مادر ائمه اطهار علیهم السلام می باشند، این واژه در زیارات می تواند به حدیثی که در توضیح شجره طیبه گذشت نیز اشاره داشته باشد.

الطَّاهِرَةُ: (۱) پاک

طاهر از اسامی خداوند به معنای منزّه از شبیه و مانند و ضدّ، و دور از صفات ممکنات و حالات مخلوقات (یعنی زوال و سکون و...) می باشد. فاطمه علیها السلام مظهر اسم طاهر است، ماندی در میان مخلوقات ندارد و در میان زنان شبیهی برایش نیست. (۲) طاهره یکی از نه اسمی است که امام صادق علیه السلام برای فاطمه زهرا علیها السلام بر شمردند که پیش از این گذشت. (۳) درباره حضرت خدیجه کبری علیها السلام نیز آورده اند:

او در زمان جاهلیت طاهره نامیده می شد. (۴) امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند عزّ و جلّ تا هنگامی که فاطمه علیها السلام زنده بود زنان دیگر را بر امیر مؤمنان علیه السلام حرام نمود، چون او پاک بود و عادت ماهیانه نداشت. ۵

ص: ۹۶

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶، ۲۴۹، ۳۶۷؛ ج ۳، ص ۲۷۹، ۳۶۴، ۳۷۵؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۸. «طَهَّرَ: نَقَى مِنَ النِّجَاسَةِ وَالدَّنَسِ. وَبَرَىءَ مِنْ كُلِّ مَا يَشِينُ. الطُّهْرُ: الْخُلُوءُ مِنَ النِّجَاسَةِ وَالْحَيْضِ وَغَيْرِهِ». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۵۷۴).

۲- (۲). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳- (۳). الخصال، ج ۲، ص ۴۱۴، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰، ح ۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِفَاطِمَةَ تِسْعَةُ أَسْمَاءٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاطِمَةُ وَالصَّديقَةُ وَالْمُبَارَكَةُ وَالطَّاهِرَةُ وَالزَّكِيَّةُ وَالرَّاضِيَةُ وَالْمَرْضِيَّةُ وَالْمُحَدَّثَةُ وَالزَّهْرَاءُ...».

۴- (۴). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۶۱. «كَانَتْ تَدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ الطَّاهِرَةَ.»

علامه مجلسی می آورد: ممکن است منظور امام این باشد که جلالت فاطمه علیها السلام سبب این حکم الهی بود و امام صادق علیه السلام با استفاده از لوازم این معنا یعنی صفات ویژه حضرت فاطمه علیها السلام این جلالت را بیان فرموده اند. (۱) اسماء از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در باره تفاوت فاطمه زهرا علیها السلام با دیگر زنان در مسائل زنانه سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آیا نمی دانی دخترم پاک و پاکیزه است. ۲ الطُّهْرُ، ۳ الطُّهْرَةُ: ۴ عاری از پلیدی

القاب دیگری به همین معنا برای حضرت فاطمه علیها السلام در زیارت ها به کار رفته است.

المُطَهَّرَه: ۵ پاک شده

مُطَهَّرَةٌ مِنَ الْأَرْجَاسِ: ۶ پاک شده از پلیدی ها

طهر به معنی پاک بودن از نجاست و چرکی و هر چیزی است که موجب زشتی است. درباره حضرت زهرا علیها السلام این لقب به پاکی از چرکی های ظاهری و باطنی اشاره دارد که بخشی از آنها در توضیح واژه بتول گذشت.

امام صادق علیه السلام در بیان چگونگی تولد حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً... ۷؛

خدیجه فاطمه علیها السلام را پاک و پاکیزه به دنیا آورد.

ص: ۹۷

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دخترم فاطمه علیها السلام او سرور زنان پیشین و پسین است و او در محراب خود می ایستد، و هفتاد هزار فرشته مقرب به او سلام می دهند و او را با جمله ای که مریم را خطاب می کردند ندا می کنند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان جهانیان برتری داد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

آیه «إِنَّمَا يَدُ اللَّهِ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۲ درباره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در خانه ام سلمه نازل شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را صدا زد و عبایی خبیثی بر آنان کشید. و خود نیز داخل شد و فرمود:

خدایا اینان اهل بیت منند، درباره آنان به من وعده ای دادی خدایا از آنان پلیدی را دور و ایشان را پاکیزه گردان. سپس این آیه نازل شد. ^۳نافع بن ابی حمراء گوید:

مدت هشت ماه پیامبر را مشاهده می کردم هنگام نماز صبح بر خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و می فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل

بیت. [وقت] نماز است. جز این نیست که خداوند می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور و شما را پاکیزه گرداند. (۱) مفسران شیعه درباره این آیه سخن گفته اند و ثابت کرده اند که نزول این آیه درباره اهل بیت علیهم السلام پیامبر بوده است و دلالت بر عصمت آنان دارد. (۲) *أَطَهَّرُ النِّسَاءَ*: (۳) پاک ترین زنان

او پاک ترین زنان روی زمین است. در ذیل صفت «سیده نساء العالمین» درباره برتری حضرتش بر تمامی زنان عالم سخن خواهد آمد.

الْمُبْرَأَةُ مِنَ الْأَذْنَانِ: (۴) عاری از چرکی ها

از دیگر تعبیراتی است که در زیارات، به پاکی و طهارت حضرتش علیها السلام اشاره دارد.

دَنَسٌ بمعنای چرک، کثافت و آلودگی است و درباره خدشه دار شدن عزت، آبرو، احترام و شرف، و یا کثیف شدن لباس شخص یا اخلاق او بکار می رود، حضرت فاطمه علیها السلام از همه این چرکی ها پاک و پاکیزه بود و در این باره ضمن واژه های دیگر سخن گذشت.

الْمُهَذَّبَةُ مِنَ الْخَنَاءِ: (۵) عاری از سخنان زشت

خنا بمعنای سخن زشت و دشنام است و در معرفی آن حضرت به طهارت و پاکی

ص: ۹۹

۱- (۱). *كشِف الغمه*، ج ۲، ص ۸۳؛ *بحار الانوار*، ج ۴۳، ص ۵۳. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. الصَّلَاةُ»
إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳).

۲- (۲). *الميزان*، ج ۱۶، ص ۳۲۷ - ۳۳۱.

۳- (۳). *موسوعه زیارات المعصومین*، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۴- (۴). همان، ج ۵، ص ۱۰۲، ۱۱۲. «الدَّنَسُ: الوَسَخُ. ويقال: دَنَسَ عَرَضُهُ وَخُلِقَهُ». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۲۹۸).

۵- (۵). همان، ج ۵، ص ۱۰۳. «هَيَذَبَ الشَّيْءُ؛ قطعهُ و نَقَّاهُ و أَخْلَصَهُ و اصْلَحَهُ و هَذَّبَ الْكَلَامَ: خَلَّصَهُ مِمَّا يَشِينُهُ عِنْدَ الْبُلْغَاءِ». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۹۸۹) «خنا فلان: أفحش في منطقه الخنا: الفحش في الكلام». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۲۵۹).

در ابعاد گوناگون، زائر با این وصف نیز فاطمه علیها السلام را مورد خطاب قرار می دهد. او از گروهی است که نه تنها از سخن زشت پیرایش شده اند بلکه کلام آنان سراسر نور است *كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ*. (۱) *الْمَحْرُوسَةُ مِنَ الْوَسْوَاسِ*: (۲) حفاظت شده از وسواس

وسواس مرضی است که از افزونی سوداء به وجود می آید و موجب درهم شدن ذهن آدمی می گردد. به شیطان که اندیشه بد به دل آدمی می افکند نیز گفته می شود.

برای دوری وسواس و افکار شیطانی و نجات از آن اذکاری از سوی ائمه علیهم السلام بیان شده است. فاطمه زهرا علیها السلام از هر بدی که به قلب خطور کند و حدیث نفس و اندیشه بد محافظت شده است و این واژه نیز به طهارت و پاکی آن بانو اشاره دارد.

[الحصان]: (۳) با عفت

این لقب اگرچه در زیارتها ذکر نشده است اما به مناسبت به آن اشاره می شود.

احصان در قرآن به چهار معنای بی گناهی و پاکی، (۴) همسران، (۵) آزاد (۶) و اسلام (۷) آمده است. که تمامی این معانی در بالاترین مرتبه بر فاطمه زهرا علیها السلام منطبق است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنْتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ (۸)؛

فاطمه علیها السلام عقیفه بود پس خداوند ذریه او را بر آتش جهنم حرام نمود.

ص: ۱۰۰

-
- ۱- (۱). زیارت جامعه کبیره.
 - ۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲. «وسوس الشیطان إلیه وله وفی صدره: حدّثه بما لا- نفع فیهِ ولا خیر. الوسواس: الشیطان، ومرض یحدث من غلبه السوداء یختلط معه الذهن». (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۱۰۴۵).
 - ۳- (۳). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۹۴.
 - ۴- (۴). «أَحْصَنْتْ فَرْجَهَا» (انبیاء: ۹۱).
 - ۵- (۵). «الْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء: ۲۵).
 - ۶- (۶). «فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ» (نساء: ۲۵).
 - ۷- (۷). «فَإِذَا أَحْصَنْتِ فَإِنَّ أُمَّتِي بِفَاحِشَتِهِ» (نساء: ۲۵).
 - ۸- (۸). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۳۲.

از میان اسامی، القاب و اوصاف بکار رفته در زیارت های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برخی به عصمت آن حضرت علیها السلام اشاره دارد و زائر را متوجه وجود این کمال در حضرتش علیها السلام می نماید.

معصومه: (۱) محفوظ از گناه

عصم به معنی باز داشتن و نگاه داشتن است و در قرآن نیز این واژه در موارد متعدد استفاده شده است. «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۲)؛ خداوند تو را از [شر] مردم حفظ خواهد کرد. و در اصطلاح شرع ملکه ای است که شخص را از انجام و میل به معصیت با وجود قدرت بر آن باز می دارد. تعاریف دیگری نیز برای عصمت آورده اند که در کتب مربوطه به تفصیل ذکر شده است.

حضرت زهرا علیها السلام دارای عصمت است و از فکر و فعل گناه و معصیت دور است. به همین معنا تعبیر دیگری نیز در زیارت به کار رفته است:

المَعْصُومَةُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ: (۳) محفوظ از هر بدی

شیعه امامیه معتقد است که چهارده نور پاک دارای عصمت هستند، اما این که عصمت چیست و معصوم چگونه از فعل و اندیشه گناه مصون است در تفسیر آن سخنانی گفته اند. (۴)

ص: ۱۰۱

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۸۶. «عصم الله فلاناً من الشر أو الخطأ: حفظه ووقاه ومنعه». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۶۱۱).

۲- (۲). مائده: ۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۴- (۴). عصمت چیست؟ الف) این لطفی است که خداوند متعال نسبت به بنده دارد و او را به اطاعت الهی نزدیک می کند و می داند که او با این لطف به سوی گناه نمی رود به گونه ای که سبب اجبار نگردد. ب) و برخی از این عده عصمت را به ملکه نفسانی تفسیر نموده اند که با داشتن آن از صاحب ملکه گناه سر نمی زند و... (کشف المراد، شرح آیه الله شعرانی، ص ۵۱۲).

هم چنین در پاسخ این سؤال که چرا خداوند به عده ای لطف می کند و آنان را معصوم قرار می دهد پاسخهایی داده شده است که برای اطلاع بیشتر، رجوع به کتاب هایی که در این باره نگاشته شده است. (۱) معصومین علیهم السلام به جهت علم خدادادی و اراده محکم و قوی به مقام مصونیت کامل از گناه یعنی عصمت رسیده اند؛ اما این موهبت خدادادی ناشی از قابلیت و شایستگی ارادی آنان است، یعنی علم خداوند به این شایستگی سبب شد آنان را برگزیند و تفضلاً این پاداش را به آنان عنایت کند، تا راهنمایی مطمئن برای بشر باشند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

خداوند متعال، از فرزندان آدم انسانهایی انتخاب کرد و تولد آنها را پاک و بدن هایشان را پاکیزه گردانید، و آنها را در صلب مردان و رحم زنان محافظت کرد. نه برای طلبی که از خداوند داشته باشند بلکه به این سبب که خداوند، در هنگام خلقت می دانست آنان از او فرمانبرداری و عبادت می نمایند و هیچ گونه شرکی نسبت به او روا نمی دارند. پس اینان با فرمانبرداری خداوند به این کرامت و منزلت والا نزد او دست یافتند. (۲)

ص: ۱۰۲

۱- (۱). درباره دارابودن مقام عصمت آورده اند: الف) ویژگی جان یا بدن معصوم اقتضای ملکه ای را دارد که مانع از فجور است. ب) معصوم بر زشتی گناهان و زیبایی و خوبی فرمانبرداری آگاهی پیدا می کند. ج) آگاهی معصوم با آمدن پی در پی وحی و الهام از سوی خداوند تأکید می گردد و او را حفظ می کند. د) او بر ترک اولی مؤاخذه می شود بگونه ای که می فهمد او رها نشده، بلکه در کارهای نیک غیر واجب نیز بر او سخت گیری می شود. (کشف المراد، شرح آیه الله شعرانی، ص ۵۱۲).

۲- (۲). بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۷۰. «إِنَّ اللَّهَ إِخْتَارَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ أَنَسًا طَهَّرَ لَيْلَادَهُمْ، وَطَيَّبَ أَيْدِيَهُمْ وَحَفِظَهُمْ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ، أَخْرَجَ مِنْهُمْ الْأَنْبِيَاءَ وَالرُّسُلَ، فَهُمْ أَزْكَى فُرُوعِ آدَمَ؛ فَفَعَلَ ذَلِكَ لِأَمْرِ اسْتَحْقَوهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَكِنْ عَلِمَ اللَّهُ مِنْهُمْ لَهَيْنَ ذَرَأَهُمْ أَنَّهُمْ يُطِيعُونَهُ وَيَعْبُدُونَهُ وَلَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا فَهَؤُلَاءِ بِالطَّاعَةِ نَالُوا مِنَ اللَّهِ الْكِرَامَةَ وَالْمَنْزِلَةَ الرَّاقِبَةَ عِنْدَهُ.»

علامه مجلسی رحمه الله در ذیل صفت صدیقه - که پس از این خواهد آمد - می آورد: یعنی فاطمه علیها السلام آنچه پدرش آورده بود را بسیار تصدیق می نمود و در تمامی سخنانش راستگو بود و سخنان او با کارهایش تصدیق می شد و این همان معنای عصمت است.

سپس می گوید: و در عصمت حضرتش علیها السلام شکی نیست، زیرا به اتفاق شیعه و اهل سنت در میان کسانی قرار دارد که آیه تطهیر درباره آنها نازل شده است و روایات از شیعه و اهل سنت در این باره بسیار است.

و در ادامه می آورد: فخر رازی در تفسیرش در باره آیه تطهیر گوید: در آوردن لِيَطَهَّرَكُمْ پس از لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، لطیفه ای هست چرا که گاه پلیدی می رود اما جای آن پاک نمی گردد، یعنی در مورد اهل بیت تطهیر کامل است.

از ادله دیگری که برای عصمت حضرتش علیها السلام می توان ذکر کرد، روایاتی است که اذیت فاطمه علیها السلام را آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند و نیز روایتی که تصریح می کند خداوند برای خشم فاطمه علیها السلام خشمگین می شود. (۱) زیرا اگر فاطمه علیها السلام کسی بود که مرتکب گناه می شد نه تنها آزار او روا بود بلکه در صورت ارتکاب برخی گناهان - العیاذ بالله - حد بر او اقامه و تعزیر می شد. همچنین خشنودی او - هنگامی که به معصیت راضی بود - رضایت خداوند نبود و اینگونه نبود که اگر کسی او را در معصیتی خشنود کند، خدا را خشنود کرده باشد و هر کس با ممانعت از گناهی او را به خشم در آورد، خداوند را خشمگین کرده باشد. (۲) همان طور که اشاره شد مفسرین در آیه تطهیر، منظور از اذهاب رجس از اهل بیت علیهم السلام را ناظر به عصمت آنان دانسته اند. (۳)

ص: ۱۰۳

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰، ح ۸؛ ج ۳۷، ص ۷۰. «عن جعفر الصادق علیه السلام أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال لفاطمة: إنّ الله يغضب لغضبك ويرضى لرضائك؛ ای فاطمه خداوند برای خشم تو به خشم می آید و بخاطر خرسندی تو خرسند می شود».

۲- (۲). مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۹.

۳- (۳). المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۱.

الصَّدِيقَةُ: (۱) تصدیق کننده پیامبر در حد کمال

الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى: (۲) تصدیق کننده بزرگتر

صدیقه مبالغه در صدق و تصدیق است. دو واژه فوق نیز به عصمت حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارد. خداوند مریم علیها السلام را با این ویژگی ستوده است: همانا مسیح فرزند مریم پیامبری بود که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادر او صدیقه بود. (۳) علامه مجلسی در توضیح این صفت برای حضرت زهرا علیها السلام می آورد:

آن گونه که از اخبار به دست می آید صدیقه به معنای معصومه است، و دو وجه برای نامگذاری حضرت زهرا علیها السلام به صدیقه ذکر می کند:

الف) او را صدیقه گویند چون اولین زن پس از مادرش خدیجه است که پیامبر را تصدیق نمود. ب) او در گفتار و رفتار بسیار صادق بود به گونه ای که کارهای او گفتارش را تصدیق می نمود. (۴) در بخش هایی از زیارات واژه صدیقه در کنار شهیده آمده است؛ (الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ). همانند حدیثی از امام کاظم علیه السلام که فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ... (۵)؛ فاطمه علیها السلام صدیقه ای شهید است.

ص: ۱۰۴

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۲۴۹، ۴۶۷؛ ج ۳، ص ۲۷۹، ۳۶۴؛ ج ۵، ص ۱۱۲، ۱۴۵. «الصَّدِيقُ: مَنْ لَا يَكُونُ إِلَّا صَادِقًا فِي قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ صَحْبِهِ». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۵۱۳). «الصَّدِيقَةُ: فَعِيلَةٌ لِّلْمَبَالِغَةِ فِي الصَّدَقِ وَالتَّصَدِيقِ: أَي كَانَتْ كَثِيرَةَ التَّصَدِيقِ لِمَا جَاءَ بِهِ أَبُوهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَتْ صَادِقَةً فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهَا، مُصَدِّقَةً أَقْوَالَهَا بِأَفْعَالِهَا وَهِيَ مَعْنَى الْعَصْمَةِ». (مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۵).

۲- (۲). همان، ج ۴، ص ۳۸۰.

۳- (۳). مائده: ۷۵: «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صَدِيقَةٌ».

۴- (۴). ملاذ الاخيار، ج ۹، ص ۲۷؛ روضه المتقين، ج ۵، ص ۳۱۵. پدر علامه مجلسی نیز در این باره می آورد: «صدیقه یعنی تصدیق کننده حضرت سید المرسلین بر وجه کمال، و این رتبه نیست مگر رتبه عصمت بنابراین آن را به معصومه تفسیر نموده اند». لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۵۰۸.

۵- (۵). کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.

در باره واژه شهیده توضیح خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که فاطمه علیها السلام را چه کسی غسل داد؟ فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام. این سخن برای شنونده سنگین بود. امام علیه السلام به او فرمود:

بر تو گران نیاید، زیرا او صدیقه بود و جز صدیق او را غسل نمی دهد، نمی دانی که مریم را کسی جز عیسی غسل نداد؟ (۱) در این سخن امام به خوبی از واژه صدیقه عصمت استفاده می شود و این مشابه احادیثی است که می فرماید امام را جز امام غسل نمی دهد. (۲) در این باره می توان به حدیثی که اهل سنت روایت کرده اند نیز اشاره نمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

سه چیز به تو عطا شده که به هیچ کس حتی به من نیز داده نشده است. پدر زنی مانند من و این به من داده نشده است. همسری صدیقه مانند دخترم که به من همسری مانند او داده نشده است، حسن و حسین علیهما السلام که از صلب تو هستند و مانند آن دو من به من عطا نشده است، اما شما همه از من و من از شما هستم. (۳) در سخنی از امام صادق علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام صدیقه کبری خوانده شده اند.

او صدیقه کبراست و [گردونه] امت های پیشین بر مدار شناخت او گردید. (۴)

ص: ۱۰۵

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴. «لَا تَضِيقَنَّ فَإِنَّهَا صَدِيقَةٌ وَلَمْ يَكُنْ يُغَسِّلُهَا إِلَّا صَدِيقٌ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَرْيَمَ لَمْ يُغَسِّلُهَا إِلَّا عِيسَى.»

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۸۴، ۳۸۵.

۳- (۳). الرياض النضرة فی مناقب العشرة، ج ۳ و ۴، ص ۱۷۲؛ فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۴۸. «أُوتِيَتْ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتِيَنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا؛ أُوتِيَتْ صَهِرًا مِثْلِي وَلَمْ أُوتَ أَنَا مِثْلَكَ وَأُوتِيَتْ زَوْجَةً صَدِيقَةً مِثْلَ ابْنَتِي وَلَمْ أُوتَ مِثْلَهَا زَوْجَةً وَأُوتِيَتْ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ صُلْبِكَ وَلَمْ أُوتَ مِنْ صُلْبِي مِثْلَهُمَا وَلَكِنَّكُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْكُمْ.»

۴- (۴). امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۸۰، مجلس ۴۵۷؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۵، ح ۱۹. ... «وهی الصدیقه الکبری وعلی معرفتها دارت القرون الأولى.»

در توضیح این سخن برخی گفته اند:

بنابراین همه پیامبران، امتهای خود را به شناخت مقامات فاطمه زهرا علیها السلام دستور می دادند. اگر یکی از این امت ها این ذات مقدس (فاطمه علیها السلام) را نمی شناخت اعمال او پذیرفته نبود. (۱) صدیق مقام راستی و استقامت در گفتار و عمل است که پس از مقام پیامبری است خداوند در قرآن می فرماید:

و کسی که خدا و پیامبرش را فرمانبرداری کند با - پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان - کسانی که خدا نعمتش را بر آنان تمام نموده، خواهد بود. (۲) صادق (۳): راستگو

اگرچه واژه صدیق در بردارنده صادق بودن حضرت نیز هست، در زیارت حضرتش به این صفت نیز جداگانه اشاره شده است. عایشه گوید:

هرگز کسی راستگوتر از فاطمه جز پدرش ندیدم. (۴) حلیفه الورع والزهد (۵): هم قسم ورع و پارسایی

حلیف، کسی است که با دیگری برای یاری کردن او عهد و پیمان می بندد هم

ص: ۱۰۶

-
- ۱- (۱). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۲۲۴.
 - ۲- (۲). نساء: ۶۹: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ...».
 - ۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۵.
 - ۴- (۴). فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۹، به نقل از حلیه الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱. « مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ غَيْرَ أَبِيهَا ».
 - ۵- (۵). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷. «الحلیف: المتعاهد علی التناصر. یقال: فلان حلیف الجود وحلیف الفصاحه». (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۱۹۲).

چنین به هر چیزی که ملازم و همراه چیز دیگری باشد و از آن جدا نشود، گفته می شود.

در تعبیرهای کنایی برای شدت وجود صفتی در یک نفر از این تعبیر استفاده می شود. او حلیف جود است یعنی بسیار سخاوتمند است و از بخشش هیچ گاه جدا نمی شود.

این تعبیر به این معنی است که برای فاطمه علیها السلام هیچ گاه جدایی از ورع و پارسایی متصور نیست. و مانند تعبیر گذشته به شدت پاکدامنی و عصمت آن بانو اشاره دارد.

آگاهی و دانش

اشاره

العَارِفَةُ بِالشَّرَائِعِ وَالْأَحْكَامِ: (۱) آگاه به قوانین و احکام الهی

از صفات دیگری که در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام مورد اشاره است، آگاهی و علم حضرت به قوانین و احکام الهی است. سخنانی از آن حضرت در معارف دینی به جا مانده است که گاه در پاسخ سؤال و گاه به صورت حدیث و گاه به شکل خطابه و سخنرانی می باشد و همه نشان دهنده آگاهی آن حضرت علیها السلام به احکام و قوانین الهی است و شامل درسهای بلند و حکمت های بلیغ و پندهای آموزنده است.

در این رابطه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب سؤال کردند: چه چیز برای زنان بهتر است؟ این سؤال را فاطمه زهرا علیها السلام پاسخ داد که:

برای زنان بهتر آن است که مردان را نبینند و مردها نیز آنها را نبینند. (۲) در اینجا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي (۳)؛

بدرستی فاطمه علیها السلام پاره تن من است.

ص: ۱۰۷

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۰۳.

۲- (۲) کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴. «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ».

۳- (۳) کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴. «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ».

خطبه های حضرت زهرا علیها السلام از نشانه های علم آن حضرت به احکام و شرایع الهی و علوم گذشته و آینده است. خطبه طولانی فدکیه - که در آن به علل شرایع و نیز تاریخ عرب جاهلی و اتفاقات آن زمان اشاره نموده و خبر از آینده می دهد و مطالب مهمی را با مضامین بلند بیان می فرماید - در کتب روایی ذکر شده است. نیز خطبه ای دیگر که به هنگام عیادت زنان از آن حضرت علیها السلام، در بستر بیماری ایراد کرده است.

علامه امینی در مناقبی که برای حضرت زهرا علیها السلام ذکر کرده می آورد:

چهارمین منقبتی که وجود مقدّس حضرت زهرا علیها السلام با پدر و همسر و فرزندانش مشترک است، در اهتداء و اقتداء و تمسک است. یعنی هدایت یافتن و پیروی کردن مردم از آنان و در موقع نیاز متوسّل شدن به آنها.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

از آفتاب پیروی کنید، و اگر آفتاب غروب کرد، از ماه. در صورتیکه ماه از نظرها پنهان شد، از زهره پیروی کنید، و اگر زهره ناپدید شد، به دو ستاره (فرقدین) اقتدا کنید. سؤال شد یا رسول الله مقصود از شمس و قمر و زهره و فرقدین چه کسانی هستند؟ فرمود: من آفتابم، علی ماه، و فاطمه ستاره زهره است، و حسن و حسین آن دو ستاره (فرقدان). (۱) از روایت مذکور کاملاً روشن است که حضرت صدیقه علیها السلام در مراتب و مناقب گفته شده، در ردیف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، و حسنین علیهما السلام است و اگر در ولایت و عصمت نظیر اینان نبود، امر هدایت یافتن، و پیروی مردم از او، و توسّل هر بشری در مشکلات به

ص: ۱۰۸

۱- (۱). معانی الأخبار، ص ۱۱۴، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۹۱، ح ۲۳. «اُقْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ، فَأَقْتَدُوا بِالْقَمَرِ، وَإِذَا غَابَ الْقَمَرُ فَأَقْتَدُوا بِالزُّهْرَةِ، فَإِذَا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَأَقْتَدُوا بِالْفَرَقْدَيْنِ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا الشَّمْسُ وَمَا الْقَمَرُ وَمَا الزُّهْرَةُ وَمَا الْفَرَقْدَانُ؟ فَقَالَ: أَنَا الشَّمْسُ وَعَلَى الْقَمَرِ وَالزُّهْرَةُ فَاطِمَةُ وَالْفَرَقْدَانُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.»

او، کاری بیهوده و گزاف می بود. (۱) الْعَلِيمَةُ: (۲) بسیار دانا

علیمه بمعنی کسی که دارای دانش بسیار است، این واژه نیز به دانش فراوان آن حضرت علیها السلام اشاره دارد.

این ویژگی برای فاطمه زهرا علیها السلام از زمان تولد و پیش از آن وجود داشت. ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با من ازدواج کرد و کار سرپرستی دخترش را به من واگذار نمود، من آداب را به او می آموختم، به خدا قسم او از من مؤدب تر بود و همه چیز را بهتر از من می شناخت. (۳) عمار برای سلمان می گفت:

همراه امیر مؤمنان بر فاطمه زهرا علیها السلام داخل شدیم هنگامی که علی علیه السلام را دید صدا زد:

نزدیک شو تا آنچه را بوده و خواهد بود و آنچه اتفاق نیفتاده، تا روز قیامت را برایت بازگو کنم. ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدیم و آن حضرت همین ماجرا را برای ما بازگو کردند.

عمار گوید: علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا نور فاطمه علیها السلام از نور ماست؟ فرمود: آیا نمی دانی؟ در این وقت علی علیه السلام سجده شکر به جا آورد. (۴)

ص: ۱۰۹

۱- (۱). فاطمه الزهراء گفتار علامه امینی ، ص ۴۹.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۳- (۳). دلائل الامامه ، ص ۱۲؛ بحار الانوار ، ج ۴۳، ص ۱۰. «قالت اُمّ سَلَمَة: تَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَفَوْضَ أَمْرَ ابْنَتِهِ إِلَيَّ فَكُنْتُ أُوَدِّبُهَا وَأَدُلُّهَا وَكَانَتْ وَاللَّهِ أَدَبٌ مِنِّي وَأَعْرَفَ بِالْأَشْيَاءِ كُلِّهَا».

۴- (۴). بحار الانوار ، ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۱ به نقل از عيون المعجزات.

درباره این گونه روایات که ممکن است پیرامون آن سؤالهایی درباره علم ائمه و...

مطرح شود باید گفت: کارهای معصومین علیهم السلام افزون بر ظاهر عمل، حکمت های دیگر نیز داشته است که به عنوان مثال گاه برای شناساندن مقام دیگر معصومین علیهم السلام به اطرافیان برخی کارها انجام می گرفته است و بسا در این واقعه نیز نشان دادن مقام بلند فاطمه زهرا علیها السلام به عمار و دیگران که می دیدند یا بعد می شنیدند مورد نظر بوده است.

احادیثی از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده و در کتب روایت اهل سنت و شیعه ذکر شده است. عده ای احادیث آن حضرت را کمتر از ده حدیث (۱) و برخی هجده حدیث دانسته اند درحالیکه بیش از ۸۰ سخن از آن حضرت جمع آوری گردیده است. (۲) این سخنان درباره شناساندن اهل بیت، اخبار غیبی، درباره احکام و معارف، و ثواب اعمال، برخی از ادعیه، حدیث لوح، حدیث کساء و نیز سخنانی درباره سزاواری علی علیه السلام به امر ولایت امت و... می باشد. به دو نمونه از این احادیث اشاره می شود:

الف) امام حسن مجتبی علیه السلام از مادرش علیها السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

دعایی به تو بیاموزم که هر کس آن را بخواند دعایش مستجاب شود و در او سم، و سحر اثر نکند؟ و شیطان به او بدی نرساند و دعای او رد نشود و تمامی خواسته هایی که از خدا می خواهد دنیوی و اخروی برآورده شود؟ گفتم: بله ای پدر! به خدا قسم این از دنیا و آنچه در آن است برای من بهتر است. فرمود:

بگو؛... (۳)

ص: ۱۱۰

۱- (۱). الثغور الباسمه فی مناقب فاطمه ، ص ۳۴.

۲- (۲). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ، ص ۳۰۸.

۳- (۳). دلائل الامامه ، ص ۶. «یا الله، یا اعز مذکور و اقدمه قدماً فی العزّه والجبروت، یا الله یا رحیم کلّ مُسْتَرَحِم، وَمَفْرَعُ کُلِّ مَلْهُوفٍ، یا الله، یا راحِمَ کُلِّ حَزینٍ یَشْکُو بَثَّهُ وَحَزْنَهُ إِلَیْهِ، یا الله، یا خَیْرَ مَنْ طُلِبَ المَعْرُوفُ مِنْهُ وَأَسْرَ فی العطاء (وَأَسْرَعَهُ إعطاءً، یا الله خ ل)، یا مَنْ تَخافُ المَلائِکَةُ المُتَوَفِّدَهُ بِالنورِ مِنْهُ، أَسأَلُکَ بِالأَسْماءِ الَّتِی تَدْعُوا بِها حَمَلَهُ عَزْشِکَ، وَمَنْ حَوْلَ عَزْشِکَ یُسَبِّحُونَ بِها شَفَقَهُ مِنْ خَوفِ عِذابِکَ، وَبِالأَسْماءِ الَّتِی یَدْعُونَ بِها جِبْرِئیلُ وَمِکائیلُ وَإِسرافیلُ إِلَّا أَجَبْتَنی وَکَشَفْتَ یا إلهی کُرْبَتی، وَسَتَرْتَ ذُنُوبی. یا مَنْ یَأْمُرُ بِالصَّیْحَةِ فی خَلْقِهِ فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ [یُحْشَرُونَ] أَسأَلُکَ بِذَکَکَ الإِسْمِ الَّذِی تُحیی بِهِ العِظامَ وَهَی رَمیمٌ، أَنْ تُحیی قَلْبی، وَتُشْرِحَ صَدْری، وَتُصَلِّحَ شَأْنی. یا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالبَقاءِ، وَخَلَقَ لِبرِیَّتِهِ المَوتَ وَالحِیاءَ، یا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ، وَقَوْلُهُ أَمْرٌ، وَأَمْرُهُ ماضٍ عَلی ما یَشاء. أَسأَلُکَ بِالإِسْمِ الَّذِی دَعاکَ بِهِ خَلیلُکَ حینَ أَلْقَی فی النارِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَقَلْتَ «یا نارُ کونِی بَرْداً وَسَلاماً عَلی إبراهیم» وَبِالإِسْمِ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسى مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَیْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعاءُهُ. وَبِالإِسْمِ الَّذِی کَشَفْتَ بِهِ عَن أَیُوبَ الضَّرَّ، وَتَبَّتْ بِهِ عَلی داود، وَسَخَرْتَ بِهِ لِسَلیمانَ الرِّیحَ تَجْرِی بِأَمْرِهِ وَالشَّیاطینَ، وَعَلَّمْتَهُ مَنطِقَ الطَّیْرِ. وَبِالإِسْمِ الَّذِی وَهَبْتَ بِهِ لِزَکَرِیّا یَحیی، وَخَلَقْتَ عِسی مِنْ رُوحِ القُدسِ مِنْ غَیرِ أبٍ، وَبِالإِسْمِ الَّذِی خَلَقْتَ بِهِ العَرشَ وَالكُرْسِی. وَبِالإِسْمِ

الَّذِي خَلَقَ بِهِ الرُّوحَانِيَّينَ، وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ، وَبِالْإِسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَجَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْءٍ، وَبِالْإِسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ. أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَمَّا أُعْطَيْتَنِي سُؤْلِي، وَقَضَيْتَ بِهَا حَوَائِجِي. فَإِنَّهُ يُقَالُ لَكَ: يَا فَاطِمَةُ، نَعَمْ نَعَمْ.»

ب) فاطمه صغری از پدرش امام حسین علیه السلام از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند که فرمود:

پیامبر هر گاه داخل مسجد می شد می گفت: بِسْمِ اللّٰهِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِيْ وَافْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

و هنگام خارج شدن می فرمود: بِسْمِ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِيْ وَافْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ فَضْلِكَ. (۱) الْمُحَدَّثَةُ: (۲) حدیث گفته شده

محدّث کسی است که مخاطب فرشتگان قرار گرفته است. فاطمه علیها السلام محدّثه بود.

این نام نیز از وسعت آگاهی و علم حضرت زهرا علیها السلام پرده بر می دارد.

در اینکه فرشتگان با انسانهایی که به مقام پیامبری رسیدند سخن می گفتند برای کسی ابهامی نبود. اما برخی با وجود اینکه پیامبر نبودند فرشتگان با آنان سخن گفته اند.

ص: ۱۱۱

۱- (۱). امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۵، مجلس چهاردهم.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

محمد بن ابی بکر در پاسخ این سؤال که آیا فرشتگان با غیر پیامبران نیز سخن می گفتند؟ مثالهایی ذکر کرد؛ او گفت:

مریم پیامبر نبود و فرشتگان با او سخن گفتند، ساره زن ابراهیم علیه السلام پیامبر نبود، فرشتگان را دید و آنها او را به اسحاق و پس از آن به یعقوب بشارت دادند، و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم، فرشتگان با او سخن می گفتند در حالی که پیامبر نبود. (۱) امام صادق علیه السلام می فرماید:

فاطمه محدّثه نام گذاری شد. زیرا فرشتگان از آسمان فرود آمده همان گونه که مریم را صدا می زدند او را خطاب کرده و می گفتند: ای فاطمه! به درستی که خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری داد، ای فاطمه برای پروردگارت خضوع کن و او را فرمانبرداری نما و برایش سجده به جا آور و به همراه رکوع کنندگان رکوع کن. فاطمه علیها السلام با آنها و فرشتگان نیز با او سخن می گفتند. (۲) در حدیث دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از پدر هفتاد و پنج روز ماند، و در این مدت برای از دست دادن پدرش اندوه بسیاری بر او وارد شد. جبرئیل علیه السلام نزد او می آمد و او را بر سوگ پدر نیکو تسلیت می گفت و خوشنودش می ساخت و درباره پدر او

ص: ۱۱۲

۱- (۱). علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۳، ب ۱۴۶؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۵، و ص ۷۹، ح ۶۶.
۲- (۲). علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۱، ب ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۸، ح ۶۵. «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدِّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتَلْقَاهَا كَمَا تُنَادِي مَرِيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. يَا فَاطِمَةُ أُقْتِنِي لِرُبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ. فَتُحَدِّثُهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا.»

و جایگاهش خبر می داد و آنچه را پس از او در مورد فرزندانش اتفاق می افتد به او گزارش می کرد و علی علیه السلام می نوشت. (۱) سخن گفتن فرشتگان با حضرت علیها السلام در روایات دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفته است و از آنها استفاده می شود که آنچه فاطمه زهرا علیها السلام در این هنگام از جبرئیل می شنید توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام یادداشت می شد و مجموعه ای به نام مصحف فاطمه علیها السلام تدوین یافت.

مصحف فاطمه علیها السلام

مُصَحَّف و مِصْحَف، در بردارنده کاغذهای نوشته شده میان دو جلد را گویند.

صحیفه نیز تکه ای پوست یا کاغذ است که در آن نوشته شده باشد، و به همین معنا است صحیفه فاطمه علیها السلام که روایت شده طول آن هفتاد ذراع است... (۲).

مصحف فاطمه علیها السلام در

برخی روایات توصیف شده است، امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام مصحفی از خود به جا گذارده است که آن قرآن نیست، اما کلامی از سخنان خداوند است که بر فاطمه علیها السلام نازل فرمود؛ املائی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام می باشد. (۳) از امام صادق علیه السلام درباره جفر و جامعه سؤال شد؛ امام فرمود: جفر پوستی است که

ص: ۱۱۳

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱: «إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَّتَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَهْلِهَا وَكَانَ يَأْتِيهَا جِبْرَائِيلُ فَيَحْسِنُ عَزَائِمَهَا عَلَى أَهْلِهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَهْلِهَا وَمَكَانِهِ وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ».

۲- (۲). مجمع البحرين، ج ۱، ص ۱۰۱۲.

۳- (۳). بصائر الدرجات، ص ۱۵۵، ذیل ح ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۱، ح ۷۳. «وَحَلَفَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ مُصَحَّفًا، مَا هُوَ قُرْآنٌ وَلَكِنَّهُ كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ اللَّهِ أَنْزَلَ عَلَيْهَا، إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ وَخَطَّ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

مملو از دانش است و دربارهٔ جامعه فرمود: صحیفه ای است به طول هفتاد ذراع که در آن همهٔ نیازهای مردم هست. سؤال کننده سپس دربارهٔ مصحف فاطمه علیها السلام سؤال کرد، امام صادق علیه السلام مدتی طولانی ساکت شده و فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از پدر هفتاد و پنج روز زنده بود و برای از دست دادن پدر غم شدیدی بر او داخل شد، جبرئیل نزد او می آمد و سوگواری او را نیکو تسلیت می گفت و او را خوشنود ساخته و از پدر و جایگاه او گزارش می داد و آنچه پس از او در بارهٔ ذریه اش اتفاق می افتد را به او می گفت و علی علیه السلام آن را می نوشت، این مصحف فاطمه علیها السلام است. (۱) فضیل گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: فضیل! می دانی اندکی قبل چه چیزی را مطالعه می کردم. گفتم: نه. فرمود:

در کتاب فاطمه علیها السلام می نگریستم، حکمرانی در روی زمین نیست مگر نام او و نام پدرش در آن آمده است. (۲) روایاتی که دربارهٔ مصحف فاطمه علیها السلام است ظاهری متفاوت دارند، در برخی آمده است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند فرشته ای به سوی فاطمه علیها السلام فرستاد، یا جبرئیل نزد حضرتش علیها السلام می آمد و برای او حدیث می گفت. برخی دیگر دلالت دارد که این مصحف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته است. و در برخی دیگر آمده که خداوند آنرا املاء نموده و به فاطمه علیها السلام وحی کرده است. از این روایات استفاده می شود که مصحف شامل تمامی احکام شرعی از نصف تازیانه یا یک تازیانه حتی مقداری که برای خراش

ص: ۱۱۴

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۴، ح ۲۲. «إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أُهْلِهَا وَكَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا فَيُحَسِّنُ عَزَائِمَهَا عَلَى أُهْلِهَا وَيُطِيبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ أُهْلِهَا وَمَكَانِهِ وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ، فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۸.

باید پرداخت شود را دربردارد، و در آن نام تمامی مردم و موجودات از درخت و سنگ و...

آمده و اتفاقات مهم در آن ذکر گردیده است و استفاده می شود که این کتاب از مصادر علوم اهل بیت علیهم السلام است و به آن مراجعه می نمایند. (۱) مشهور آن است که مصحف از حروف نورانی اوائل سوره ها تشکیل شده که چهارده حرف است و ترکیب آن این است (صراط علیّ حقّ نمسکه) و جفر جامع از تمامی حروف الفبا تشکیل شده است، و هر دو موجودند و اهل بیت از آن آگاهند. (۲) از القاب دیگری که پرده از وسعت آگاهی فاطمه علیها السلام بر می دارد ممتحنه یعنی آزموده شده است که در اولین بخش گذشت، و یکی از احتمالات درباره ممتحنه کنایه از دانش بود.

عصمت آن حضرت علیها السلام نیز که درباره آن سخن گفته شد بر وسعت آگاهی آن حضرت علیها السلام دلالت دارد. او معصومه است و عصمت زائیده علم است، زیرا سبب افتادن در خطا جهل و نادانی است، و فاطمه علیها السلام بریده از جهل و نادانی است علاوه بر آن، جهل نقیصه و نوعی پلیدی است و حضرت فاطمه علیها السلام از تمامی آلودگی ها پاکیزه است که احادیث درباره پاکی آن حضرت گذشت.

لوح حضرت فاطمه علیها السلام

□
امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من از تو سؤال دارم، چه وقت می توانم تو را تنها ملاقات نمایم؟ جابر گفت: هر وقت بخواهید، روزی مقرر شد. امام باقر علیه السلام فرمود: جابر! درباره لوحی که در دست مادرم فاطمه، دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، مشاهده کردی و مطالبی که در آن لوح نوشته شده بود و حضرت

ص: ۱۱۵

۱- (۱). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۱۷۶.

۲- (۲). روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۴۲.

به تو خیر داد، برایم بگو! جابر گفت:

خدا را شاهد می گیرم در زمان حیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تبریک ولادت حسین علیه السلام به ملاقات مادرت فاطمه علیها السلام رفتم، در دست او لوحی سبز رنگ مشاهده کردم، پنداشتم از زمرد است، نوشته ای سفید شبیه به نور خورشید در آن دیدم.

گفتم: پدر و مادرم فدایت! این لوح چیست؟

فرمود: این لوح را خدای عزّوجلّ به پیامبرش هدیه نموده است و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و نام اوصیاء از فرزندان من نوشته شده است، پدرم آنرا به من داد تا مرا شاد نماید.

جابر به امام باقر علیه السلام گفت: مادرت فاطمه علیها السلام آنرا به من داد و من خواندم و از روی آن می نوشتم.

امام صادق علیه السلام فرمود: جابر کاغذی از پوست نازک به پدرم داد.

پدرم فرمود: جابر! در نوشته خود بنگر تا من بر تو بخوانم.

او در نسخه خود نگاه کرد و پدرم برای او خواند، به خدا قسم حرفی با حرف دیگر تفاوت نداشت.

متن لوح و ترجمه آن در قسمت ضمائم آورده شده است.

محدّثه نیز به کسر دال، مؤنث محدّث، می تواند به حدیث گفتن و روایت سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی فاطمه زهرا علیها السلام اشاره داشته باشد و همان گونه که ذکر شد این روایت ها اندک نیست. هم چنین می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که آن حضرت علیها السلام پیش از تولد با مادر خویش سخن می گفت و در ذیل واژه ممتحنه گذشت.

در پایان، به مناسبت، سه کنیه برگرفته از غیر زیارات ذکر می شود:

[ام العلوم]: (۱) مادر دانش ها

این کنیه نشان از بسیاری دانش های او و احاطه کامل و تبخر تام در علوم نقلی و عقلی دارد به گونه ای که همگان از گنجینه دانش او جرعه ای نوشیده اند.

در بیان صفت علیمه و دیگر اسماء و صفات حضرت که دال بر دانش او علیها السلام است توضیحاتی گذشت.

[ام الفضائل]: (۲) مادر فضائل

این کنیه معنای وسیع تری از کنیه پیشین دارد، علم و دانش حضرتش علیها السلام یکی از فضائل است و به فضیلت و برتریهای دیگرش که به شمار نیاید با این کنیه اشاره گردیده است. که پیشتر نیز به آن اشاره شد.

[ام الكتاب]: (۳) مادر کتاب [قرآن]

این نام از نامهای سوره مبارکه فاتحه است. سوره فاتحه در بردارنده توحید، مبدأ و معاد و قضا و قدر است، و اصل قرآن و تمامی کتب آسمانی است و با شرافت ترین سوره های قرآن است. فاطمه علیها السلام نیز از همه بافضیلت تر و با شرافت تر و او در بردارنده همه علوم و معارف است و به این جهت ام الكتاب کنیه گذاری شده است.

ص: ۱۱۷

۱- (۱). الخصائص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۱۲۲.

وابستگی فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علاقه بسیار شدیدی به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام داشت و این علاقه بیش از علاقه یک پدر به فرزند بود، و سبب آن نیز شخصیت حضرت زهرا علیها السلام بود که وجود تکوینی او یک وجود بهشتی و دارای مقام و منزلت ویژه نزد خدای متعال بود، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار سفارش فاطمه علیها السلام را نموده و در برابر دیدگان افراد، احترام هایی کرد که از یک پدر در برابر دخترش معمول نبود. در برابر او بر می خواست، او را به جای خویش می نشانند و سینه او را می بویید و می بوسید و می فرمود من هرگاه به بوی بهشت مشتاق می شوم دخترم فاطمه علیها السلام را می بویم. (۱) در زیارات معصومین علیهم السلام تعبیری به این وابستگی و علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام اشاره دارد:

الْبَضْعَةُ التَّبَوِيَّةُ: (۲) پاره ای از پیامبری

بَضْعَةٌ مِنْهُ: (۳) پاره ای از او (پیامبر صلی الله علیه و آله)

بَضْعَةٌ لَحْمِهِ: (۴) قطعه ای از گوشت او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

بضعه به معنی پاره ای از یک چیز است و کنایه از شدت قرابت و نزدیک بودن به شخص است به گونه ای که گویا فرد جزئی از شخص دیگر است. احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فاطمه علیها السلام را پاره تن خویش خوانده است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدران خود از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند:

نابینایی از فاطمه علیها السلام اجازه خواست، حضرتش علیها السلام خود را از او پوشانید

ص: ۱۱۸

-
- ۱- (۱). علل الشرایع، ص ۱۸۳، ذیل ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵، ح ۵.
 - ۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲. «البضعة من اللحم وغيره: القطعه. ويقال هو بضعة مني: هو في قرابته كالجزء مني». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۶۰).
 - ۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.
 - ۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۵، ص ۷۹.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او که تو را نمی بیند چرا خود را از او پوشانیدی؟ فاطمه علیها السلام گفت: اگر مرا نمی بیند، من او را می بینم و او بو را استشمام می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي**؛ شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی. (۱) تعابیر دیگری مانند «أَنْتَ مِنِّي یا فاطمه (۲)؛ ای فاطمه تو از من هستی» یا تعبیر «شجنه مِنِّي» (۳) و یا «شَعْرَةٌ مِنِّي» (۴) نیز نقل شده است. جابر گوید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فاطمه علیها السلام مویی از من است و هر کس مویی از من را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده و هر کس خدا را بیازارد خداوند او را به اندازه همه آسمانها و زمین لعنت کند. (۵) هم چنین ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد:

فاطمه علیها السلام بخشی از من است. آنچه او را بیازارد سبب آزار من و هر چه او را خوشنود سازد باعث خوشنودی من است و خدای متعال به سبب خشم فاطمه علیها السلام به خشم می آید و به خوشنودی او خوشنود می شود. (۶)

ص: ۱۱۹

۱- (۱). العدد القویه ، ص ۲۲۴، ح ۱۶؛ بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۹۱ ، ح ۱۶ ، و ص ۲۳ ، ح ۱۷ . « سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم يَقُولُ: فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ » .

۲- (۲). امالی صدوق : ص ۳۷۷ ، ح ۷ ، مجلس ۷۱؛ بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۲ ، ح ۱۵ .

۳- (۳). معانی الاخبار ، ص ۳۰۳ .

۴- (۴). روضه الواعظین ، ص ۲۷۳ .

۵- (۵). بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۵۴ . « إِنَّ فَاطِمَةَ شَعْرَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَدَى شَعْرَةَ مِنِّي فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ أَدَلَّنِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مَلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ » .

۶- (۶). معانی الاخبار ، ص ۳۰۳ ، ح ۲ ؛ بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۲۶ ، ح ۲۶ ، و ص ۵۴ . « إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَيَسِيرُنِي مَا سَرَّهَا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُغْضِبَ لِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا » . شجنه به معنای شعبه و بخشی از یک شیء است و معنایی شبیه بضعه دارد.

رُوحُهُ: (۱) روح او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

روح پیامبر، تعبیر دیگری است که نشان از شدت وابستگی و نزدیکی بودن فاطمه زهرا علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد، به گونه ای که فاطمه علیها السلام، جان و روح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست فاطمه علیها السلام را گرفته بود بیرون آمد و فرمود:

هر کس این شخص را می شناسد، که می شناسد، و هر کس نمی شناسد، او فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، او پاره تن من است و او قلب من و روح من که در میان دو پهلویم قرار گرفته می باشد، هر کس او را اذیت کند مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است. (۲) سَلِيلَةُ الْمُصْطَفَى: (۳) زاده برگزیده خدا

پسر را سلیل و دختر را سلیله گویند. سلّ به معنای خارج ساختن چیزی با آرامی و نرمی است. فرزند نیز به همین شکل بخشی از شخص است که از او جدا شده است.

واژه سلسله نیز در بردارنده همین مفهوم یعنی کشش و ادامه داشتن است. فاطمه زهرا علیها السلام بخشی از پیامبر و امتداد حضرت صلی الله علیه و آله و سلم است و همان طور که تعابیر دیگر اشاره دارد او جان، روح، قلب و پاره ای از گوشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در این تعبیر لطیف، ادامه نبوت، و انجام وظائف رسالت به وسیله امامان علیهم السلام که فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام می باشند نهفته است.

ص: ۱۲۰

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶. «الروح بالضم: ما به حياه الأنفس». (اقرب الموارد، ج ۱، ص ۴۴۳).

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۰. «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَهِيَ بِضَعَةٌ مِنِّي وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ».

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲. « سَلَّ الشَّيْءُ مِنَ الشَّيْءِ: انْتَزَعَهُ وَاخْرَجَهُ بِرَفْقٍ ». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۴۴۷).

فَلْدَةٌ كَبِدِهِ: (۱) پاره جگر او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

فَلْدَةٌ بمعنی تکه ای از کبد (جگر) یا گوشت است. برای قطعه طلا و نقره نیز به کار برده می شود، افلاذ الاکباد تعبیری کنایه ای است که در مورد فرزندان استفاده می شود و نشان دهنده وابستگی و شدت محبت است. با این خطاب، زائر مانند تعبیرهای گذشته، شدت بستگی و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا علیهما السلام را یادآور می شود.

صَمِيمٌ قَلْبِهِ: (۲) میانه قلب او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

صمیم هر چیز، مغز آن است و آنچه هیچ ناخالصی در آن نباشد. درباره میانه قلب نیز بکار می رود. در میان اعضای بدن، صمیم به استخوانی گویند که آن عضو را سرپا نگه می دارد.

فاطمه زهرا علیها السلام میان دل و قلب پیامبر جا داشت و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی بود که آن حضرت را تقویت می نمود، این تعبیر نیز نمایان گر شدت علاقه و وابستگی حضرتش علیها السلام به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وابستگی پیامبر به فاطمه علیها السلام می باشد.

النُّخْبَةُ مِنْكَ لَهُ: (۳) برگزیده از سوی تو (خدا) برای او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

نخبه به معنای برگزیده است. زیارت به این نکته اشاره دارد که حضرتش برگزیده ای است از سوی خداوند که برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نظر گرفته شده است. این تعبیر علاوه بر وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله به مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام نزد خداوند نیز اشاره دارد.

ص: ۱۲۱

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۵، ص ۷۹. «الفَلْدَةُ: القطعه من الكبِد و اللحم و الذهب و الفضة». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۷۰۷).

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۸۷. «الصمِيم من كلِّ شيء: المحض الخالص في الخير والشر ومن القلب ونحوه: وسطه و صميم العضو: عظمه الذي به قوامه». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۵۲۶).

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۸۷. «النخبة: المختار من كلِّ شيء يقال: جاء في نخبة أصحابه: خيارهم». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۹۱۵).

عَزِيزَةٌ: (۱) عزیز و ارجمند او [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم]

عزیز به معنای توانا و نیرومند، دوست داشتنی، کمیاب، شریف، ارجمند و بزرگواری می آید. عزیز از اسماء خدای متعالی است و در قرآن در موارد متعدد بکار رفته است. (۲) عزیز درباره خداوند به معنای چیره ای است که کسی بر او پیروز نمی گردد.

تعبیر عزیزته در مورد حضرت فاطمه علیها السلام به ارجمندی و بزرگواری او نزد پدر و مورد محبت پیامبر بودن اشاره دارد. احادیث درباره ارجمندی فاطمه علیها السلام نزد پدر و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او، از شیعه و سنی فراوان است.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی خوابید تا پهنای گونه فاطمه را ببوسد و سر خود را بر سینه او گذارد و برای فاطمه دعا کند. (۳) حَبِيبَةُ الْمُصْطَفَى: (۴) بسیار مورد محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

حَبِيبُهُ حَبِيبِكَ وَنَيْبِكَ: (۵) حبیب محبوب تو و پیامبرت

حَبِيبَتُهُ: (۶) محبوب او

واژه حبیب، برای نشان دادن شدت محبت نسبت به دیگری است. و برای معشوق، یار، دلارام و... بکار می رود. این واژه نیز از شدت علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام حکایت می کند.

ص: ۱۲۲

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵ ، ص ۷۹ . « عَزَّ فُلَانٌ : قَوِيٌّ وَبَرِيءٌ مِنْ الذَّلِّ . عزیز: من أسماء الله تعالی ومعناه الغالب الذي لا يقهره شيء .» (المعجم الوسيط ، ج ۲ ، ص ۶۰۴) .

۲- (۲) . انفال: ۱۰: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» .

۳- (۳) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۵۵ . «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَتَأَمَّرُ حَتَّى يُقْبَلَ عَرَضَ وَجْهِ فَاطِمَةَ وَيَضَعُ وَجْهَهُ بَيْنَ ثَدْيِي فَاطِمَةَ وَيَدْعُو لَهَا» .

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱ ، ص ۲۸۷ .

۵- (۵) . همان، ج ۱ ، ص ۲۹۱؛ ج ۵ ، ص ۱۴۵ .

۶- (۶) . همان، ج ۵ ، ص ۷۹ .

مجلسی رحمه الله دو معنی مَحَبَّت و هم محبوب را در ترجمه این واژه صحیح دانسته است. (۱) احادیث بسیاری که برخی گذشت، بر این محبت و ارجمندی فاطمه زهرا نزد پیامبر اشاره دارد.

از عایشه سؤال شد: چرا بر علیه علی علیه السلام شورش کردی؟ او گفت:

ما را به حال خود بگذار! به خدا قسم، میان مردان هیچ یک از علی علیه السلام پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست داشتنی تر نبود و از میان زنان نیز کسی محبوب تر از فاطمه علیها السلام نبود. (۲) در جامع ترمذی نیز از قول بریده نقل می کند:

محبوب ترین زنان پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه و از مردان علی علیه السلام بود. (۳) این محبت آنچنان شدید بود که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه می خواست مسافرت رود، آخرین کسی که دیدار می کرد فاطمه علیها السلام بود و وقتی باز می گشت، اولین شخص که دیدار می کرد فاطمه علیها السلام بود. (۴)

ص: ۱۲۳

۱- (۱). روضه المتقین، ج ۵، ص ۳۴۴.

۲- (۲). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۱ به نقل از جامع ترمذی ج ۵، ص ۷۰۱، رقم ۳۸۷۴ و ابانہ العکبری و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۸. «فَوَاللَّهِ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ مِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَأَمِنَ النِّسَاءِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.»

۳- (۳). همان، ج ۳، ص ۳۳۱ به نقل از جامع ترمذی ج ۵، ص ۶۹۸، رقم ۳۸۶۸ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۸. «كَانَ أَحَبُّ النِّسَاءِ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَاطِمَةَ وَ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

۴- (۴). همان، ج ۳، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۰. «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِذَا أَرَادَ سَيْفَرًا كَانَ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَإِذَا قَدِمَ كَانَ أَوَّلَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.»

درباره بزرگداشت فاطمه زهرا علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عایشه می گوید:

فاطمه علیها السلام هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای او از جای خویش بر می خواست و سر او را می بوسید و او را جای خویش می نشاند و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه علیها السلام می رفت فاطمه علیها السلام به استقبال او می رفت و یکدیگر را می بوسیدند و با هم می نشستند. (۱) اگر فاطمه علیها السلام نزد خدای متعالی برتری بزرگی نداشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این گونه با او رفتار نمی کرد، زیرا فاطمه علیها السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و خداوند دستور داده که فرزند پدرش را بزرگ دارد و شایسته نیست بر خلاف آنچه خدا به امت خود دستور داده است پیامبر با او این گونه رفتار نماید.

فاطمه علیها السلام فرمود: هنگامی که آیه «لَاتَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (۲) نازل شد، هیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانع شد که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگویم: ای پدر، صدا می زدم یا رسول الله! حضرت یک بار و دو بار، یا سه بار از من روی برگرداند. سپس به من فرمود:

فاطمه! این آیه درباره تو و اهل بیت تو و نسل تو نازل نشده است. تو از منی و من از توام. بلکه درباره جفاکاران، افراد خشن قریش و متکبران نازل شده است. به من بگو ای پدر، که این سخن دل را زنده تر و پروردگار را خوشنود می سازد. (۳)

ص: ۱۲۴

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۰. «إِنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبْلَ رَأْسِهَا وَأَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ وَإِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقَيْتُهُ وَقَبَّلَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَجَلَسَا مَعًا».

۲- (۲). نور: ۶۳. «پیامبر را مانند صدا کردن یکدیگر صدا نزنید».

۳- (۳). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳ ح ۳۳. «قُولِي: يَا أَبَه فَايْتَهُمَا أَحْيِي لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ».

یکی از کنیه های معروف برای حضرت زهرا علیها السلام أم اییها است، اگرچه در زیارات ذکر نشده، اما به مناسبت در این بخش به آن اشاره می شود از امام باقر علیه السلام نقل شد که فرمود:

فاطمه علیها السلام با کنیه ام اییها مورد خطاب قرار می گرفت. (۲) أم یعنی مادر و اصل هر چیز و رئیس گروه. ام اییها از کنیه های ویژه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و کنیه ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام داده اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را با کنیه ام اییها می خواند. (۳) در اینکه چرا فاطمه زهرا علیها السلام با کنیه «أم اییها» خوانده می شده، وجوهی ذکر شده است: (۴) الف) فاطمه زهرا علیها السلام میوه درخت نبوت و حاصل عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و صدف دُرهای عصمت و کسی است که آسمان و زمین به سبب او استقرار یافته است. در میان فرزندان که برای پدر و مادر اهمیت دارد فاطمه از میان دختران پیامبر صلی الله علیه و آله اصل کلی است و فرزندان پیامبر از او می باشند.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه روح من و خون قلبم می باشد. فاطمه از من و من از اویم پس او منبع اسرار پیامبری است و حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

(ب) فاطمه زهرا علیها السلام هشت سال در مکه و ده سال در مدینه، همراه و در خدمت

ص: ۱۲۵

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۱ ، ص ۱۶۲ . «أمه: قصده... وأمّ کلّ شیء أصله وعماده، وللقوم: رئیسهم ومن القرآن الفاتحه... وأمّ القرى: مکه لانّها توسّطت الأرض فیما زعموا...» . (القاموس المحیط ، ج ۴ ، ص ۱۰۳) .

۲- (۲) . بحار الانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۹ ، ح ۱۹ . «روی فی مقاتل الطالبیین یاسناده إلى جعفر بن محمد عن أبیه علیهما السلام : أنّ فاطمه علیها السلام کانت تُکنّی ام اییها» .

۳- (۳) . کشف الغمّه ، ج ۲ ، ص ۸۸ . « أنّ النّبی صلی الله علیه و آله کان یکنّیها بأمّ اییها » .

۴- (۴) . در برخی از وجوه ذکر شده، از کتاب الخصائص الفاطمیه استفاده شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و این در زمانی بود که فشارهای زیادی از سوی دشمنان بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد و فاطمه علیها السلام همراه پیامبر صلی الله علیه و آله این مصائب را تحمل می نمود برای همین به مادر تشبیه شده است.

ج) پس از نزول آیه: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (۱) و افتخار زنان پیامبر به کنیه ام المؤمنین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای نشان دادن برتری و شرافت فاطمه زهرا علیها السلام بر آنان، فاطمه علیها السلام را به این کنیه خطاب نمود.

الدَّرَّةُ الْأَحْمَدِيَّةُ: (۲) مروارید احمدی

دُرّ، مروارید بزرگ را گویند، در مقابل به خاک مروارید مرجان می گویند، برخی مروارید را از بقیه جواهرات فاخرتر دانسته اند این واژه در مورد گرانقدری و عزیزی و دُردانگی به کار می رود، به دختر یا دختر یک دانه نیز گفته می شود.

در این تعبیر حضرتش علیها السلام به مروارید بزرگ احمدی خطاب شده است، فاطمه زهرا علیها السلام دختر دُر دانه نبوت و برای پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار عزیز و گرانمایه بود، همان گونه که دُرّ برای صاحبش عزیز و گران قدر است. علاوه بر آن فاطمه علیها السلام نگین خاتم نبوت و دارای درخشش بسیار بود و در همه حالات جلوه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یادآور حضرتش بود. جابر گوید:

هرگاه فاطمه علیها السلام راه می رفت یاد پیامبر می افتادم. (۳) وَاِرْتُهُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ: (۴) وارث بهترین پیامبران

وَاِرْتُهُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ: (۵) وارث سرور پیامبران

ص: ۱۲۶

۱- (۱). احزاب: ۶.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳- (۳). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۷؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۸۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳. «مَا رَأَيْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ تَمَلَّقِي إِلَّا ذَكَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ».

۴- (۴). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۶۷.

۵- (۵). همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

این واژه نیز نزدیک بودن و علاقه و وابستگی حضرتش علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به ارث بردن دارایی و خصلت های ظاهری و معنوی فاطمه زهرا علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می نماید.

بدیهی است در این تعبیرها، تنها وراثت از نظر اموال و دارایی مورد نظر نیست بلکه وراثت در اخلاق، منش، هدایت گری و ملکات فاضله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز شامل است. همان گونه که در تعبیر سابق گذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را پاره ای از گوشت، و روح، و قلب خود خواندند و این خود نشان از به ارث بردن ملکات و صفات محمدی صلی الله علیه و آله از سوی فاطمه زهرا علیها السلام دارد، اگرچه در وراثت ظاهری نیز فاطمه زهرا علیها السلام بر همه تقدم داشت.

بزل هروی از حسین بن روح سوال کرد؛ دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چند نفر بودند؟ گفت چهار نفر. پرسید: کدامیک برتر بودند؟ پاسخ داد: فاطمه. سؤال کرد: با اینکه سن او از همه کمتر بود. و مدت زمان کمتری با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود چرا برتری داشت؟ گفت:

به دو ویژگی که خداوند او را به دو ممتاز نموده بود؛ او از پیامبر ارث می برد، و دیگر اینکه نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از او بود، و این ویژگی را خداوند فقط به سبب اخلاص برتر فاطمه علیها السلام، که در نیت از او سراغ داشت به او عنایت کرد. (۱) این تعبیر هم چنین به ادعای باطل عده ای که برای رسیدن به هدفهای شوم خود حدیثی جعلی، مبنی بر ارث نگذاشتن پیامبران منتشر نمودند، اشاره دارد. فاطمه زهرا علیها السلام در رد این ادعا در خطبه فدکیه فرمود: شما پنداشته اید من ارث نمی برم؟ (۲) در این باره توضیح خواهد آمد.

ص: ۱۲۷

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۷.

۲- (۲). « ثُمَّ أَنْتُمْ أَوْلَاءِ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لِي؟ ».

بخش چهارم: مسؤلیت پذیری

اشاره

ص: ۱۲۹

فعالتهای اجتماعی

در میان اوصاف حضرت زهرا علیها السلام صفاتی هست که به بعضی از فعالیت های اجتماعی حضرت علیها السلام اشاره دارد.

فاطمه زهرا علیها السلام با فراوانی کارهای منزل و عمر بسیار کوتاه، مسئولیت برخی از کارهای اجتماعی در مورد زنان و گاه غیر زنان را نیز بر عهده می گرفت، گواه این سخن سؤالهای معارفی از محضر آن حضرت و پاسخ آنهاست. از آن جمله نقل شده است که خانمی از آن حضرت درباره مسائل شرعی سؤال می کند، و این خود نشان از معمول بودن اینگونه شرفیابی و سؤال از حضرتش دارد. اگرچه این ماجراها در تاریخ کمتر نقل شده یا به دست ما نرسیده است.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

خانمی به فاطمه زهرا علیها السلام گفت: من مادری ناتوان دارم و در مورد نمازش چیزی بر او اشتباه شده است، مرا فرستاد تا از شما سؤال کنم، فاطمه زهرا علیها السلام به او پاسخ داد. آن زن بار دیگر سؤال پرسید حضرت جواب داد. برای بار سوم پرسش کرد تا ده بار و حضرت جواب داد. آن زن از زیادی سؤالها شرمگین شد و گفت: دختر رسول خدا! دیگر زحمت نمی دهم. فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: از آنچه می خواهی سؤال کن، آیا کسی که برای حمل بار

سنگینی به پشت بام اجیر شود و اجرت او یک روز صد هزار دینار باشد برای او سخت است؟ گفت: نه.

فرمود: من برای هر سؤال به مقداری بیش از آنچه میان خاک تا عرش لبریز از لؤلؤ باشد اجیر شده ام پس بر من سنگینی نکند شایسته تر است. از پدرم شنیدم می فرمود: همانا علماء شیعیان ما برانگیخته می شوند و بر آنان از جامه های بزرگواری، به اندازه زیادی دانش، و کوشش آنها در ارشاد بندگان خدا هدیه داده می شود، به گونه ای که بر هر یک از آنان هزار هزار حُلْمَه نور خلعت می دهند، سپس منادی پروردگار عزّ و جلّ صدا می زند: ای سرپرستان ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله و تقویت کنندگان آنان هنگام جدا شدن از پدرانشان؛ اینان شاگردان شما و یتیمانی که از پدران خود یعنی ائمه جدا شده اند هستند و شما آنها را سرپرستی کردید و نیرو دادید، خلعتهای دانش در دنیا را به آنان هدیه دهید. پس بر هر کدام از این یتیمان به اندازه دانشی که از علماء برگرفته اند خلعت داده می شود به گونه ای که در میان ایتم برخی صد هزار حله خلعت داده می شود و هم چنین این یتیمان به کسانی دیگر که از ایشان آموخته اند خلعت می دهند. سپس خدای متعالی می فرماید: بر علماء و سرپرستان یتیمان دو باره خلعت دهید تا خلعتهای آنان کامل شود و چند برابر آنان بدهید. و همین گونه اند کسانی که در رتبهٔ پس از آنان قرار دارند. (۱)

ص: ۱۳۲

۱- (۱). تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ص ۳۴۰، ح ۲۱۶؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۳. «قال أبو محمد العسکری علیه السلام حَضَرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصَّدِيقِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: إِنَّ لِي وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَقَدْ لَبَسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَلَاتِهَا شَيْءٌ وَقَدْ بَعَثَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَأَجَابْتَهَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ فَسَنَّتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ تَلَّتْ إِلَى أَنْ عَشَرَتْ فَأَجَابَتْ ثُمَّ حَجَلَتْ مِنَ الْكَثْرَةِ فَقَالَتْ لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَهُ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَتْ فَاطِمَةُ: هَاتِي وَسِيلِي عَمَّا يَبْدَأُ لَكَ أُرَايْتُ مَنْ أَكْثَرَى يَوْمًا يَصْعَدُ إِلَى سَطْحِ بَحْمِيلٍ ثَقِيلٍ وَكَرَاوَهٍ مِائَةِ أَلْفِ دِينَارٍ أَيْثَقُلَ عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: لَا فَقَالَتْ: أَكْثَرَيْتُ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرٍ مِنْ مِائَةِ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا، فَأَحْرَى أَنْ لَا يَثْقُلَ عَلَيَّ، سَمِعْتُ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ عُلَمَاءَ شِيعَتِنَا يُحَسِّرُونَ فَيُخْلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خُلَعِ الْكَرَامَاتِ عَلَيَّ قَدْرَ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ وَحِدَّتِهِمْ فِي إِرْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ حَتَّى يَخْلَعَ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفَ خُلَعَةٍ (خلعه خ ل) حُلَّةً مِنْ نُورٍ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادِي رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ أَيُّهَا الْكَافِلُونَ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ النَّاعِشُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمُ الَّذِينَ هُمْ أَيْمَنُهُمْ، هَؤُلَاءِ تَلَامِيذُكُمْ وَالْأَيْتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَنَعَشْتُمُوهُمْ فَاخْلَعُوا عَلَيْهِمْ خُلَعِ الْعُلُومِ فِي الدُّنْيَا فَيَخْلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلَادِكُمُ الْأَيْتَامِ عَلَيَّ قَدْرَ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنَ الْعُلُومِ حَتَّى إِنَّ فِيهِمْ - يَعْنِي فِي الْأَيْتَامِ - لَمَنْ يَخْلَعُ عَلَيْهِ مِائَةَ أَلْفِ خُلَعَةٍ وَكَذَلِكَ يَخْلَعُ هَؤُلَاءِ الْأَيْتَامِ عَلَيَّ مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُمْ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: أَعِيدُوا عَلَيَّ هَؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ الْكَافِلِينَ لِلْأَيْتَامِ حَتَّى تَتَّمُوا لَهُمْ خُلَعَهُمْ وَتَضَعُوا عَنْهُمْ فَيْتَمُّ لَهُمْ مَا كَانَ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلَعُوا عَلَيْهِمْ وَيُضَاعَفُ لَهُمْ وَكَذَلِكَ مَنْ يَلِيهِمْ مِمَّنْ خَلَعَ عَلَيَّ مَنْ يَلِيهِمْ...».

مبارزه با ستمگران و ایستادگی در برابر آنان در دفاع از ولایت، هم چنین سخنرانی در مسجد مدینه، آن هنگام که همه را خاموش دید، از فعالیت های اجتماعی آن حضرت به شمار می رود.

علاوه بر آن، ایستادگی در برابر غضب فدک و دفاع از حق خود، از موارد بارز فعالیت های اجتماعی آن حضرت است که در کتب روایی و سیره و تاریخ نقل شده است. رسیدگی به فقرا، و انفاق در راه خداوند که به برخی از آنها اشاره شد.

پرداخت مازاد عوائد فدک را می توان از دیگر مصادیق فعالیت های اجتماعی آن حضرت علیها السلام برشمرد.

مُرَبِّیَةُ الْأَيْتَامِ: (۱) پرستار یتیمان

این تعبیر نیز که به فعالیت های اجتماعی حضرت علیها السلام مربوط می شود، به مراقبت از یتیمان اشاره دارد در قرآن کریم نمونه ای از آن ذکر شده است. فاطمه زهرا علیها السلام یکی از پنج نفری است که سوره دهر درباره آنان نازل شد. «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَيَّ حُبِّهِ مَشْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (۲).

علمای شیعه و سنی روایت کرده اند؛ آیات سوره دهر از إِنَّ الْأَبْرَارَ تَاشْكُرُوا رَبَّكَ

ص: ۱۳۳

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۳.

۲- (۲) . دهر: ۸.

علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و خدمتکار آنان بنام فضّه نازل شد. (۱) برای بیماری امام حسن و امام حسین علیهما السلام، امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه نذر کردند سه روز روزه بگیرند. هنگام ادای نذر، شب اول به وقت افطار مسکین و شب دوم یتیمی و شب سوم اسیری در خانه را زدند و اهل منزل هر سه شب با دادن افطاری خود که قرص نانی بود، تنها با آب افطار نمودند و پس از آن این بخش از آیات سوره دهر نازل شد.

مبارزه با ستمگران

اشاره

خَصِيْمَةُ الْفَجْرَةِ: (۲) دشمن نابکاران

وصف دیگری که به فعالیتهای اجتماعی حضرتش علیها السلام اشاره دارد خصیمة الفجره یعنی دشمن نابکاران است.

از امیر مؤمنان علیه السلام درباره سبب دفن شبانه فاطمه علیها السلام سؤال شد حضرت علیه السلام فرمود: او بر عده ای که نمی خواست بر جنازه اش حاضر شوند خشمگین بود، بر پیروان آن عده نیز حرام است بر یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام نماز گزارند. (۳) درباره دفن شبانه فاطمه زهرا علیها السلام مجلسی رحمه الله می آورد؛ شیعه و سنی به تواتر نقل کرده اند که فاطمه علیها السلام چون بر ابوبکر و عمر خشمگین بود وصیت نمود شبانه دفن شود مبادا آن دو بر او حاضر شوند و بر او نماز گزارند. (۴)

ص: ۱۳۴

۱- (۱). مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۲۳۲.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲. « الفاجر: الفاسق غیر المکترث. يقال: یمین فاجرہ ای کاذبه ». (المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۶۸۱).

۳- (۳). مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۶۳؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۲۳.

۴- (۴). علل الشرایع، ص ۱۸۵، ح ۱ و ۲؛ مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۲۱.

در صحیح بخاری که از کتب حدیثی معتبر نزد اهل سنت است نیز آمده است:

فاطمه علیها السلام دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ابوبکر خشمناک شد پس با او ترک سخن کرد و تا وقت وفات با او سخن نگفت. (۱) الْمَغْتَضِبَةُ حَقَّهَا (۲) الْمَغْضُوبَةُ حَقَّهَا: (۳) حَقَّشْ غَضِبَ شَدَّةً

این دو تعبیر به غضب شدن حق حضرت زهرا علیها السلام (فدک) به وسیله زورمداران اشاره دارد. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غاصبین مقام اهل بیت علیهم السلام در توطئه ای حساب شده، فدک که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام بخشیده شده بود را غضب کردند. این امر سبب حرکت حضرت زهرا علیها السلام برای احقاق حق خود شد.

درباره فدک

فدک مکانی در حجاز است که فاصله آن تا مدینه به اندازه دو یا سه روز پیاده روی است. خداوند آن سرزمین را که دارای چشمه های پر آب و درختان نخل بسیاری بود در سال هفتم هجری با صلح و آرامش عاید پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم گردانید.

ماجرا از این قرار بود که هنگام فتح قلعه های خیبر، پیامبر سه روز آنها را در محاصره داشت و به آنها سخت گرفت. یهود خیبر کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روانه کردند و درخواست نمودند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را بیرون آورد تا در عوض آنها نیز محل خود را ترک کنند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفت و همین کار انجام شد. این خبر به گوش اهل فدک که با

ص: ۱۳۵

۱- (۱). صحیح بخاری، ج ۴، ص ۹۶، باب فرض الخمس؛ ج ۸، ص ۱۸۵؛ فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۵۶؛ الحجه الغراء علی شهادة الزهراء، ص ۷۳. «فَعَضَّةُ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوَفِّيَتْ».

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

خیبری ها ارتباط داشتند رسید. آنان نیز که ترسیده بودند، کسی را نزد پیامبر فرستاده و از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خواستند با آنان مصالحه کند، به این ترتیب که نصف میوه ها و اموال آنان از آن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و در برابر این کار، خود آنها آزاد شوند حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نیز قبول فرمود. این غنیمتی بود که بدون لشکرکشی و جنگ بدست آمده بود و به دستور قرآن این گونه غنیمت که بدون لشکرکشی بدست آید مخصوص شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱) «و آنچه را خداوند از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید، اسب یا شتری بر آن نتاختید، ولی خدا فرستگانش را بر هر که بخواهد چیره می گرداند و خدا بر هر کاری تواناست، آنچه خدا از ساکنان قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است». (۲) شیعه و سنی هم سخند که فدک بدون هیچگونه لشکرکشی بدست پیامبر افتاد. ابی سعید خدری درباره آیه: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ» (۳) گفت:

هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را خواست و فدک را به او داد. (۴)

ص: ۱۳۶

-
- ۱- (۱). معجم البلدان ، ج ۴، ص ۲۳۸. «فَدَكَ بِالْتَحْرِيكِ، فَدَكْتُ الْقَطْنَ تَفْدِيكًا إِذَا نَفَشْتَهُ».
- ۲- (۲). حشر: ۶ و ۷: «وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...».
- ۳- (۳). اسراء: ۲۶؛ روم: ۳۸. «پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده».
- ۴- (۴). الدر المنثور ، ج ۴، ص ۳۲۰. «عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: لَمَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ فَأَعْطَاهَا فَدَكَ».

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که آیه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای جبرئیل! مسکین را شناختم، خویشاوند کیست؟ گفت: نزدیکانت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را صدا زد و فرمود: پروردگارم به من دستور داده که از آنچه عاید من کرده است به شما بدهم، و فرمود: من فدک را به شما دادم. (۱) به دنبال سقیفه اساس بسیاری از کجرویها به صورت رسمی در میان مسلمانان گذارده شد. باید اشاره کرد بنیان گذاران سقیفه یکی از موانع بزرگ در راه شومی که برگزیدند را خطر تهدید حکومت خود به وسیله فدک می دیدند، زیرا فدک با عایدات فراوانش پشتوانه نیرومند اقتصادی برای اهل بیت علیهم السلام بود. (۲) ابوبکر کارگزاران فاطمه زهرا علیها السلام را از فدک اخراج نمود و دستور داد درآمد آن به سود بیت المال ضبط شود. (۳) به این موضوع با تعبیری دیگری نیز در زیارات اشاره شده است. مانند:

المَغْضُوبَةُ: (۴) غصب شده [حش]]

المَمْنُوعَةُ حَقَّهَا: (۵) از حش بازداشته شده

ص: ۱۳۷

۱- (۱). تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۴۶؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۱۵؛ صافی، ج ۱، ص ۹۶۵. «لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا جِبْرَائِيلُ قَدْ عَرَفْتُ الْمَسْكِينِ فَمَنْ ذَوَى الْقُرْبَىٰ؟ قَالَ: هُم أَقَارِبُكَ. فَدَعَا حَسَنًا وَحُسَيْنًا وَفَاطِمَةَ فَقَالَ: إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أُعْطِيَكُمْ مِمَّا آفَاءَ عَلَيَّ، قَالَ أُعْطِيكُمْ فَدَكَّ.»

۲- (۲). درآمد فدک هر ساله ۲۴ هزار دینار و در نقل دیگر هفتاد هزار دینار بوده است. (بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۳، ح ۲۵).

۳- (۳). علل الشرایع، ص ۱۹۰، ح ۱، ب ۱۵۱؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۴، ح ۲۶، و ص ۱۸۹، ح ۳۹.

۴- (۴). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۵- (۵). همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

المَمْنُوعَةُ إِرْثُهَا: (۱) از ارثش بازداشته شده

مجلسی رحمه الله درباره این واژه می آورد:

غصب حق آن حضرت علیها السلام و بازداشته شدن او از ارث به این سبب است که فدک را از او باز داشتند. (۲) برای غصب فدک آن سرزمین را میراث خواندند و حدیثی با این مضمون که پیامبر ارث نمی گذارد جعل نمودند، در حالی که این زمین هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام بود.

غاصبین برای هدیه بودن فدک شاهد طلب می کردند و در شاهدیهایی که حضرت آورد ایراد گرفتند. (۳) امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر به جای او نشست و به سوی وکیل فاطمه علیها السلام در فدک فرستاد و او را اخراج نمود. فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر آمد و فرمود: ابوبکر! ادعا می کنی جانشین پدر من هستی و به جای او نشسته ای و وکیل مرا از فدک اخراج کرده ای؟ و تو می دانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به من بخشید و من شاهدانی دارم. او گفت: پیامبر ارث نمی گذارد.

فاطمه علیها السلام به سوی علی بازگشت و ماجرا را گفت. علی علیه السلام فرمود: نزد او برگرد و بگو: آیا می پنداری پیامبر ارث نمی گذارد در حالیکه سلیمان از داود ارث برد و یحیی از زکریا ارث برد. پس چگونه من از پدرم ارث نبرم؟

وقتی فاطمه علیها السلام این سخنان را بازگو کرد، عمر گفت: این کلمات از تو نیست.

فاطمه علیها السلام فرمود: کسی که به من گفت پسر عمو و شوهر من است.

ابوبکر گفت: عایشه و عمر شهادت می دهند از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اند که فرمود: پیامبر ارث نمی گذارد.

ص: ۱۳۸

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- (۲). مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۳۱.

۳- (۳). علل الشرایع، ص ۱۹۰، ح ۱، ب ۱۵۱؛ الاختصاص، ص ۱۸۳ - ۱۸۵.

فاطمه علیها السلام فرمود: این نخستین شهادت ناحقی است که این دو به آن شهادت می دهند. من بر ادعایم از مسلمانان شاهدانی دارم.

ابوبکر گفت: بینه خود را بیاور. فاطمه علیها السلام امّ ایمن و امیر مؤمنان علیه السلام را آورد.

ابوبکر گفت: امّ ایمن! آیا تو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی درباره فاطمه علیها السلام شنیدی؟

امیر مؤمنان علیه السلام و امّ ایمن گفتند: از پیامبر شنیدیم که فرمود: **إِنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ**؛ «فاطمه سرور زنان بهشتی است». سپس ام ایمن گفت: آیا کسی که سرور زنان بهشت است چیزی که مال او نیست ادعا می کند؟ من نیز زنی از اهل بهشتم جز به آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده ام شهادت نمی دهم.

عمر گفت: ام ایمن این قصه ها را رها کن. شما دو نفر به چه چیز شهادت می دهید؟

ام ایمن گفت: در خانه فاطمه علیها السلام بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بود، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم برخیز، خدای تبارک و تعالی به من دستور داده است با بال خود فدک را مشخص کنم. طولی نکشید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز گشت. فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدر کجا رفتی؟ فرمود: جبرئیل با بال خویش حدود فدک را برای من معین نمود. و آن... هدیه ای برای تو باشد.

آنها می گیری؟ فاطمه علیها السلام گفت: بلی. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی و ای امّ ایمن! شما دو نفر شاهد باشید.

عمر برخاست و گفت: تو زن هستی و ما شهادت یک زن را معتبر نمی دانیم و علی نیز به نفع خود سخن می گوید.

فاطمه علیها السلام برخاست و گفت: بارالها! این دو نفر درباره حق دختر پیامبر تو به او ستم کردند عذاب خود را بر آنان شدید گردان. (۱)

ص: ۱۳۹

۱- (۱). الاختصاص ، ص ۱۸۳ - ۱۸۵؛ بحارالانوار ، ج ۲۹ ، ص ۱۸۹ ، ح ۳۹ . « أَللَّهُمَّ إِنَّهُمَا ظَلَمَا ابْنَةَ نَبِيِّكَ حَقًّا فَاشْدُدْ وَطَأَتَكَ عَلَيْهِمَا ».

در بخش دیگری آمده است:

امیر مؤمنان علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: هنگامی که ابوبکر تنها است پیش او برو، او از دومی نرم خوتر است و به او بگو: ادعای جانشینی پدرم را داری؟ و اگر فدک مال تو هم بود و من از تو می خواستم که آن را به من ببخشی، بر تو بود که آن را به من رد کنی.

وقتی فاطمه علیها السلام آمد و چنین فرمود، ابوبکر گفت: راست می گویی. کاغذی خواست و برای حضرت علیها السلام دستور باز گرداندن فدک را نوشت. فاطمه علیها السلام خارج شد. عمر او را دید، گفت: ای دختر محمد! این نوشته که دست توست چیست؟ فرمود: نوشته ای است که ابوبکر درباره باز گرداندن فدک برایم نوشته است. عمر گفت: به من بده. حضرت فاطمه علیها السلام از این کار خودداری کرد. او با پایش به حضرت لگد زد، در حالیکه فاطمه علیها السلام به فرزندى به نام محسن باردار بود و سقط شد، سپس به او سیلی زد. - امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا اکنون به گوشواره ای که در گوش فاطمه علیها السلام شکست، می نگرم - سپس کاغذ را گرفت و پاره کرد...
(۱) الْمَظْلُومَةُ: (۲) مورد ستم قرار گرفته

ستم های فراوانی به حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش رسید.

□
غضب حق او - که خود آن حضرت به این سبب بر غاصبین نفرین فرمود، اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا ظَلَمَا ابْنَةَ نَبِيِّكَ حَقًّا... - بی مهری مردم و رها کردن و یاری نکردن حضرت علی علیه السلام از این ستم هاست، افزون بر همه این موارد صدماتی بر جسم شریف آن حضرت علیها السلام نیز وارد شد.

ص: ۱۴۰

۱- (۱). الاختصاص ، ص ۱۸۳ - ۱۸۵؛ بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل حدیث ۳۹.

۲- (۲). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۳، ص ۵۱۵.

در روایتی که قسمتی از آن گذشت امام صادق علیه السلام فرمود:

علی علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام را با امام حسن و امام حسین علیهما السلام چهل روز صبح بر در خانه مهاجر و انصار می برد و فاطمه علیها السلام به آنها می فرمود: ای مهاجر و انصار! خدا و دختر پیامبرتان را یاری کنید. روزی که شما با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردید قرار گذاشتید که همان گونه که از خود و فرزندانتان دفاع می کنید از پیامبر و فرزندان او هم دفاع کنید. پس به بیعت خود وفا کنید.

□
امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کس او را کمک نکرد و جواب او را ندادند. (۱) جابر بن عبدالله انصاری گوید:

فاطمه علیها السلام هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر او وارد شد و در حالیکه گریه می کرد خود را بر روی پیامبر انداخت، پیامبر چشمان خود را گشود و فرمود:

دخترم تو پس از من مظلوم واقع خواهی شد و تو را ضعیف می شمارند، پس کسی که تو را آزارد مرا آزرده و کسی که تو را به خشم آورد مرا خشمگین ساخته است. کسی که تو را شاد کند مرا شاد و کسی که به تو نیکی نماید به من نیکی نموده است. (۲)

ص: ۱۴۱

□
۱- (۱). الاختصاص، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل ح ۳۹. «یا معشر المهاجرین والأنصار انصروا الله وابتغوا نبيكم وقد بايعتم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوم بايعتموه أن تمنعوه وذريته مما تمنعون منه أنفسكم وذرائكم ففوا لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ببيعتكم».

□
۲- (۲). كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۳. «روی جابر بن عبدالله انصاری قال: دخلت فاطمة عليها السلام على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وهو في سكرات الموت، فأنكبت عليه تبكي ففتيح عينه وأفاق، ثم قال عليه السلام: يا بنية أنت المظلومة بعدى، وأنت المستضعفة بعدى، فمن آذاك فقد آذاني ومن غاظك فقد غاظني ومن سركك فقد سرنى، ومن بركك فقد برنى، ومن جفاك فقد جفاني ومن صدك فقد صدني، ومن قطعك فقد قطعني، ومن أنصتك فقد أنصتني، ومن ظلمك فقد ظلمني، لأنك مني وأنا منك وأنت بضعة مني، وروحي التي بين يدي، ثم قال عليه السلام: إلى الله أشكو ظالميك من امتي».

المَظْلُومُ بَعْلُهَا: (۱) ستم شده به شوهرش

با اوصاف دیگری اتفاقات پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در زیارات مورد اشاره قرار گرفته است؛ مانند المظلوم بعلها که به بزرگترین ستم بر امیر مؤمنان علیه السلام یعنی شوهر فاطمه زهرا علیها السلام اشاره دارد.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی مقایسه شد که هیچ گاه در ردیف او قرار نمی گرفتند و ستم بزرگتر این که آن افراد بر حضرتش علیه السلام برتری داده شدند. (۲) الصَّابِرَةُ: (۳) شکبیا

صبر و شکبیایی، بمعنای خودداری از بی تابی و ثبات به هنگام سختی و رو آوردن مصیبت، از بزرگترین ملکات فاضله و حالاتی است که خداوند آنرا ستوده است و حدود هفتاد مورد دستور به آن را در قرآن کریم تکرار کرده است و از آن با تعبیر «إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۴) یاد کرده است. (۵) حضرت زهرا علیها السلام با صفت شکبیایی در زیارتها مورد خطاب قرار گرفته اند، آن حضرت در همه امور بویژه در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برخی از مصادیق آن مرور شد شکبیا بود.

المَظْلُومَةُ الصَّابِرَةُ: (۶) ستم شده شکبیا

ص: ۱۴۲

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲- (۲). برای مطالعه بیشتر در این باره شایسته است به کتاب فدک در تاریخ تألیف آیه الله شهید سید محمدباقر صدر و سایر کتابهای تألیف شده در این موضوع مراجعه شود.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۲۷۵، ۲۸۱

۴- (۴). زمر: ۱۰: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ».

۵- (۵). المیزان، ج ۱، ص ۳۴۹.

۶- (۶). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۵، ص ۱۱۲.

با همهٔ ستم‌هایی که بر فاطمه علیها السلام روا داشتند او مانند شویش برای حفظ دین اسلام و جاودانه شدن کلمهٔ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شکیبایی پیشه کرد.

المغشومه: (۱) ستم شده

غشم به معنای ظلم است و مغشومه به معنای مظلومه است.

المَقْهُورَةُ: (۲) ستم شده، از پا افتاده

گوشه‌ای از ستم‌هایی که بر فاطمه علیها السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت آن بزرگوار رفت، ذکر شد، به بخشی نیز اشاره خواهد شد. ستم‌ها بگونه‌ای بود که به شهادت فاطمه علیها السلام منجر شد.

ص: ۱۴۳

-
- ۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲، «غشم الوالی فلاناً غشماً: ظلمه». (أقرب الموارد، ج ۲، ص ۸۷۳).
- ۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۶ «فَهْرَه: غلبه، ويقال: أخذهم قهراً: من غير رضاهم وفعله قهراً: بغير رضا». (المعجم الوسيط، ج ۲، ص ۷۷۰).

بخش پنجم: آزارها و شهادت

اشاره

ص: ۱۴۵

شکنجه های جسمی و روحی

المُضْطَهَدَةُ: (۱) به شدت خوار شده، به شدت شکنجه شده

ضهد، به معانی خوار نمودن و ستم و شکنجه کردن است و باب افتعال بر بسیاری و تأکید کاری دلالت می کند حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکنجه های روحی فراوانی دید افزون بر آن، دشمنان از آزارهای جسمی نیز فرو گذار نکردند. (۲) در ماجرای بیرون بردن علی علیه السلام از خانه برای بیعت، نقل شده است:

فاطمه علیها السلام کنار در، میان قنفذ و علی علیه السلام فاصله شد، قنفذ ملعون با تازیانه او را زد، و فاطمه زهرا علیها السلام در حالی از دنیا رفت که اثر آن ضربه مانند بازوبندی بر روی بازویش بود. (۳)

ص: ۱۴۷

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۶، «ضهده: أذَّله وظلمه. اضطهده: بالغ فی ضهده». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۵۴۸).

۲- (۲). کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۸، حدیث چهارم. « وَقَدْ كَانَ قَنْفُذٌ - لَعَنَهُ اللَّهُ - ضَرَبَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِالسُّوِطِ حِينَ حَالَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجِهَا. وَأُرْسِلَ إِلَيْهِ عُمَرُ: إِنَّ حَالَتِ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَاطِمَةُ فَأُضْرِبْهَا. فَأَلْجَأَهَا قَنْفُذٌ لَعَنَهُ اللَّهُ إِلَى عَضَادِهِ بَابِ بَيْتِهَا وَدَفَعَهَا فَكَسَرَ ضِلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا ».

۳- (۳). کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۶. « وَحَالَتْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ عِنْدَ بَابِ الْبَيْتِ، فَضَرَبَهَا قَنْفُذُ الْمَلْعُونُ بِالسُّوِطِ فَمَاتَتْ حِينَ مَاتَتْ وَإِنَّ فِي عَضُدِهَا كَمِثْلِ الدَّمْلَجِ مِنْ ضَرْبَتِهِ ».

هنگام بیرون آوردن امیر مؤمنان علی علیه السلام از خانه اش، بیشترین صدمات جسمی به حضرت زهرا علیها السلام وارد شد، از جمله پهلوی آن حضرت علیها السلام شکسته شد، فاطمه زهرا علیها السلام پشت در ایستاده بود تا شاید آن عده با شنیدن صدای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز گردند.

أَمَا أَنَا نِ اَهْمِيْتِي نَدَادَنْد.

سلمان فارسی گوید:

قنفذ، حضرت زهرا علیها السلام را به پناه آستانه در خانه اش کشاند و هُل داد، دنده پهلوی فاطمه علیها السلام شکست و جنین او سقط شد، و پیوسته در بستر بیماری بود تا اینکه از این بیماری به شهادت رسید. (۲) الْمَقْتُولُ وَكَلْدَهَا: (۳) فرزندش شهید شده در ماجرای تأسف باری که به گوشه ای از آن اشاره شد، بر اثر فشار، دنده آن حضرت شکسته، و فرزند او سقط شد.

در نقلی دیگر آمده است که هنگام گرفتن ورقی که ابوبکر برای فاطمه علیها السلام درباره باز گرداندن فدک نوشته بود و فاطمه علیها السلام از دادن آن به عمر امتناع ورزید، عمر با ضربه ای سبب سقط جنین آن بانو علیها السلام شد. (۴)

ص: ۱۴۸

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۷. «الضلع: عظم من عظام قفص الصدر مُنْحَنٍ وفيه عَرَضٌ». (المعجم الوسيط، ج ۱، ص ۵۴۴).

۲- (۲). کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۸. «... فَأَلْجَأَهَا قُنْفُذٌ إِلَى عَضَادِهِ بَابِ بَيْتِهَا وَدَفَعَهَا فَكَسِرَ ضِلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا، فَلَمْ تَزَلْ صَاحِبَةً فَرَّاشٍ حَتَّى مَاتَتْ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا - مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً.»

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴- (۴). الاختصاص، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل ح ۳۹. «فَرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ - وَكَانَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَامِلَةً بِابْنِ اسْمِهِ الْمُحْسِنِ - فَأَسْقَطْتُ الْمُحْسِنَ مِنْ بَطْنِهَا ثُمَّ لَطَمَهَا.»

این وصف هم به ماجرای سقط جنین و شهادت حضرت محسن علیه السلام اشاره دارد.

المُعَصَّصَةُ بِرِيقِهَا: (۲) آب دهان [بغض] گلوگیرش شده

مصیبت جانکاه فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فاطمه علیها السلام بسیار تأثیر گذاشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

فاطمه علیها السلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زنده بود و برای از دست دادن پدرش اندوه بسیاری بر او وارد آمد. (۳) از امام ششم علیه السلام نقل شده است که فرمود:

بِكَأْوُونٍ (بسیار گریه کنندگان) پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد علیها السلام و علی بن الحسین علیهما السلام. پس از آن درباره فاطمه علیها السلام می فرماید: اَمَّا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِرَفْقَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ بَكُونَهُ أَيْ كَرِيستِ كِهْ أَهَالِي مَدِينَةٍ أَزْ أَنْ بَهْ سَتُوهُ أَمَدَنْدُ، كَفْتَنْدُ: گریه زیاد تو ما را اذیت می کند فاطمه علیها السلام به خارج مدینه به سوی مقابر شهدا می رفت و آن قدر می گریست تا آرام می گرفت. سپس باز می گشت. (۴)

ص: ۱۴۹

۱- (۱). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲. «فَجَعَهُ فَجْعًا: آلمه ایلاماً شدیداً، الفاجعه: المصيبة المؤلمة توجع الانسان بما يعز عليه من مال أو حميم». (المعجم الوسيط ، ج ۲، ص ۶۸۱).

۲- (۲). همان، ج ۵۱، ص ۶۷. «غصّ بالماءِ غصاً و غصصاً: وقف فی حلقه فلم یکد یسیغه فهو غاصّ». (المعجم الوسيط ، ج ۲، ص ۶۶۰) «الزريق: اللعاب». (المعجم الوسيط ، ج ۲، ص ۳۸۷).

۳- (۳). کافی: ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۱ و بحارالانوار: ج ۴۳ ص ۱۵۶ ح ۴. «إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَيَّهَا ...»

۴- (۴). الخصال ، ص ۲۷۲، ح ۱۵؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۵، ح ۱. «وَأَمَّا فَاطِمَةُ رَحِمَهُمُ اللَّهُ فَبَكَتْ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ حَتَّى تَأْذَى بِهِ أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ أَذَيْتَنَا بِكَائِكَ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ الْمُقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضَى حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ ...»

گاه با دیدن آثار و یا شنیدن صدایی که فاطمه علیها السلام را به یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می انداخت، آن حضرت به حالت غش می افتاد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در لباسش غسل دادم، فاطمه می گفت: پیراهن را به من نشان بده، هنگامی که آن را بویید غش کرد، وقتی این منظره را مشاهده کردم پیراهن را پنهان نمودم. (۱) سختی بالاتر اینکه اهل مدینه نه تنها تفقدی از فاطمه علیها السلام نکردند، بلکه با ستمی که بر او و شوهرش روا داشتند بر اندوه بسیار او افزودند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا وقتی از دنیا رفت هیچ گاه خندان دیده نشد. (۲) المطلوبه بالأحقاد: (۳) و امدار کینه ها

این همه هتک حرمت برای چه بود و چرا خاندان مصیبت زده وحی می بایست این گونه مورد بی مهری و ستم واقع شوند؟

فاطمه علیها السلام در پاسخ ام سلمه که پس از این ستم ها از احوال او جو یا شد، می فرماید:

شب را با دلتنگی و غصه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ستم بر جانشین او به صبح آوردم.

ص: ۱۵۰

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۵۷ ، ح ۶ . «عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: غَسَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فِي قَمِيصَةٍ فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَقُولُ: أُرْنِي الْقَمِيصَ . فَإِذَا شَمَّمْتُهُ غُشِيَ عَلَيْهَا ، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ غَيَّبْتُهُ .»

۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳ ، ص ۳۴۱؛ بحارالانوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۹۶ ، ح ۲۷ . «ما رُؤِيتُ فَاطِمَةَ ضاحِكَةً قَطُّ مُنذُ قُبُضِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ حَتَّى قُبِضَتْ .»

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵ ، ص ۱۰۲ .

سپس حضرتش اشاره می کند که؛

کینه های به دل گرفته ستمکاران از جنگ بدر، و خونخواهی های جنگ احد که منافقان آن را در دل پنهان می داشتند سبب این گونه کارها شد. (۱) در توضیح واژه بالا- می توان به سخن امام حسن مجتبی علیه السلام در برابر معاویه و یارانش اشاره کرد که خطاب به مغیره بن شعبه فرمود:

تو بودی که فاطمه علیها السلام دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به گونه ای ضربت زدی که سبب مجروح شدن و سقط جنین او شدی و این کار تو برای کوچک نمودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مخالفت با دستور او و هتک حرمت آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه فرمود: ای فاطمه! تو سرور زنان بهشتی. به خدا قسم ای مغیره! سرنوشت تو دوزخ است. (۲)

شهادت

السیده المفقوده: (۳) سرور از دست رفته

الشَّهِيدَة: (۴) شهید

از موارد مختصر ذکر شده، سبب شهادت فاطمه علیها السلام آشکار گشت. بر اثر ضربه های وارده، بازوی حضرتش مجروح و پهلوی او شکسته و جنین او سقط گردید.

ص: ۱۵۱

۱- (۱). مناقب آل ابی طالب ، ج ۲، ص ۲۰۵؛ بحار الانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۶، ح ۵. «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَكَرْبٍ، فَقَدِ النَّبِيُّ وَظَلَمِ الْوَصِيَّ، هَتَكَ وَاللَّهِ حِجَابُهُ [حُجْبُهُ]، مَنْ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مُقْبِضَةً عَلَيَّ غَيْرِ مَاشِرَعِ اللَّهِ فِي التَّنْزِيلِ وَسَنَّا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي التَّأْوِيلِ وَلَكِنَّهَا أَحْقَادُ بَدْرِيَّةٍ وَتَرَاتٍ أُحْدِيَّتْ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النِّفَاقِ مُكْتَمِنَةً...».

۲- (۲). الاحتجاج ، ص ۲۷۸؛ بحار الانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۷، ح ۲۸. «أَنْتَ ضَرَبْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَأَلَقْتِ مَا فِي بَطْنِهَا اسْتِدْلَالاً مِنْكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَخَالَفَةً مِنْكَ لِأَمْرِهِ وَانْتِهَا كَأَلْحَرَمَتِهِ...».

۳- (۳). موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۲۵.

۴- (۴). همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۲.

پس از این ماجرا پیوسته فاطمه علیها السلام در بستر بیماری بود تا به همین علت، شهید از دنیا رفت. (۱) امام کاظم علیه السلام فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ صِدِّيقَةَ شَهِيدَةٍ (۲)؛ فاطمه علیها السلام صدیقه ای شهید است.

در تاریخ شهادت آن حضرت علیها السلام اختلاف است. مشهورترین تاریخ ها؛ هفتاد و پنج یا نود و پنج روز پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است.

سید بن طاوس از کتاب التعریف للمولد الشریف نقل می کند، شهادت فاطمه زهرا علیها السلام روز سوم جمادی الثانی بوده است. (۳) امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زندگی کرد. (۴) تاریخ شهادت فاطمه علیها السلام؛ دو ماه (۵)، صد روز، هشت ماه، چهل روز و سه ماه (۶) پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز ذکر شده است. (۷)

ص: ۱۵۲

۱- (۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۸. «فلم تزل صاحبه فراش حَتَّى ماتت صَلَّى اللهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً».

۲- (۲). اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.

۳- (۳). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۵، ۱۹۶.

۴- (۴). کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۵، ح ۲۴.

۵- (۵). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۷، ح ۴۹ به نقل از مصباح الأنوار.

۶- (۶). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۲، ۲۱۳.

۷- (۷). علامه مجلسی می فرماید: میان بیشتر تاریخ های ولادت و رحلت و مدت عمر شریف آن حضرت علیها السلام نمی توان تطبیق داد، و نیز تطبیق میان تاریخ های رحلت و خبر صحیحی که فاطمه علیها السلام پس از پدرش هفتاد و پنج روز زنده بود ممکن نیست، زیرا اگر رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیست و هشتم صفر باشد، بنابراین وفات فاطمه زهرا علیها السلام در اواسط جمادی الاولی خواهد بود و اگر در دوازدهم ربیع الاول آنگونه که اهل سنت روایت می کنند باشد، رحلت حضرت فاطمه علیها السلام در اواخر جمادی الاولی خواهد بود. و خبر ابو الفرج از امام باقر علیه السلام مبنی بر زندگانی حضرت علیها السلام تا سه ماه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می توان بر قول مشهور یعنی سوم جمادی الاخره تطبیق داد، و خبر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام به روایت طبری نیز این تاریخ را تأیید می کند به این صورت که امام صادق علیه السلام روزهای اضافه را چون اندک بوده لحاظ نکرده اند. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۵، ح ۴۵).

پس از شهادت فاطمه علیها السلام امیرمؤمنان علیه السلام برابر وصیت، همسر مظلومه اش علیها السلام را مخفیانه دفن کرد و جای قبر را پنهان کرد. هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام خاک را از دست خود زدود، غم سراسر وجودش را فرا گرفت و اشکها بر گونه هایش جاری گشت. روی خود را بسوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگرداند و شروع به درد دل نمود:

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام کسی که وداع می کند، اما خشمگین و خسته نیست... دریغ، دریغ، باز هم صبر زیاتر و مبارک تر است و اگر چیرگی زورگویان نبود، پیوسته در این مکان اقامت می کردم و همچون مادر فرزند مرده بر این مصیبت بزرگ شیون می کردم.

دخترت (شبانہ) و پنهان به خاک سپرده شده و حقش پایمال گشت و از ارثش بازداشته شد و حال آنکه چندی از رحلت تو نگذشته بود... (۱)

ص: ۱۵۳

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳؛ بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۲۱۱، زیارت پنجم در بخش زیارتها؛ موسوعه زیارات المعصومین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۶ ح ۲۱۴ و ص ۲۹۳ ح ۳۵۹، رجوع کن به ص ۱۶۷ از همین کتاب.

بخش ششم: زیارت های حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

ص: ۱۵۵

فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام

(۱)

حضرت فاطمه علیها السلام به علی بن ابی طالب علیه السلام خبر داد که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را بیامرزد و در هر جای بهشت باشم او را به من ملحق کند. (۲) هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند همانند آن است که مرا در حیاتم زیارت کرده است، و هر که فاطمه را زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده است. (۳) امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که قبر پاک فاطمه علیها السلام را زیارت کند و بگوید: «السلام علیک یا سیده نساء العالمین...» سپس استغفار کند، خداوند او را بیامرزد و وارد بهشت کند. (۴)

ص: ۱۵۷

۱- (۱). توجه: بخش زیارات از کتاب «در حریم یاس» تلخیص شده و به کتاب افزوده شد.

۲- (۲). بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۲ از مصباح الانوار. «یا فاطمه، مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَالْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ».

۳- (۳) - بشاره المصطفی، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲ ضمن حدیث ۲۸.

۴- (۴). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۱۹ و ذیل ح ۱۸ به نقل از مصباح الأنوار.

زیارت های فاطمه زهرا علیها السلام به دو بخش تقسیم می شوند: بخش اول زیارت های مأثور، که از معصومین علیهم السلام رسیده است، و بخش دوم، زیارت هایی که به طور صریح به معصومین علیهم السلام منسوب نمی باشد و یا توسط بزرگان دین از روایات اقتباس شده است.

بخش اول:

زیارات روایی

زیارت نخست

امام جواد علیه السلام فرمود: کنار قبر فاطمه علیها السلام بگو:

يا مُتَّحِنُهُ، امْتَحَنِكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَحَّيْدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ
لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا
بِوَلَايَتِكَ (۱)؛

ای آزموده ای که خدای آفریننده ات پیش از آفرینشت تو را آزموده است و تو را در آنچه آزمود شکبیا یافت، و معتقدیم که مادوستداران توهستیم، و به آنچه پدر شما و وصی او برای ما آورد ایمان داریم و [در راه آن] شکباییم، پس ما از تو می خواهیم که چون شما را تصدیق کردیم، ما را به سبب این تصدیق (وایمان)، به آن دو (بزرگوار)، با بشارت ملحق کنی تا خود را بشارت دهیم که ما با ولایت شما پاکیزه شدیم.

ص: ۱۵۸

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيٍّ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ
أَنْبِيَاءِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُيْتَهَا الصِّدِّيقَةَ الشَّهِيدَةَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أُيْتَهَا الرِّضِيَّةَ الْمَرْضِيَّةَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أُيْتَهَا الصَّادِقَةَ الرَّشِيدَةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أُيْتَهَا الْفَاضِلَةَ الرَّكِيَّةَ.

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر دوست
صمیمی خدا، (سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا)، سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آفریده خدا،
سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آدمیان. سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان از پیشینیان و
پسینیان. سلام بر تو ای همسر ولی خدا و (همسر) بهترین آفریده خدا پس از رسول خدا. سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو
سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای مادر مؤمنان. سلام بر تو ای صدیقه شهیده، سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) مورد
پسند (خدا). سلام بر تو ای راستگوی با کمال، سلام بر تو ای دانشمند پاک سرشت.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَيِّدَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَهَّدَةُ الْمَغْصُوبَةُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَرَاءُ الزَّهْرَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، صَيِّمِي اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاتِي
وَأَبْنَةَ مَوْلَايَ وَعَلِيَّ رُوحِكَ وَيَدِيكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَيَّرَكَ فَقَدْ سَيَّرَ رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ جَفَاكَ
فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ
قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَأَكْمَلُ السَّلَامِ. أَشْهَدُ اللَّهُ
وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، وَسَاخِطٌ عَلَيَّ مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ،

سلام بر تو ای انسیه حورا، سلام بر تو ای پارسای پاک نهاد، سلام بر تو ای دانای همراز فرشتگان، سلام بر تو ای بی گناه ستم
شده. سلام بر تو ای پاک پاکیزه، سلام بر تو ای ستم کشیده حق غارت شده. سلام بر تو ای سفید روی درخشان چهره، سلام
ورحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر محمد رسول خدا، درود بر تو ای بانوی من و دختر مولایم، و (سلام) بر روح و
پیکر تو باد. گواهی می دهم که تو با [مقام یقین و] دلیل روشنی از جانب پروردگارت در گذشتی و (گواهی می دهم که) هر
کس تو را شاد کرد رسول خدا را شاد نمود و هر کس بر تو جفا کرد به رسول خدا جفا نمود و هر کس تو را آزار داد پیامبر
خدا را آزار داد و هر کس به (راه) تو پیوست به (راه) رسول خدا پیوست، و هر که از (راه) تو برید از راه رسول خدا گسست،
زیرا که تو پاره تن و جان درون سینه او هستی هم چنان که او خود - که بهترین و کامل ترین درودها و سلام ها بر او باد -
گفته است. خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم که من از هر کس که تو خرسندی خرسندم و بر هر کس تو خشمگینی
خشمگینم،

وَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاكِ، عَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاكِ، وَحَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكَ. أَنَا يَا مَوْلَاتِي بِعَيْكِ وَبِأَيْبِكَ وَبِعِلَاكِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ مُوقِنٌ، وَبِوَلَايَتِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَبِطَاعَتِهِمْ مُلتَزِمٌ، أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ دِينُهُمْ، وَالْحُكْمَ حُكْمُهُمْ، وَأَنَّهَمْ قَدْ بَلَّغُوا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَعَاوا إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحُكْمِ وَالْمَعِظَةِ الْحَسَنَةِ، لَا تَأْخُذْهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّا يُمْ، وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آيِبِكَ وَبِعِلَاكِ وَدُرِّيَّتِكَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ الصُّدِّيْقَةِ الْمَعْصُومَةِ النَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الرَّضِيَّةِ الرَّشِيْدَةِ الْمَظْلُومَةِ الْمَقْهُورَةِ، الْمَغْصُوبَةِ حَقُّهَا، الْمَمْنُوعَةِ إِرْتِهَاءِ، الْمَكْسُورِ ضِعْمِهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَبِضَعِهِ لَحْمِهِ، وَصَمِيمِ قَلْبِهِ،

و هر کس که با تو دوستی کند دوست هستم و با هر کس که با تو دشمنی بکند دشمنم، و با هر کس که با تو بچنگد در جنگم، بانوی من! من به تو و به پدر تو و همسر تو و امامان از فرزندان یقین دارم و به ولایت آنها مؤمن هستم. و به فرمانبری ایشان پایبندم. شهادت می دهم که دین (حق) دین آنان و حکم (راستین) حکم آنان است. و آنان (آنچه را) از طرف خداوند (مأمور رساندنش بودند) رساندند. و با کلام حکیمانه، و پند نیکو به راه خدا فراخواندند، در راه خدا سرزنش سرزنش کنندگان بر آنان مؤثر نیفتاد و درود خدا بر تو و بر پدر تو و همسر و فرزندان تو - آن امامان پاک سرشت - باد. بار الها! بر محمد و خاندان او درود فرست، و درود فرست بر (فاطمه زهرا) آن از مردم بریده به خدا پیوسته راست کردار بی گناه پرهیزکار پاک سرشت خرسند (از خدا و) مورد پسند (او) و پاکیزه به کمال رسیده ستم شده مورد خشم (دشمنان) قرار گرفته ای که حقش غصب شد و از ارثش باز داشته شد و پهلویش شکست و همسرش مورد ستم قرار گرفت، و فرزندش کشته شد، فاطمه دختر رسول خدا و پاره تن و زلال جان

وَفَلَدَهُ كَبِدَهُ، وَالنُّخْبَةَ مِنْكَ لَهُ، وَالتُّحْفَةَ، خَصَيْصَتْ بِهَا وَصِيَّتُهُ، وَحَبِيبَهُ الْمُصْطَفَى، وَقَرِينَهِ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ، وَمُبَشَّرَهُ الْأَوْلِيَاءِ، حَلِيفَهُ الْوَرَعَ وَالزُّهْدَ، وَتَفَاحَهُ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ، الَّتِي شَرَّفَتْ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّتْ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَةِ، وَأَرْخَيْتْ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا صَلَاةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَمَدِيكَ وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلِّغْهَا مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَعُفْرَانًا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْكَرِيمِ؛

و پاره جگر او و برگزیده تو برای او و ارمغانی که آن را ویژه وصی پیامبر کردی، و محبوب (پیامبر) مصطفی، و همسر (علی) مرتضی، و سرور زنان، و بشارت دهنده دوستداران، همپیمان پارسایی و زهد، و سیب (باغ) فردوس و بهشت جاودان، آن که ولادتش را با (حضور) زنان بهشتی شرافت دادی، و انوار (درخشان) امامان را از او طالع کردی، و پرده (اسرار) نبوت را نزد او کنار زدی. بار الها! بر او درود فرست، درودی که به جایگاه و شرف او نزد تو، و مقام رضامندی تو از او بیفزاید، درود و سلام ما را بر او فرست، و از نزد خود در راه دوستی او به ما فضل و احسان و رحمت و غفران عطا کن که تو صاحب فضل و بزرگواری.

سپس نماز زیارت بخوان، و اگر توانستی نماز آن حضرت را نیز به جا آور، و آن دو رکعت است در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و سوره قل هو الله احد شصت مرتبه؛ و اگر نتوانستی در رکعت اول سوره حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره حمد و یک مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوان، و چون سلام دادی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ، الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ،

بار الها! به وسیله پیامبرمان محمد و خاندانش - که دروهای تو بر آنان باد - به سوی تو روی می کنم، و به حق بزرگ تو بر آنان که ژرفای آن را کسی جز تو نداند از تو درخواست می کنم، و به حق آنکه حق او نزد تو بزرگ است،

وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ «كُونِي بَرْدًا وَسَيْلَانًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (١). فَكَانَتْ بَرْدًا، وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَشْرَفُهَا وَأَعْظَمُهَا لَدَيْكَ وَأَسْرَعُهَا إِجَابَةً، وَأَنْجَحُهَا طَلِبَةً، وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ، وَآتَوْسَلُ إِلَيْكَ، وَارْغَبُ إِلَيْكَ، وَاتَضَرَّعُ وَالْحُجُّ عَلَيْكَ. وَأَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صِلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعَظِيمَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي، وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِتُدْعَانِي، وَتَرْفَعَهُ فِي عَلِّيِّينَ، وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي، وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

به نیکوترین نام‌هایت که فرمان داده ای تو را با آن بخوانم از تو درخواست می‌کنم. و به آن اسم اعظمی که ابراهیم را فرمان دادی تا با آن پرندگان را بخواند پس (خواند و آنها) اجابتش کردند، و به آن اسم بزرگت که (با آن) به آتش گفتمی: «بر ابراهیم سرد و سلامت باش» پس سرد (و سلامت) شد، و نیز به محبوب‌ترین و شریف‌ترین و بزرگ‌ترین و سریع‌الاجابه‌ترین و به نتیجه‌رسنده‌ترین اسم‌هایت از تو درخواست می‌کنم، و نیز به آن (صفات) که تو شایسته و مستحق و درخور آن هستی، و نیز به تو توسل می‌جویم و به سویت مشتاق می‌گردم و زاری می‌کنم (و بر خواسته ام) بر تو اصرار می‌ورزم. و به (حق) کتاب‌های (آسمانی) تو که بر پیامبران و رسولان - که دروهای خدا بر آنان باد - فرو فرستادی از تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ که اسم اعظم تو در آنها هست، و نیز به آن اسم‌های اعظمی که در آنها است از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و فرج محمد و آل محمد و شیعیان و دوستدارانشان و مرا برسانی، و درهای آسمان را به روی دعای من بگشایی، و آن را به جایگاه‌های بلند (اجابت خود) بالا ببری، امروز و همین ساعت در گشایش کار من، و نیز دادن آرزو و خواسته دنیا و آخرت اذن فرمایی.

ص: ۱۶۳

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يَقْضَى بِهِ حَاجَتَهُ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّجَةَ الْمُنتَظِرَ لِإِذْنِكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي، لِيُشْفِعُوا لِي إِلَيْكَ، وَتُشَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تَزِدْنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛

ای کسی که جز او کسی از چگونگی او و قدرتش خبر ندارد. ای کسی که آسمان را به هوا محیط ساختی، و (خشکیهای) زمین را بر روی آب (های دریاها و اقیانوسها) گرد آوردی. و نیکوترین نامها را برای خود برگزیدی. ای کسی که خود را به اسمی نامیدی که با آن حاجت دعا کنندگان روا گردد، از تو به حق آن اسم - که هیچ شفيعی قوی تر از آن ندارم - درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و حوائج مرا بر آوری، و صدای (نیازمندی) مرا به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت منتظر اذن تو - که درودها و سلام و رحمت و برکات تو بر ایشان باد - بشنوانی تا نزد تو برایم شفاعت کنند، و شفاعت آنان را درباره من بپذیری به حق (کلمه طیبیه) لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مرا نا امید بر مگردان.

و هر حاجتی داری بخواه که برآورده می شود ان شاء الله تعالی (۱).

ص: ۱۶۴

۱- (۱). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۷ - ۱۶۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰؛ موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۵ - ۲۸۹، ح ۳۵۴.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّهَا.

سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای مادر حجت های خدا بر همه مردم، سلام بر تو ای مظلومه ای که او را از حقش باز داشتند.

سپس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصَلِّ نَبِيِّكَ، صَلِّ عَلَيْهِ تَزْلُفُهَا فَوْقَ زُلْفِي عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ.

بار الها! بر کنیزت و دختر پیامبرت، و همسر وصی پیامبرت درود فرست، درودی که او را به مقامی بالاتر از مقام بندگان ارجمندی از اهل آسمان ها و زمین ها برساند.

روایت شده هر کس آن حضرت را به این زیارت زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند، خداوند او را بیامرزد و وارد بهشت کند. (۱)

ص: ۱۶۵

۱- (۱). اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۶۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۸، موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۵۳، فرزند سید بن طاووس در کتاب زوائد الفوائد این زیارت را نقل کرده و گفته: «این زیارت مختص است به روز وفات آن حضرت و آن سوم جمادی الثانیه است». (مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۱۰، ح ۱).

... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ، حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَأُمَّ أَحِبَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ، الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَأَخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا، وَكُنِ الشَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّةِ الْهُدَى، وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ، وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صِيْلَةَ تَكْرِمٍ بِهَا وَجَهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَتَقَرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَبْلَغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ (۱)؛

... خدایا بر صدیقه، فاطمه پاک و نیکو کار، محبوب حبیب و پیامبرت، و مادر دوستداران و برگزیدگان، آنکه او را انتخاب کردی و برتری دادی و بر همه زنان جهانیان برگزیدی، درود فرست.

بار الها! تو خود از ستمگران، و سبک شماران حقش انتقام گیر و تو ای خدا، خونخواه فرزندان باش. بار الها! همچنان که او را مادر امامان هدایت، و همسر علمدار (توحید و عدل)، و بزرگوار نزد فرشتگان مقرب خود - که در برترین منزلت جای دارند - قرار داده ای، بر او و بر مادرش خدیجه کبری درود فرست درودی که با آن پدرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را آبرو، و دیدگان فرزندان را روشنایی بخشی و از جانب من هم، اکنون برترین درود و سلام را به او برسان.

ص: ۱۶۶

کلینی رحمه الله با سند خود از امام حسین علیه السلام نقل می کند: چون فاطمه علیها السلام از دنیا رفت امیرمؤمنان علیه السلام او را پنهانی دفن کرد و خاک بر روی قبر او ریخت، سپس برخاست و صورت خود را به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرد و فرمود:

□
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَيِّدَايَا مُؤَدِّعٍ لَا قَالٍ وَلَا سَيِّئِمٍ، فَإِنْ أَنْصَرِفَ فَلَا عَن مَّلَالَةٍ، وَإِنْ أُقِمَ فَلَا عَن سُوءِ ظَنٍّ
بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ.

واهاً واهماً، وَالصَّبْرُ أَيْمُنٌ وَأَجْمَلٌ، وَلَوْلَا- غَلَبَهُ الْمُسْتَوِلِينَ لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ وَاللَّبْتَ لِرَاماً مَعَكُوفاً، وَلَأَعُولْتُ إِعْوَالَ الشُّكَاكِيِّ عَلَيَّ جَلِيلٍ
الرَّزِيئِ، فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرّاً وَتُهَضَّمُ حَقَّهَا وَتُمنَعُ إرْتَهَا، وَلَمْ يَتْبَاعِدِ الْعَهْدُ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذِّكْرُ، وَإِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ
الْمُشْتَكِي، وَفِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاءِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، وَعَلَيْهَا السَّلَامُ وَالرِّضْوَانُ (۱)؛

سلام بر تو ای رسول خدا!... (و سلام بر هر دوی شما) سلام وداع کننده، نه خشمگین و نه خسته، پس اگر (از مزار شما) بر
گردم از روی خستگی نبوده، و اگر بمانم از روی بدبینی به وعده خدا به صابران نیست. دریغا! دریغا! که (باز) صبر، مبارک
تر و زیباتر است، و اگر چیره گی زورگویان نبود [که مرا سرزنش کنند یا قبر فاطمه را بشناسند و نبش کنند] اقامت و درنگ
[در این جا] را ملازم می شدم، و هم چون مادر فرزند مرده بر این مصیبت بزرگ شیون می کردم، پس در منظر خدا دختری
(شبانه و) پنهان، به خاک سپرده شد، و حش پایمال گشت، و از ارثش بازداشته شد در حالی که دیر زمانی (از رحلت تو)
نگذشته بود و یاد تو کهنه نشده بود، ای رسول خدا! شِکوه خود را به خدا عرضه می دارم، و ای رسول خدا! بهترین دلداری
ها را در تو می بینم، درود خدا بر تو باد، و سلام و رضوان خدا بر فاطمه.

ص: ۱۶۷

۱- (۱). کافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱؛ موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۹۳، ح

زیاراتی که به طور صریح به معصوم علیه السلام منسوب نیست

زیارت ششم

شیخ صدوق رحمه الله با تسلط کم نظیر یا بی نظیری که در روایات و احادیث اهل البیت علیهم السلام داشته است می گوید: چون از زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدم قصد خانه حضرت فاطمه علیها السلام را کردم، در حالی که با غسل نزدیک حظیره ایستاده بودم، بگونه ای که طرف چپ من به سوی حظیره و پشت به قبله و صورتم به طرف خانه فاطمه علیها السلام بود، گفتم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيٍّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ
أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ.

سلام بر تو ای دختر رسول خدا! سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا! سلام بر تو ای دختر حبیب خدا! سلام بر تو ای دختر خلیل
(ودوست خالص) خدا! سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا! سلام بر تو ای دختر امین خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین آفریده
خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران و رسولان و فرشتگان خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو ای سرور
زنان جهانیان از اولین و آخرین! سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین آفریده خدا پس از رسول خدا!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّهُ
 المَرَضِيُّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الحُورِيَّةُ (١) الانْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا المُدَّةُ العَلِيْمَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا المَظْلُومَةُ المَغْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا المَظْطَهْدَةُ المَقْهُورَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسولِ اللّهِ وَرَحْمَةَ اللّهِ وَبَرَكَاتَهُ، صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ
 مَنْ سَيَّرَكَ فَقَدْ سَيَّرَ رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ
 آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ
 قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسولَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللّهِ
 وَصَلَوَاتِهِ.

سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو ای صدیقه شهیده! سلام بر تو ای خشنود (از خدا
 و) مورد پسند خدا! سلام بر تو ای پاکدامن نیکوکار! سلام بر تو ای حوریه انسی! سلام بر تو ای پارسای پاکیزه (سرشت)!
 سلام بر تو ای الهام شده دانا! سلام بر تو ای مورد ستم قرار گرفته حق غصب شده! سلام بر تو ای کسی که (به خاطر دینش)
 مورد ستم قرار گرفت واز پا افتاد! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا! درود خدا بر تو و بر روح و
 تن تو باد. گواهی می دهم که تو با حجتی که از پروردگار خود داشتی درگذشتی، و اینکه هر که تو را شاد کرد رسول خدا
 را شاد نمود، و هر که بر تو جفا کرد بر رسول خدا جفا نمود، و هر که به تو آزار کرد رسول خدا را آزار نمود، و هر که با تو
 پیوند کرد با رسول خدا پیوند نمود، و هر که (پیوند خود را) از تو برید از رسول خدا گسست، زیرا تو چنان که رسول خدا -
 که برترین سلام و درود خدا بر او باد - فرمود پاره تن و روح او هستی که در (قلب و) سینه او جا دارد.

ص: ۱۶۹

۱- (۱). التهذيب، بحار الانوار، مصباح المتهجد، مزار شهيد: «الحوراء».

أَشْهَدُ اللَّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّيْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً.

خدا و پیامبران و فرشتگان او را گواه می گیرم که از هر کس تو خشنودی من نیز خشنودم، و بر هر کس تو خشمگینی من نیز خشمگینم و از هر کس که تو بیزاری من نیز بیزارم، و با هر کس تو همراهی من نیز همراهم، و با هر کس تو دشمنی من نیز دشمنم، و از هر کس تو نفرت داری من نیز نفرت دارم، و هر کس را تو دوست داری من نیز دوست دارم، و خدا بس است که شاهد و حسابرس و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس می گویی:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ.

وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ.

وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

بار الها! درود و سلام فرست بر بنده و رسول خود محمد بن عبدالله آخرین پیامبران و بهترین آفریدگان.

و درود فرست بر وصی او علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و امام مسلمانان، و بهترین اوصیا.

و درود فرست بر فاطمه دختر محمد، سرور زنان جهانیان.

ص: ۱۷۰

وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ.

وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَقْرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ.

□
وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ.

□
وَصَلِّ عَلَى كَاطِمِ الْعَيْظِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.

وَصَلِّ عَلَى الرَّضَا عَالِي بْنِ مُوسَى.

وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ.

وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ.

وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

وَصَلِّ عَلَى الْحُجَّهِ الْقَائِمِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

و درود فرست بر دو سرور جوانان اهل بهشت حسن و حسین.

و درود فرست بر زین العابدین علی بن الحسین.

و درود فرست بر محمد بن علی شکافنده علم پیامبران.

و درود فرست بر راستگوی از جانب خدا جعفر بن محمد.

و درود فرست بر فرو برنده خشم خود در راه خدا موسی بن جعفر.

و درود فرست بر رضا، علی بن موسی.

و درود فرست بر پارسا(ی دوران) محمد بن علی.

و درود فرست بر پاکیزه (سرشت) علی بن محمد.

و درود فرست بر نیکوکار حسن بن علی.

و درود فرست بر حجت قائم فرزند حسن بن علی.

اللَّهُمَّ أَحْيِي بِهِ الْعِدَلَ، وَأْمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأُظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ ﷺ لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً (۱)؛

خدایا! به وسیله او عدالت را زنده کن و ستم را بمیران، و به وسیله درازی عمر او زمین را زینت بخش، و به سبب او دین خود و سنت پیامبرت را آشکار کن تا هیچ حقی به خاطر ترس از کسی پنهان نماند، و ای پروردگار جهانیان، ما را از یاوران و پیروان و پذیرفته شدگان در گروه اولیای او قرار ده. خدایا! بر محمد و خاندانش که پلیدی (شرک) را از آنان زدوده ای، و (خلوص و) پاکی ویژه شان بخشیده ای درود فرست.

شیخ صدوق بعد از نقل این زیارت می گوید: «در اخبار چیزی محدود و موظف برای زیارت حضرت زهرا نیافتیم، پس به آنچه بر خود راضی بودم، برای هر که کتاب مرا ببیند نیز راضی هستم».

ص: ۱۷۲

۱- (۱). من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۳؛ المزار الکبیر، ص ۸۲ - ۸۰، موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۶ - ۲۷۹، ح ۳۴۸.

کفعمی رحمه الله در البلد الامین گوید: قبر را روبروی خود قرار ده و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلُ الرَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،

سلام بر تو ای دختر رسول خدا! سلام بر تو ای دختر حبیب خدا! سلام بر تو ای دختر خلیل خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین آفریده خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران و فرشتگان و رسولان خدا! سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا! سلام بر تو ای دختر امین خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان! سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین آفریده پس از رسول خدا! سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو ای صدیقه شهیده! سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) مورد پسند خدا! سلام بر تو ای دارای فضیلت و کمال! سلام بر تو ای حوریه انسی! سلام بر تو ای پارسای پاکیزه (سرشت)!

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَحِيدُ الْعَلِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الْمَغْضُوبُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَهُ اللَّهُ
 وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَيَّ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ؛ لِأَنَّكَ بَضَعَهُ مِنْهُ وَرُوحَهُ الَّتِي بَيْنَ
 جَنَّتِيهِ. أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَيَّ مِمَّنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ
 وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً؛

سلام بر تو ای الهام شده دانا! سلام بر تو ای مورد ستم قرار گرفته حق غضب شده! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای
 فاطمه دختر رسول خدا! درود خدا بر تو و بر جان و جسم (پاک) تو باد. شهادت می دهم که تو با حجتی که از پروردگار خود
 (علیه دشمنانت) داشتی در گذشتی، و اینکه هر که تو را شاد کرد رسول خدا را شاد نمود، و هر که بر تو جفا کرد بر رسول
 خدا جفا نمود، و هر که (پیوند خود را) از تو برید از رسول خدا گسست، زیرا تو پاره تن و جان او هستی که در (قلب و) سینه
 او جا دارد.

خدا و رسولش و فرشتگانش را گواه می گیرم که از هر کس تو خشنودی من نیز خشنودم، بر هر کس تو خشمگینی من نیز
 خشمگینم، از هر کس تو بیزاری من نیز بیزارم، با هر کس که تو همراهی من نیز همراهم، با هر کس که تو دشمنی من نیز
 دشمنم، از هر کس که تو در بغضی من نیز در بغضم، و هر کس را که تو دوست داری من نیز دوست دارم، و خدا بس است
 که شاهد و حسابرس و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام صلوات بفرست (۱).

ص: ۱۷۴

السَّلَامُ عَلَى الْبَتُولَةِ الشَّهِيدَةِ، ابْنَةِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفِيِّ، وَزَوْجِ الْوَصِيِّ الْحُجَّهِ، أُمِّ السَّيَادَةِ الْأَيْمَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَةَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَنِيكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَمَتِّنَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الصَّابِرَةُ. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ حَقَّكَ، وَدَفَعَكَ عَنْ إِرْثِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ كَذَّبَكَ وَأَعْتَبَكَ، وَغَضَبَكَ بِرَيْقِكَ، وَأَدْخَلَ الدُّلَّ بَيْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ وَشَايَعَ فِيهِ وَاخْتَارَهُ وَأَعَانَ عَلَيْهِ وَالْحَقَّهُمْ بِدَرَكِ الْجَحِيمِ. إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِوَلَايَتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱)؛

سلام بر (زهرا) بتول، آن شهید (راه خدا)، دختر پیامبر رحمت، پیامبر مصطفی و همسر وصی (پیامبر) حجت (خدا) مادر سروران، امامان (نور و هدایت). سلام بر تو ای فاطمه زهرا دختر پیامبر مصطفی، سلام بر تو و بر پدر (بزرگوار) تو، سلام بر تو و بر شوهر و فرزندان تو باد. سلام بر تو ای آزموده (راه خدا)، سلام بر تو ای ستم‌دیده شکیبیا، خدا از رحمت خود دور کند هر کس که تو را از حقت بازداشت. و از ارثت بازداشت. و خدا از رحمت خود دور کند هر کس را که تکذیب کرد، و تو را آزرده، و تو را به ناراحتی شدید وا داشت، سبب شد تو را بغض گلوگیر شود، و ذلت را به خانه تو آورد، و خدا هر کس را که به این رفتارها خرسند بود، و در آن پیروی (دیگران) نمود و برگزید، و [بر انجام آن] کمک و یاری نمود لعنت کند، و خدا ایشان را به پست ترین جای جهنم در آورد. من از راه ولایت شما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیزاری از دشمنان جن و انس شما، به خدای سبحان تقرب می جویم، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او باد.

ص: ۱۷۵

۱- (۱). المزار الکبیر، ص ۸۲؛ مصباح الزائر، ص ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۶؛ عنهما موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۳۵۰.

این زیارت، زیارت حضرت زهرا علیها السلام در روضه (فاصله بین قبر و منبر) است که سید بن طاووس قدس سره می گوید:
بین قبر و منبر می ایستی و چنین می گویی:

السَّلَامُ عَلَى الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ، وَالصَّدِيقَةِ الْمَعصُومَةِ، وَالْبِرَّةِ النَّقِيَّةِ، سَلِيلَةِ الْمُصْطَفَى، وَحَلِيلَةِ (۱) الْمُرْتَضَى، أُمِّ الْأَيْمَةِ النَّجَابِ. اللَّهُمَّ
إِنَّهَا خَرَجَتْ مِنْ دُنْيَاهَا مَظْلُومَةً مَغْشُومَةً، قَدْ مَلَأَتْ دَاءً وَحَسْرَةً وَكَمِيداً وَغُصَّةً تَشْكُو إِلَيْكَ وَإِلَى أَبِيهَا مَا فَعَلَ بِهَا. اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لَهَا
وَخُذْ لَهَا بِحَقِّهَا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ، صِيْلَةً تَزِيدُ فِي شَرَفِ مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَجَلَالِهِ مَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ،
وَبَلِّغْهَا مِنِّي السَّلَامَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهَا وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

سلام بر (بانوی) از دنیا بریده به خدا پیوسته پاک (سرشت) و درستکار معصوم، و نیکوکار پارسا، زاده مصطفی، و همسر مرتضی، مادر امامان نجیب. بار الها! او در حالی از دنیا رفت که مورد ستم و بیداد قرار گرفت و از درد و آه و دلشکستگی و غصه آکنده بود، و از رفتار (ستمگرانه)ی که با او داشتند به تو و پدرش شاکی بود.

بارالها! خود انتقام او را (از دشمنانش) بگیر، و حقش را بستان. بار الها! بر زهرای پاکیزه سرشت خجسته با میمنت درود فرست، درودی که به شرافت جایگاه و شکوه مقامش نزد تو بیفزاید، و سلام مرا به او برسان و سلام، رحمت و برکات خدا بر او باد.

ص: ۱۷۶

۱- (۱). در برخی از نسخ: خلیله به معنی دوست ویژه آمده است.

و نیز می گویی:

□
اللَّهُمَّ إِنِّي يُوهِمُنِي غَالِبُ ظَنِّي أَنَّ هَذِهِ الرَّوْضَةَ مَوَارِئُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَمَثْوَاهَا، وَمَوْضِعُ قَبْرِهَا وَمُعْزَاهَا، فَصَلِّ عَلَيْهَا وَبَلِّغْهَا عَنِّي
السَّلَامَ حَيْثُ كَانَتْ وَحَلَّتْ (۱)؛

بارالها! مرا گمان بیشتر این است که این روضه (مطهره) جای دفن سرور زنان جهانیان، و قبر و آرامگاه اوست پس بر او درود فرست، و از جانب من به او - هر جا که هست و مدفون گشته - سلام برسان.

ص: ۱۷۷

□
۱- (۱). مصباح الزائر، ص ۵۲؛ المزار الكبير، ص ۷۸، ح ۱؛ المزار (شهید)، ص ۲۰ - ۲۱ تا «ورحمه الله وبركاته»، و در بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۷، ح ۱۵ به نقل از مصباح الزائر و مصباح كفعمی، موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۳۵۱.

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِنْتِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَأُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ، وَشَقِيقَةِ الْبُتُولِ مَرْيَمَ، أَطْهَرَ
النِّسَاءِ، وَبِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَةِ الْمَفْقُودَةِ، الْكَرِيمَةِ الْمَحْمُودَةِ، الشَّهِيدَةِ الْعَالِيَةِ الرَّشِيدَةِ، أُمِّ الْأَيْمَةِ، وَسَيِّدَةِ نِسَاءِ الْأُمَّةِ، بِنْتِ نَبِيِّكَ، صَاحِبِهِ
وَلِيِّكَ، سَيِّدَةِ النَّسَاءِ، وَوَارِثَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَقَرِينَةِ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، الْمَعْصُومَةِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، صَلَاةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً مَرْفُوعَةً مَيِّدَةً كُورَةً،
تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرَهَا فِي مَحَلِّ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ فِي أَشْرَفِ شَرَفِ النَّبِيِّينَ، فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ، فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلْيَا، فِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى.

سلام بر سرور زنان جهانیان، و دختر سرور پیامبران و مادر امامان پاک نهاد، فاطمه دختر محمد و الامقام، و خواهر مریم بتول،
پاک ترین زنان، و دختر بهترین پیامبران، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

بار الها! درود فرست بر این بانوی از دست رفته بزرگوار در خور ستایش شهید بلند مرتبه با کمال، مادر امامان، و سرور زنان
امت، دختر پیامبرت، همسر ولایت، سالار بانوان، و وارث سرور پیامبران، و همسر سرور اوصیا، و معصوم از هر بدی (و گناه)،
(بار الها! بر او درود فرست) درود پاکیزه خجسته والا- مرتبه یادکردنی که با آن یاد او را در محل نیکوکاران اهل خیر، و
شریفترین جایگاه پیامبران، و نیز در میان برترین والا رتبه گان، در بالاترین درجات، در بلندترین مقام بالا ببری.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْلِ كَعْبَهَا، وَأَكْرِمْ مَا بَيْهَا، وَأَجْزِلْ ثَوَابَهَا، وَأُذِنِ مِنكَ مَجْلِسَهَا، وَشَرِّفْ لِمَدِيكَ مَكَانَهَا
وَمَثَوَاهَا، وَأَنْتَقِمْ لَهَا مِنْ عَدُوِّهَا، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَهَا، وَالنَّقَمَةَ عَلَيَّ مَنْ غَضَبَهَا، وَخُذْ لَهَا يَا رَبِّ بِحَقِّهَا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهَا مِنَّا التَّحِيَّةَ، وَارْزُقْ عَلَيْنَا مِنْهَا التَّحِيَّةَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْهَا وَرَحْمَةَ اللَّهِ
وَبَرَكَاتَهُ (۱)؛

بار الها! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مقام فاطمه زهرا را بالا ببر، و منزلتش را ارجمند ساز، و پاداشش را فراوان کن،
و محل نشستنش را به خود نزدیکتر کن و مکانت و جای او را نزد خود شریف گردان، و از دشمنش انتقام گیر، و عذاب
ستمگران و کیفر غاصبان حقش را دو چندان کن، و ای پروردگار! تو خود برای او حقش را بستان، که تو بر هر چیز توانایی.
بار الها! بر محمد و آل محمد درود فرست، و سلام ما را به فاطمه زهرا برسان، و پاسخ او را به ما برگردان، سلام و رحمت و
برکات خدا بر او باد.

ص: ۱۷۹

۱- (۱). بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰ به نقل از عتیق غروی، موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، ح ۳۵۸.

□
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . السَّلَامُ عَلَى ابْنَتِكَ الصُّدَيْقَةِ الطَّاهِرَةِ.

□
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبُتُولُ الشَّهِيدَةُ
الطَّاهِرَةُ . لَعَنَّ اللَّهُ مَانِعِيكَ إِرْثِكَ، وَدَافِعِيكَ عَنْ حَقِّكَ، وَالزَّادَ عَلَيْكَ قَوْلِكَ، لَعَنَّ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ، وَأَلْحَقَهُمْ بِدَرَكِ
الْجَحِيمِ . صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَبَعْلِكَ وَوَلَدِكَ الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (1)؛

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر دختر راست کردار و پاک سرشت تو. سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! ای سرور زنان جهانیان! (سلام بر تو) ای (زهرا) بتول شهید و پاکیزه سرشت. خداوند از رحمت خود دور کند بازدارنده ارث و حق تو را، و باز گرداننده (درخواست و) گفتارت را، خدا شیعیان و پیروان آنان را لعنت کند، و ایشان را به پست ترین جای جهنم در آورد. درود خدا بر تو و بر پدر تو و همسر و فرزندان تو باد که امامان هدایتگرند، و سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

ص: ۱۸۰

۱- (۱) . المزار (شیخ مفید)، ص ۱۷۹؛ البلد الأمين، ص ۲۷۸؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۷، ح ۱۴؛ موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۳۵۲.

ضمائم

اشاره

ص: ۱۸۱

متن لوح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً فَمَتَى يَخْفُ عَلَيْكَ أَنْ أَخْلُو بِكَ فَأَسْأَلُكَ عَنْهَا؟ فَقَالَ لَهُ جَابِرٌ: فِي أَيِّ الْأَوْقَاتِ شِئْتَ، فَخَلَا بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ أَخْبِرْنِي عَنْ اللَّوْحِ الْعَلِيِّ رَأَيْتَهُ فِي يَدِ أُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أَخْبَرْتُكَ بِهِ أَنَّهُ فِي ذَلِكَ اللَّوْحِ مَكْتُوبًا. فَقَالَ جَابِرٌ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي دَخَلْتُ عَلَى أُمِّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي حَيَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَهْنُهَا بَوْلَادِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَيْتُ فِي يَدِهَا لَوْحًا أَخْضَرَ ظَنَنْتُ أَنَّهُ مِنْ زُمُرْدٍ، وَرَأَيْتُ فِيهِ كِتَابَهُ بَيَضَاءَ شَبِيهَهُ بِنُورِ الشَّمْسِ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أَبَتِي أَنْتِ وَأُمِّي يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا اللَّوْحُ؟

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرد، پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من را با تو کاری است، چه وقت برای تو ممکن است، بدون حضور دیگران درباره آن از تو پرسم؟

جابر عرض کرد: هر وقت شما بخواهید.

امام باقر علیه السلام در مجلسی بدون حضور دیگران به جابر فرمود:

ای جابر! درباره لوحی که در دست مادرم فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دیدی و مطالب نوشته شده درون آن که حضرتش علیها السلام به تو خبر داد، مرا آگاه کن. جابر گفت:

خدا را شاهد می گیرم؛ در زمان زندگانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تهنیت میلاد امام حسین علیه السلام بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدم. در دست او لوحی سبزرنگ که گمان کردم از زمرد است، مشاهده کردم و در آن نوشته ای سفید شبیه به نور خورشید دیدم.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم! این لوح چیست؟

فَقَالَتْ: هَذَا اللُّوحُ أَهْدَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِ اسْمُ أَبِي وَاسْمُ بَعْلِي وَاسْمُ ابْنِي وَأَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي، فَأَعْطَاهُ أَبِي لِيُسْرَنِي بِذَلِكَ.

قَالَ جَابِرٌ: فَأَعْطَنِيهِ امِّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَقَرَأْتَهُ وَانْتَسَيْخْتَهُ. فَقَالَ لَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَلْ لَكَ يَا جَابِرُ أَنْ تَعْرِضَهُ عَلَيَّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَمَشَيْتِي مَعَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَنْزِلِ جَابِرٍ فَأَخْرَجَ إِلَيَّ أَبِي صَحْفِيهِ مِنْ رَقٍّ، فَقَالَ: يَا جَابِرُ انظُرْ أَنْتَ فِي كِتَابِكَ لِأَقْرَأَهُ أَنَا عَلَيْكَ، فَنَظَرَ جَابِرٌ فِي نُسْخَتِهِ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَاللَّهِ مَا خَالَفَ حَرْفٌ حَرْفًا، قَالَ جَابِرٌ: فَإِنِّي أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنِّي هَكَذَا رَأَيْتُهُ فِي اللُّوحِ مَكْتُوبًا:

فرمود: این لوح را خداوند عزوجل به پیامبرش هدیه فرمود و نام پدر و شوهر و دو فرزندم و نام جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندانم در آن است. پدرم آن را به من هدیه داد تا مرا شاد سازد.

جابر گفت: مادرت فاطمه علیها السلام آن را به من داد و من آن را خواندم و از روی آن نوشتم:

[امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم فرمود: جابر! ممکن است آن را به من نشان دهی؟ گفت: بله. پس پدرم به همراه او تا منزل جابر رفت. و او برای پدرم کاغذی نازک آورد.

پدرم فرمود: ای جابر! تو در نوشته خود بنگر تا من آن را [از نسخه خود] برای تو بخوانم. پس جابر در نسخه خود نگریست، و پدرم بر او خواند. به خدا سوگند حرفی با حرف دیگر تفاوت نداشت. جابر گفت: خدا را شاهد می گیرم من همینگونه دیدم در لوح نوشته شده بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نُورِهِ وَسَفَرِهِ وَحِجَابِهِ وَدَلِيلِهِ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَاشْكُرْ نِعْمَائِي، وَلَا تَجِدْ آيَاتِي، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَمَبِيرُ الْمُتَكَبِّرِينَ وَمُذَلُّ الظَّالِمِينَ وَدَيَّانِ يَوْمِ الدِّينِ، إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي، أَوْ خَافَ غَيْرَ عَذْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا آخِذَ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ.

إِنِّي لَمْ أبعثُ نَبِيًّا فَأَكْمَلتُ أَيَّامَهُ وَانْقَضتْ مِدَّتُهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا وَإِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَفَضَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ. وَأَكْرَمْتُكَ بِشِبْلَيْكَ بَعْدَهُ وَبِسِبْطَيْكَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ،

به نام خداوند بخشنده مهربان این کتابی است از طرف خدای با عزت و حکیم برای محمد نور و سفیر و حاجب و راهنمای از سوی او.

روح الامین آنرا از سوی پروردگار عالمیان نازل نمود. ای محمد! اسماء مرا بزرگ دار و نعمت های مرا سپاس گذار و آنها را انکار نکن.

من الله ام که معبودی جز او نیست درهم کوبنده ستمکاران و خوار کننده ظالمان و جزا دهنده روز قیامت، من الله هستم که معبودی جز من نیست. هر کس به غیر فضل من امید داشته باشد، یا جز از عدالت من ترسان باشد کیفری دهم که هیچ یک از جهانیان را اینگونه کیفر نداده باشم. پس مرا پرستش و بر من توکل کن.

من هیچ پیامبری بر نیانگیختم که روزگار او تمام شود و زندگانی او پایان رسد مگر اینکه برای او جانشینی معین نمودم. و تو را بر پیامبران برتری دادم و جانشین تو را بر جانشینان پیامبران برتری دادم و به دو فرزند و نوه ات پس از او - امام حسن و امام حسین علیهما السلام - تو را کرامت دادم.

وَجَعَلْتُ حَسِينًا مَعْدِنًا عِلْمِي بَعْدَ انْقِضَاءِ مَدَّةِ أَهْلِهَا، وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا خَازِنَ وَحْيِي، وَأَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ، وَخَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ اسْتَشْهَدَ وَأَرْفَعُ الشُّهَدَاءَ دَرَجَةً، جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ مَعَهُ، وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عِنْدَهُ، بِعِزَّتِهِ اثْبُتْ وَأَعَاقِبْ؛ أَوْلَهُمُ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَالَمِينَ، وَزَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ؛ وَابْنُهُ سَيِّمِي حَيِّدَهُ الْمَحْمُودَ، مَحَمَّدَ الْبَاقِرِ لِعِلْمِي وَالْمَعْدِنَ لِحِكْمَتِي؛ سَيِّهْلِكُ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ، الرَّادُّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لِأَكْرَمَنِّ مَثْوَى جَعْفَرٍ، وَأَلَسْرَنَّهُ فِي أَوْلِيَائِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَنْصَارِهِ؛ وَانْتَحَبْتُ بَعْدَ مُوسَى فَتْنَةَ عَمِيَاءِ حِنْدِسٍ، لِأَنَّ حَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ، وَحُجَّتِي لَا تَخْفَى، وَأَنَّ أَوْلِيَائِي لَا يَشْقُونَ أَبَدًا؛ أَلَا وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي، وَمَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ.

و حسن را سرچشمه دانش خود پس از پایان دوران پدرش قرار دادم، و حسین علیه السلام را خزانه دار وحی خود قرار داده و به او شهادت کرامت نمودم و او را سعادتمند کردم.

پس او برترین کسی است که شهید شد درجه او از همه شهدا رفیع تر است. کلمه تامه خود را همراه او قرار دادم. و حجت بالغه خود رانزد او قرار دادم، به سبب خانواده و عترتش پاداش و کیفر می دهم، اولین آنها علی، سیرور عبادت کنندگان و زینت دوستداران در گذشته من است و فرزند او محمد شکافنده دانش من، همنام جد ستوده اش و معدن حکمت می باشد. شک کنندگان درباره جعفر به زودی نابود خواهند شد. و کسی که سخن او را نپذیرد سخن مرا نپذیرفته است. سخن من حق است جایگاه جعفر را ارجمندی بخشم و او را درباره دوستداران و پیروان و یاری دهنده گانش شاد نمایم. پس از موسی فتنه کور ظلمانی رخ خواهد داد، زیرا رشته واجب من [وصایت] قطع نمی شود و حجت من مخفی نمی ماند، و هرگز اولیای من از هم جدا نخواهند شد.

آگاه باش هر کس یکی از آنها را انکار کند نعمت مرا انکار کرده است. و هر کس آیه ای از کتاب مرا تغییر دهد بر من افترا بسته است،

وَوَيْلٌ لِّلْمُفْتَرِينَ الْجَادِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ عِبْدِي مُوسَىٰ وَحَبِيبِي وَخَيْرَتِي، أَلَا إِنَّ الْمُكَذَّبَ بِالثَّامِنِ مُكَذَّبٌ بِكُلِّ أَوْلِيَائِي، وَعَلَيَّ وَلِيُّي وَنَاصِرِي، وَمَنْ أَضْعُ عَلَيْهِ أَغْبَاءَ النَّبَوِّهِ وَأَمْتَحَنَهُ بِالْأَضْطِلَاعِ، يَقْتُلُهُ عِفْرِيْتُ مُسْتَكْبِرٍ، يُدْفَنُ بِالْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ ذُو الْقَرْنَيْنِ إِلَيَّ جَنْبَ شَرِّ خَلْقِي، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأُقَرَّنَنَّ عَيْنَهُ بِمُحَمَّدِ ابْنِهِ وَخَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَهُوَ وَارِثٌ عِلْمِي وَمَعْدِنُ حِكْمَتِي وَمَوْضِعُ سِرِّي وَحُجَّتِي عَلَيَّ خَلْقِي، جَعَلْتُ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ، وَشَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا النَّارَ، وَأَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلَيَّ وَلِيُّي وَنَاصِرِي، وَالشَّاهِدُ فِي خَلْقِي، وَأَلَهِي عَلَيَّ وَحَمِيَّ، أَخْرِجْ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي وَالْحَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ،

وای بر کسانی که پس از وفات بنده ام و حبیبم و برگزیده ام موسی افترا زنند و انکار کنند، آگاه باشید تکذیب کنندگان هشتمین امام تکذیب کننده همه اولیای من هستند.

علی، ولی و یاری کننده من است. او کسی است که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او قرار می دهم و او را با تحمل آن بیازمایم. مرد بسیار پست و خود بزرگ بینی او را خواهد کشت، و در شهری که بنده صالح ذو القرنین بنا نموده، در کنار بدترین مردم دفن خواهد شد. سخن من محقق گردیده که با محمد فرزند و جانشین او چشمش را روشن کنم، پس او وارث علم من و معدن حمکت من و جایگاه سیر من و حجت من بر خلایق خواهد بود، بهشت را جایگاه او قرار دهم و او را برای هفتاد نفر از خاندانش - که مستوجب آتشند - شفیع کنم. و بر فرزندش علی مَهر سعادت زنم که ولی و یاری کننده من و شاهد در خلق و امین بر وحی من است.

از نسل او حسن را بیرون آورم که دعوت کننده به راه من و خزینه دار علم من است.

ثُمَّ أَكْمَلَ ذَلِكَ بَيْنَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، عَلَيْهِ كَمَالٌ مُوسَى وَبِهَاءٌ عِيسَى وَصَبْرٌ أَيُّوبَ، سَدَّ تَدَلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَيَتَّهَادُونَ رُؤُوسَهُمْ كَمَا تَهَادَى رُؤُوسُ التُّرُكِ وَالذَّلِيلِمْ، فَيَقْتُلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ، تَصْبِغُ الْأَرْضَ مِنْ دِمَائِهِمْ، وَيَفْشُو الْوَيْلُ وَالرَّزِينُ فِي نِسَائِهِمْ؛ أَوْلَيْكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حُنْدَسَ، وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ، وَأَرْفَعُ عَنْهُمْ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ، أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُتَهْتَدُونَ (۱)؛

سپس وصایت را با فرزند او که رحمت برای عالمیان است تمام کنم، او دارای کمال موسی و زیبایی و درخشش عیسی و صبر ایوب است.

در زمان [غیبت] او اولیای من خوار شوند، و سر آنها را همچون سرهای ترک و دیلم به ارمغان فرستند، پس کشته شوند و سوزانده شوند و در خوف و ترس به سربرند، زمین از خون آنها رنگین شود، و وای و شیون از زنانشان برخیزد.

آنها به حق، اولیای من هستند، و با ایشان هر فتنه کور و تاریکی را دفع کنم و زلزله ها را برطرف سازم، و از ایشان سختی ها و زنجیرها را بردارم. درودها و رحمت ها از پروردگار شان بر آنان باد و اینان هدایت شدگانند.

ص: ۱۸۸

۱- (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۸ - ۳۱۱، ح ۱؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۴ - ۳۶، ح ۲، باب ۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۹۵ - ۱۹۷، ح ۳. ترجمه ابتدای متن در کتاب در قسمت لوح حضرت فاطمه علیها السلام آمده است.

ليست اسامى القاب و صفات حضرت فاطمه عليها السلام در زيارت

- ابنهُ الأطهارِ ----- ١٩
- ابنهُ الرَّسُولِ ----- ١٧
- ابنهُ الْمُخْتَارِ ----- ١٨
- ابنهُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى ----- ١٨
- ابنهُ مَوْلَايَ ----- ١٩
- ابنهُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ----- ١٨
- ام ايها ----- ١٢٥
- ام اسماء ----- ٣٦
- أُمُّ الْأَيْمَةِ ----- ٣٤
- أُمُّ الْأَيْمَةِ الْبَرَّةِ ----- ٣٤
- أُمُّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ ----- ٣٤
- ام الائمه المعصومين ----- ٣٦
- أُمُّ الْأَيْمَةِ التُّجَبَاءِ ----- ٣٥
- أُمُّ الْأَيْمَةِ الْهَادِينَ ----- ٣٥
- أُمُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام ----- ٣٥
- أُمُّ السَّادَةِ الْأَيْمَةِ ----- ٣٥
- أُمُّ السَّبْطِينَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ----- ٣٥
- ام العلوم ----- ١١٧
- ام الفضائل ----- ٧٣

ام الفضائل----- ١١٧

ام الكتاب----- ١١٧

ام المحسن----- ٣٨

ام الهناء----- ٣٦

أُمُّ أُنْمِهِ الْهُدَى □----- ٣٥

أُمُّ أَحِبَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ----- ٣٥

الإنسيَّة----- ٥٣

الإنسيَّة الحوراء----- ٥٣

أَطْهَرُ النِّسَاءِ----- ٩٩

أَمَّتُكَ----- ٧٤

الْبِتُولُ وَالْبِتُولَةُ----- ٤٦

الْبِرَّة----- ٦٨

الْبِضْعَةُ التَّبَوِيَّةُ----- ١١٨

بِضْعُهُ لَحْمِهِ----- ١١٨

بِضْعُهُ مِنْهُ----- ١١٨

بِنْتُ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ □----- ١٨

بِنْتُ أَمِينِ اللَّهِ □----- ١٨

بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ □----- ١٧

بِنْتُ خَلِيلِ اللَّهِ-----١٧

بِنْتُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ-----١٨

بِنْتُ خَيْرِ التَّرِيَّهِ وَابْنَةُ خَيْرِ التَّرِيَّهِ-----١٨

بِنْتُ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ-----١٨

بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ-----١٧

بِنْتُ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ-----١٧

بِنْتُ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ-----١٨

بِنْتُ صَفِيِّ اللَّهِ-----١٧

بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ-----١٧

بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ-----١٧

بِنْتُ نَبِيِّ اللَّهِ-----١٨

بِنْتُ نَبِيِّكَ وَابْنَةُ نَبِيِّكَ-----١٨

التُّحْفَةُ-----٢٤

تُفَاحَةُ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ-----٢٠

التَّقِيَّة-----٩٣

حَانِيَّة-----٣٨

حَسْبِيَّة-----١٢٢

حَسْبِيَةُ الْمُصْطَفَى-----١٢٢

حَسْبِيَةُ حَسْبِكَ وَنَبِيِّكَ-----١٢٢

الْحُرَّة-----٧٣

- الحصان-----١٠٠
- حليفه الورع والزهد-----١٠٦
- حَلِيلَةُ الْمُرْتَضَى □-----٢٤
- حَلِيلَةُ صَاحِبِ اللُّوَاءِ-----٢٤
- الْحَمِيدَةُ-----٦٧
- الْحَوْرَاءُ وَالْحَوْرِيَّةُ-----٥٣
- حَصِيمَةُ الْفَجْرِهِ-----١٣٤
- حَيْرُ نِسَاءِ الْأُمَّةِ-----٦٤
- الدُّرَّةُ الْأَحْمَدِيَّةُ-----١٢٦
- الرَّشِيدَةُ-----٧٣
- الرَّضِيَّةُ-----٦٩
- رُوحُهُ-----١٢٠
- الزَّاكِيَةُ-----٩٥
- الزَّكِيَّةُ-----٩٤
- الزكِيه العارفه-----٩٤
- زَوْجُ الْوَصِيِّ زَوْجُهُ وَصِيٌّ نَيْبِكُ-----٢٤
- زوجه ولي الله-----٢٤
- زوجه وليك-----٢٤
- الزَّهْرَاءُ-----٤٧
- زَيْنُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ-----٦٣

السَّعِيدَةُ-----٦٦

سَلِيلَةُ الْمُصْطَفَى □-----١٢٠

السَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ-----٦٣

السَّيِّدَةُ الْكُبْرَى-----٦٣

السَّيِّدَةُ الْمَفْقُودَةُ-----١٥١

سَيِّدَةُ النِّسَاءِ-----٦٣

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ-----٥٥

ص: ١٩٠

سَيِّدُهُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَالْآخِرِينَ----- ٥٥

سَيِّدُهُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ----- ٦٣

الشَّجَرَةُ الزَّيْتُونَةُ----- ٣٢

شَقِيقَةُ الْبَتُولِ مَرْيَمَ----- ٥٨

الشَّهِيدَةُ----- ١٥١

الصَّابِرَةُ----- ١٤٢

صَاحِبُهُ وَلِيِّكَ----- ٢٤

صَادِقُهُ----- ١٠٦

الصِّدِّيقَةُ----- ١٠٤

الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى----- ١٠٤

صَمِيمِ قَلْبِهِ----- ١٢١

الطَّاهِرَةُ----- ٩٦

الطُّهُرُ، الطُّهْرَةُ----- ٩٧

الطَّيِّبَةُ----- ٩٥

العَارِفَةُ بِالشَّرَائِعِ وَالْأَحْكَامِ----- ١٠٧

العُذْرَاءُ----- ٥٥

عَزِيزَتُهُ----- ١٢٢

العَلِيمَةُ----- ١٠٩

الغُرَّاءُ----- ٥٢

الْفَاضِلَةُ----- ٧١

فَاطِمَةُ ----- ٤١

فَاطِمَةُ الْاَنْطَامِ (الْاَنْطَام) ----- ٤٢

فَاطِمَةُ الْبُتُولُ ----- ٤٢

فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَام ----- ٤١

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى ----- ٤٢

فَاطِمَةُ بِنْتُ الرَّسُولِ ----- ٤٢

فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ----- ٤١

فَلْدَةُ كَبِدِهِ ----- ١٢١

قَرِينَةُ الْمُرْتَضَى ----- ٢٤

قَرِينَةُ خَيْرِ الْاَوْصِيَاءِ ----- ٢٤

قَرِينَةُ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ ----- ٢٤

الْكَرِيمَةُ الْمَحْمُودَةُ ----- ٨٠

الْكَرِيمَةُ عِنْدَ الْمَلَأِ الْاَعْلَى ----- ٨٣

الْكُوْثَرُ ----- ٧٨

الْمُبَارَكَةُ ----- ٧٤

الْمُبْرَأَةُ مِنَ الْاَذْنَانِ ----- ٩٩

مُبَشِّرَةُ الْاَوْلِيَاءِ ----- ٨٤

الْمُحَدَّثَةُ ----- ١١١

الْمَحْرُوسَةُ مِنَ الْوَسْوَاسِ ----- ١٠٠

مُرَبِّيَةُ الْاَيْتَامِ ----- ١٣٣

المَرْضِيَّةُ ----- ٧٠

مَرِيَمُ الْكُبْرَى ----- ٥٨

المُشَفَّعَةُ فِي يَوْمِ اللَّقَاءِ ----- ٨٦

المُضْطَّهَدَةُ ----- ١٤٧

المَطْلُوبَةُ بِالْأَحْقَادِ ----- ١٥٠

المُطَهَّرَةُ ----- ٩٧

مُطَهَّرَةٌ مِنَ الْأَرْجَاسِ ----- ٩٧

المَظْلُومُ بَعْلِهَا ----- ١٤٢

ص: ١٩١

المَظْلُومَةُ-----١٤٠

المَظْلُومَةُ الصَّابِرَةُ-----١٤٢

معصومه-----١٠١

المَعصُومَةُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ-----١٠١

المُغْتَصَبَةُ حَقَّهَا المَغصُوبَةُ حَقَّهَا-----١٣٥

المغشومه-----١٤٣

المُعَصَّصَةُ بِرِيقِهَا-----١٤٩

المَغصُوبَةُ-----١٣٧

المَفجُوعَةُ بِالْأَوْلَادِ-----١٤٩

المُفَضَّلَةُ عَلَى كَافَةِ النَّاسِ □-----٦٥

المُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ □-----٦٤

المَقْتُولُ وَلَدُهَا-----١٤٨

المَقهُورَةُ-----١٤٣

المَكسُورُ ضِلْعُهَا-----١٤٨

المُمتَحَنَةُ-----١٥

المَمْنُوعَةُ إرْثُهَا-----١٣٨

المَمْنُوعَةُ حَقَّهَا-----١٣٧

المنصوره-----٨٤

مولاتي-----٦٦

المُهذَّبَةُ مِنَ الخِنَاءِ-----٩٩

المِيمُونَه-----٨٠

التَّبَعَةُ النَّبَوِيَّةُ النَّاصِرَةُ-----٣٣

التُّخْبَةُ مِنْكَ لَهُ-----١٢١

نَقِيهِ-----٩٤

وَارِثَةُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ-----١٢٦

وَارِثَةُ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ-----١٢٦

وَالِدَةُ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ، وَالِدَةُ الْأَيْمَةِ-----٣٥

ص: ١٩٢

ليست اسامى القاب و صفات حضرت فاطمه عليها السلام
در منابع ديگر^۱

أمة الله	أُمّ الحسين	ابنة المصفوة
آية لله	أُمّ الخيرة	إحدى الكبر
آية الله العظمى	أُمّ الرأفة	أرومة العناصر
باكية العين	أُمّ الرواق الحسينية	أعزّ البرية
البتول	أُمّ الريحانتين	أُمّ الأئمة المعصومين
برزخ النبوة والولاية	أُمّ السبطين	أُمّ الأبرار
بضعة الرسول <small>صلى الله عليه وآله</small>	أُمّ العطيّة	أُمّ أبيها
بقية النبوة	أُمّ العلا	أُمّ الأخيار
بهجة القواد	أُمّ العلوم	أُمّ الأزهار
بهجة بيضاء بضّة	أُمّ الفضائل	أُمّ الأطهار
تفاحة الفردوس	أُمّ الكتاب	أُمّ الأنوار
التقية	أُمّ المحسن	أُمّ البدرين
ثالثة الشمس والقمر	أُمّ المؤمنين	أُمّ البررة
ثمرة النبوة	أُمّ الموانع	أُمّ البرية
جرثومة المفاخر	أُمّ النجباء	أُمّ البلجة
جمال الآباء	أُمّ التقى	أُمّ التقى
الجميلة الجليلة	أُمّ النورين	أُمّ الحسن

۱. عوالم العلوم و مستدرکاته. (فاطمة الزهراء عليها السلام)، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶.

صاحبة الأحران الطويلة	زجاجة الوحي	حاملة البلوى
صاحبة النجّة السامية	الزكّية	الحانية
صاحبة المصحف	زوجة وليّ الله الأعظم	الحبّة النابتة
الصارقة في السرّ والعلن	الزهراء	حبّها خير العمل
الصدف الفخّار	زين الفواطم	حبّية المصطفى ﷺ
الصدّيقة	ستر الله الكبرى	حجاب الله المرخى
الصدّيقة الكبرى	سفينة النجاة	حجة الله الكبرى
صفوة الشرف	سلالة الرضوان	الحرّة
صلوة الوسطى	سلالة الفخر	الحصان
ضامن الشفاعة	سما الكواكب الدريّة	حظيرة القدس
الطاهرة	السماوية	الحوراء
الطاهرة في الأفعال	السيدة	خامسة أهل العبا
الطاهرة الميلاد	سيّدة بنات آدم ﷺ	الخيرة من الخير
ظلّ لله الممدود	سيّدة نساء الأولين	درّة التوحيد
العابدة التقيّة	والآخرين	الدرّة المنضدة
العارفة بالأشياء	سيّدة نساء الجتّة	الدعوة المستجابة
العالمة بما كان وما يكون	سيّدة نساء هذه الأمتّة	الذروة الشامخة
عالية الهمة	سيّدة النسوان	ذريعة الشيعة
عذيلة مريم الكبرى	شرف الأبناء	راضية
العذراء	شفيعة الأمتّة	الرضية
عروة الوثقى	الشفيعة يوم القيامة	ربيبة مكّة
العفيفة	الشمس المضيئة	الرشيدة
عقيلة الرسالة	الشهيدة	ركن الدين
عيبة العلم	الصائمة في النهار	روح بين جنبي المصطفى
عين الحجّة	الصابرة في المحن	ريحانة النبي ﷺ

عين الحياة	المتعوبة في الدنيا	موطن الرحمة
الغرة الغراء	المتهجدة	مهجة العالم
الفاضلة، الفضلى	محرقة القلب	مهجة قلب المصطفى
فاطمة	المحدثة	الميمونة
فخر الأئمة	العرضية	ناحلة الجسم
فلذة كبد المصطفى ﷺ	مريم الكبرى	الناطقة بالشهادتين عند الولادة
القائمة في الليل	المزوجة في الملأ الأعلى	النبيلة
القائمة	مشكاة الأنوار	نجمة إكليل النبوة
القائمة	المضطهدة	نخبة أبيها
القوة المسددة	المظلومة	النعمة الجليلة
قرار القلب	معدن الحكمة	نور الأنوار
قرة عين الخلائق	المعروفة في السماء	النورية
قلادة الوجود	معصبة الرأس	والدة الحجج
الكثيبة	المعضومة	والدة الحسن والحسين ﷺ
الكريمة في النفقة	المغصوبة حقها	الوالهة الثكلى
كلمة لله التامة	مقتولة الجنين	الوحيدة الفريدة
كلمة التقوى	مكسورة الضلع	وديعة الرسول
الكلمة الطيبة	الممتحنة	وعاء المعرفة
الكوثر	المنوعة إرثها	وليّة الله العظمى
الكوكب الدرّي	المنصورة	الوليدة في الإسلام
ليلة القدر	المنعوتة في الإنجيل	ينابيع الحكمة
المباركة	المنهدة للركن	ينبوع العلم
مبشرة الأولياء	الموصوفة بالبرّ والتبجيل	

منظومة زیر که به زبان عربی است القاب بسیاری از
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گرد آورده است

نظمت منها نبذة يسيرة	ألقاب بنت المصطفى كثيرة
وبعلها الولي مع بنيتها	نفسی فداها وفسداً أبيها
نورية حانية عذراء	سيدة إنسيّة حسوراء
عفيفة قانعة رشيدة	كريمة رحيمة شهيذة
صابرة سليمة مكرّمة	شريفة حبيبة محترمة
معصومة مفضولة مظلومة	صفيّة عالمة عليمة
جميلة جليلة معظمة	ميامنة منصوره محتشمة
حليفة العبادة والتقوى	حاملة البلوى بغير شكوى
ركن الهدى وآية النبوة	حبيبة الله وبنت الصفة
تفاحة الجسنة والمطهرة	شفيعة العصاة أمّ الخيرة
صفوة ربها وموطن الهدى	سيدة النساء بنت المصطفى
مهجة قلبه كسداً بقلبه	قرّة عين المصطفى وبضعتة
محرّونة مكروبة عليلة	حكيمه فهيمه عقيلة
باكية صابرة صوّامة	عابدة زاهدة قوّامة
البرّة الشفيقة الأتانة	عطوفة رؤوفة حنّانة
نور سماويّ وزوجة الوصي	والدة السّطين دوحه النبيّ
روح أبيها درة بيضاء	بدر تمام غرّة غرّاء
درة بحر الشرف والجود	واسطة قلادة الوجود
أمانة الوحي وعين الله	وليّة الله وسرّ الله
جمال الأبناء شرف الأبناء	مكينة في عالم السماء

ضمائم @ ١٩٧

درة بسحر العسلم والكمال	جوهرة العزّة والجلال
قطب رحي المفاخر السنّية	مجموعة المآثر العليّة
مشكاة نور الله والزجاجة	كعبة الآمال لأهل الحاجة
ليلة قدر ليلة مباركة	ابنة من صلّت به الملائكة
قرار قلب أنّها المعظّمة	عالية المحلّ سرّ العظمة

مكسورة الضلع رضيع الصدر

مخسوبة الحقّ خفيّ القبر^١

١. فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ٢٠٩ و ٢١٠؛ عوالم العلوم، ص ٩٣ و ٩٤ به نقل از اللجنة العاصمه.

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، امير المؤمنين عليه السلام، مؤسسه فرهنگي تحقيقاتي امير المؤمنين، ۱۳۷۹ش.
۳. الاحتجاج، احمد بن علي بن ابي طالب الطبرسي، مطبعه مفيد، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۴. الاختصاص، (مصنفات شيخ مفيد ۱۲)، أبو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، المؤتمر العالمي لأفنيه الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
۵. ارشاد القلوب، الديلمي، منشورات رضی.
۶. إعلام الوری، فضل بن حسن طبرسي، آل البيت ۱۴۱۷ق.
۷. الاقبال بالاعمال الحسنه، سيد رضی الدين علي بن موسى بن جعفر بن طاووس، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۴۱۶ق.
۸. اقرب الموارد (۱-۲)، الشرتوني اللبناني.
۹. الميزان في تفسير القرآن (۱-۲۰)، السيد محمد حسين الطباطبائي، دار الكتب الاسلاميه ۱۳۹۲ق.
۱۰. امالي الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات بيروت، ۱۴۰۰ق.
۱۱. امالي الطوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسي، منشورات مكتبه الداوري، قم.
۱۲. بحار الانوار (۱-۱۰۰)، علامه محمد باقر المجلسي، دار الكتب الإسلاميه.
۱۳. البرهان في تفسير القرآن (۱-۴)، السيد هاشم البحراني، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۱۴. بصائر الدرجات، ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ الصفار القمي، منشورات مكتبه آيه العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
۱۵. تفسير العياشي (۱-۲)، محمد بن مسعود بن عياش السلمی، مكتبه العلميه الاسلاميه ۱۳۸۰ق.
۱۶. تفسير القمي (۱-۱۶)، علي بن ابراهيم القمي، مؤسسه دار الكتاب للطباعه والنشر، ۱۴۰۴ق.
۱۷. التفسير المنسوب الى الامام العسكري، مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۹ق.
۱۸. تفسير روشن، علامه مصطفوي، چاپخانه اعتماد ۱۳۸۰ش.

١٩. تفسير فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم بن فرات الكوفى، مؤسسه طبع و نشر ١٤١٠ق.

٢٠. تفسير كنز الدقائق (١٤-١)، محمد بن محمد رضا القمى المشهدى، مؤسسه طبع و نشر ١٤١١ق.

٢١. تفسير نور الثقلين، الشيخ عبد على بن جمعه العروسى الحويزى، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، قم.

ص: ١٩٨

٢٢. الثغور الباسمه فى مناقب فاطمه، جلال الدين سيوطى، دارالصحابه للتراث بطنطا، ١٤١١ق.
٢٣. ثواب الاعمال، ابو جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه القمى، منشورات الرضى، قم، ١٣٦٨ش.
٢٤. الحجج الغراء على شهاده الزهراء، آيه... جعفر سبحانى، نشر مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤٢٢ق.
٢٥. الخرائج والجرائح، قطب الدين الراوندى، مؤسسه الامام المهدي، قم المقدسه، ١٤٠٩ق.
٢٦. الخصائص الفاطميه، محمد باقر الكجورى، انتشارات شريف رضى، ١٣٨٠ش.
٢٧. الخصال، محمد بن على بن الحسين بن بابويه قمى، منشورات جماعه المدرسين، قم، ١٤٠٣ق.
٢٨. الدرّ المثور فى تفسير بالمأثور (٧-١)، جلال الدين سيوطى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٢٤ق.
٢٩. در حريم ياس، مؤسسه امام هادى عليه السلام، انتشارات پيام امام هادى عليه السلام ١٣٨٤ش.
٣٠. دلائل الامامه، أبو جعفر محمد بن جرير رستم الطبرى، منشورات رضى ١٣٦٣ش.
٣١. روضه المتقين، فى شرح من لا يحضره الفقيه، مولى محمد تقى مجلسى، بنياد فرهنگ اسلامى حاج حسين كوشانپور، ١٤٠٦ق.
٣٢. روضه الواعظين، محمد بن فتال النيشابورى، منشورات رضى قم ١٣٦٨ش.
٣٣. الرياض النضره فى مناقب العشره (٤-١)، لأبى جعفر احمد الشهير بالمحب الطبرى، دار الكتب العلميه، بيروت.
٣٤. سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد بن عثمان الذهبى، مؤسسه الرساله، ١٤١٩ق.
٣٥. صحيح البخارى (٩-١)، محمد بن اسماعيل.. البخارى، دار الجيل بيروت.
٣٦. صديقه طاهره بانوى بزرگ اسلام، عقيقى بخشايشى، دفتر نشر نويد اسلام، ١٣٧٥ش.
٣٧. العدد القويه لدفع المخاوف اليوميه، رضى الدين على بن يوسف بن المطهر الحلى، منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعى النجفى، ١٤٠٨ق.
٣٨. عده الداعى ونجاح الساعى، محمد بن فهد الحلى، دار الكتب الإسلاميه.
٣٩. علل الشرائع، ابو جعفر محمد بن على الحسين بن بابويه القمى، منشورات المكتبه الحيدريه، نجف، ١٣٨٥ق.
٤٠. عوالم العلوم (فاطمه زهرا عليها السلام)، (٢-١)، شيخ عبدالله البحرانى الاصفهانى، مؤسسه الامام المهدي (عج)، ١٤١٥ق.

٤١. عيون اخبار الرضا عليه السلام ، محمد بن على بن الحسين بن بابويه، منشورات اعلمى تهران.

٤٢. فاطمه الزهراء، گفتار علامه امينى، مؤسسه انتشارات امير كبير، ١٣٦٢ش.

٤٣. فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى، احمد الرحمانى الهمدانى، المنير للطباعة والنشر، ١٤٢٠ق.

٤٤. فرائد السمطين، ابراهيم بن محمد الجوينى الخراسانى، مؤسسه المحمودى للطباعة والنشر، بيروت، ١٤٠٠ق.

ص: ١٩٩

٤٥. فضائل الخمسه من الصحاح الستة، السيد المرتضى الحسينى الفيروز آبادى، دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٨ق.
٤٦. القاموس المحيط (١-٤)، مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروز آبادى، داراحياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٢ق.
٤٧. قرب الاسناد، عبد الله بن جعفر الحميرى، مؤسسه آل البيت ١٤١٣ق.
٤٨. الكافى (١-٢)، ثقه الاسلام ابو جعفر محمد بن يعقوب الكلينى الرازى، دار الكتب الاسلاميه.
٤٩. كتاب الصافى فى تفسير القرآن (١-٢)، الفيض الكاشانى، منشورات دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٢ش.
٥٠. كتاب سليم بن قيس هلالى، سليم بن قيس الهلالى، تحقيق انصارى، نشر الهادى قم، ١٤١٥ق.
٥١. كشف الغمه فى معرفه الائمه (١-٤)، على بن عيسى بن ابى الفتح الاربلى، دارالكتاب الاسلامى، بيروت، ١٤٠١ق.
٥٢. كشف المراد، جمال الدين علامه حلى، انتشارات كتاب فروشى اسلاميه، ١٣٥١ش.
٥٣. كمال الدين و تمام النعمه، محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، مؤسسه النشر الاسلامى، جامعه المدرسين، ١٤١٦ق.
٥٤. لغت نامه دهخدا، على اكبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٧١ش.
٥٥. اللمعه البيضاء فى شرح خطبه الزهراء، مولى محمدعلى بن احمد القراچه داغى التبريزى الأنصارى، انتشارات دليل ما، ١٤٢٤ق.
٥٦. لوامع صاحبقرانى، علامه محمد تقى المجلسى (الاول)، انتشارات دارالتفسير، ١٤١٩ق.
٥٧. مجمع البحرين (١-٣)، الشيخ فخر الدين الطريحي، مؤسسه بعثت، ١٤١٥ق.
٥٨. مجمع البيان، ابو على الفضل بن الحسن الطبرسى، رابطه الثقافه والعلاقات الاسلاميه، ١٣٩٠ق.
٥٩. مرآه العقول، علامه محمد باقر مجلسى، دار الكتب الاسلاميه تهران، ١٣٦٣ش.
٦٠. مسند، الامام احمد بن حنبل، دار صادر بيروت.
٦١. مصباح المتهجد، ابى جعفر محمد بن الحسن الطوسى، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، ١٤١١ق.
٦٢. معارف و معاريف، سيد مصطفى حسيني دشتى، انتشارات دانش، ١٣٧٦ش.
٦٣. معانى الاخبار، محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى، انتشارات اسلامى، جامعه مدرسين، ١٣٦١ش.

٦٤. معجم البلدان (١-٥)، ياقوت بن عبدالله الحموي، دار احياء التراث العربي، بيروت.

٦٥. المعجم الوسيط (١-٢)، مجمع اللغة العربية المكتبة العلميه طهران.

٦٦. ملاذ الاخير في فهم تهذيب الاخبار، علامه محمد باقر مجلسي، نشر مكتبه آيه الله المرعشي ١٤٠٧ق. □

٦٧. مناقب آل ابي طالب، رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني، مؤسسه انتشارات علامه، قم.

٦٨. المناقب، الموفق بن احمد بن محمد المكي، انتشارات جامعه مدرسين ١٤١٤ق.

٦٩. وسائل الشيعه، محمد بن الحسن الحر العاملي، مؤسسه آل البيت، ١٤١٤ق.

ص: ٢٠٠

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

